

۵۱ شبه

۱۲ روز حماسه

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات
(حوزه‌های علمی)



فهرست مطالب

۵	 مقدمه
۷	 جدا شوید
۱۲	 انهدام زیرساخت‌ها
۱۴	 پایگاه های نظامی کنار مناطق مسکونی
۱۶	 زندگی در بالاشهر
۱۸	 منافقان داخلی
۲۰	 نقش کشورهای دوست
۲۲	 انگیزه حمله به ایران
۲۴	 وعده صادق ۲
۲۵	 رفتارهای تنش‌زا
۲۷	 اهمیت مدافعان امنیت
۲۹	 آسایش اسرائیلی
۳۲	 کنترل ترس و تشویش
۳۴	 جنگ و مبانی اسلامی
۴۰	 مردم و نظام
۴۲	 برنامه‌ای از پیش طراحی شده
۴۶	 سکوت و حمایت کشورها
۴۹	 نقش کشورهای دیگر، بویژه همسایگان
۵۱	 هدف اصلی تجاوز به ایران
۵۸	 خطرات امنیتی پیام رسان ها
۶۱	 جوانان امروز و جنگ
۶۳	 فیلترینگ در شرایط جنگ
۶۵	 مذاکره در شرایط جنگ

۷۰	فرصت سازی مذاکره.....
۷۳	جنگ ما و اسرائیل.....
۷۶	صلح و سازش.....
۷۹	ارزش استقلال سیاسی.....
۸۱	دشمن شناسی.....
۸۵	شهیدان غیرنظامی.....
۸۷	آرامش و ترس.....
۹۰	فریادرس عالم.....
۹۵	بازپس گیری بعد از ۷۰.....
۹۸	چرا جنگ.....
۱۰۲	خدا کجاست.....
۱۰۷	مذهب فلسطینی ها.....
۱۰۹	زمین فلسطین.....
۱۱۲	جنگ آخرالزمانی.....
۱۱۴	اسلام و ایران.....
۱۱۶	اقتصاد یا جنگ.....
۱۱۸	اقتصاد در شرایط جنگ.....
۱۲۰	مقصر جنگ.....
۱۲۲	هم جنگ و هم مذاکره.....
۱۲۴	مردم و تصمیمات سیاسی.....
۱۲۶	نه غزه نه لبنان.....
۱۲۷	صلح امام حسنی.....
۱۳۲	دخالت در امور فلسطین.....
۱۳۵	تحریک ایران.....
۱۳۷	حس خودتحقیری.....
۱۴۰	توانمندی ایران.....
۱۴۲	عملکرد پدافند.....
۱۴۴	انتقام سخت.....
۱۴۸	نابودی در یک روز.....

مقدمه

جهان در سال ۱۴۰۴ شمسی شاهد یکی از زشت‌ترین صفحات تاریخ معاصر بود؛ زمانی که رژیم صهیونیستی با خوی ددمنشانه‌ای که ریشه در تاریخ استعماری و نژادپرستانه آن دارد، به همراهی ارباب سلطه‌طلب خود - ایالات متحده آمریکا - مرزهای همه موازین حقوق بشری و بین‌المللی را درنوردید و با حمله و تهاجم به ایران جنایات بزرگی را رقم زدند. این تهاجم وحشیانه که با هدف نابودی زیرساخت‌های هسته‌ای و موشکی حیاتی ایران برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی طراحی شده بود، نه تنها یک جنایت جنگی تمام‌عیار محسوب می‌شد، بلکه پرده از حقیقت تلخ دیگری برداشت: فروپاشی کامل نظام حقوقی بین‌المللی و بی‌خاصیتی نهادهایی که مدعی حافظ صلح جهانی بودند.

سازمان ملل متحد و شورای امنیت با سکوت خود، آژانس حکام انرژی اتمی با رفتارهای گزینشی خود، و جامعه بین‌المللی با بی‌عملی خود، همگی ثابت کردند که نظام حاکم بر روابط بین‌الملل، نه بر پایه عدالت و انصاف، که بر مبنای روابط سلطه و زورگویی استوار شده است. این واقعه به وضوح نشان داد که چگونه غرب به رهبری آمریکا، از تروریسم دولتی به عنوان

ابزاری برای پیشبرد اهداف هژمونیک خود استفاده در این میان، آنچه جهان را به حیرت واداشت، رشادت بی‌نظیر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بود که با تکیه بر توانمندی‌های بومی و دانش دفاعی خود، نه تنها ضربات دشمن را خنثی کردند، بلکه پاسخی سهمگین و حساب شده به این تجاوز دادند. عملکرد دقیق، حرفه‌ای و غرورآفرین سربازان و فرماندهان ایرانی در این نبرد نابرابر، درس بزرگی به جهان داد که امنیت ایران قابل نقض نیست.

همچنین حمایت بی‌چون و چرای مردم ایران از نظام جمهوری اسلامی و اتحاد مثال‌زدنی آنان در این شرایط بحرانی، یکی از نقاط درخشان این رویداد بود. ملت ایران با حضور آگاهانه و هوشمندانه خود در صحنه، بار دیگر ثابت کردند که پشتیبان واقعی انقلاب و ارزش‌های اسلامی هستند و در سخت‌ترین شرایط نیز از استقلال و عزت کشورشان دفاع خواهند کرد. مجموعه پیش رو بخشی از سوالات و دغدغه‌های مردمی را گردآوری کرده است که به تحلیل ابعاد مختلف این واقعه می‌پردازد. این پرسش‌ها که از زوایای گوناگون سیاسی، نظامی، حقوقی، اقتصادی و اجتماعی مطرح شده‌اند، نشان‌دهنده سطح بالای آگاهی عمومی و نیاز مبرم به تبیین علمی این رویداد سرنوشت‌ساز است.

در این مجال لازم است از تلاش همه عزیزانی که به گردآوری و پاسخگویی به سوالات و شبهات اهتمام داشته تشکر و قدردانی نمایم.

جدا شوید

طرفداران اسرائیل و نیز رسانه‌های غربی می‌گویند اگر مردم ایران راه خود را از سپاهیان و مسئولین کشور جدا کنند، در امان می‌مانند. چه پاسخی به آنان بدهیم؟

یک: باید از این افراد خام اندیش و نادان پرسید که مگر سپاهیان و مسئولان نظام جمهوری اسلامی غیر از همین مردم ایران‌اند؟! مسئولان سیاسی و نظامی کشور برادران و خواهران خود ما هستند. مگر مسئولان بلندپایه سیاسی و نظامی کشور جز حفظ استقلال و عزت کشور و منافع مردم هدف دیگری دارند؟! چرا مردم ایران باید خود را از رهبران و مدیران کشور جدا بدانند و با متجاوزانی که کشور آنان را هدف تجاوز قرار داده‌اند، همراهی کنند و پشت سربازان کشور خود را خالی نمایند؟! این تبلیغات مسموم، نوعی جنگ شناختی شدید و پیچیده است و هدف آن ایجاد شکاف و دوگانگی میان مردم و رهبران کشور است تا خود مردم کشور علیه رهبران و سربازان وطن برخاسته و کشور خود را ضعیف، ذلیل و آسیب‌پذیر کنند.

دو: در حملات روزهای گذشته تبهکاران صهیونی به کشور زنان و

کودکان زیادی به شهادت رسیدند که حتی با نظام سیاسی کشور همراهی نداشتند. حتی برخی از حامیان فتنه زن زندگی آزادی نیز در میان شهیدان بودند. آیا موشک‌ها، بمب‌ها و پهپادهای انتحاری دشمن می‌تواند میان موافقان و مخالفان نظام تفکیک قائل می‌شود و هوشمندانه فقط موافقان را هدف قرار می‌دهد؟! و آیا اساساً دشمن متجاوز خواهان چنین چیزی است؟ دشمن صهیونی می‌خواهد کشور و ملت ایران را از هم فروپاشاند و در این میان البته به مخالفان نظام دلبسته است که آنان خودشان علیه کشور خویش عمل کنند، اما وقتی با جنگنده و موشک حمله می‌کند، هدفش تنها کشتار و جنایت است و برای او فرقی نمی‌کند چه کسانی کشته و مجروح می‌شوند. نکته دقیق‌تر آنکه اگر در این حملات، مخالفان نظام کشته شوند، از لحاظ روانی مؤثرتر است تا موافقان نظام. زیرا کشته‌شدن مخالفان نظام، خانواده‌های آنان را برای تحت فشار قرار دادن نظام مصمم‌تر و خشمگین‌تر می‌کند!

سه: اکنون تجربه لبنان و فلسطین پیش چشم ما است. آیا رژیم صهیونی تنها آن دسته از مردم فلسطین را کشت که طرفدار حزب الله و حماس بودند؟! یا اینکه حتی بسیاری از مردمی که با مقاومت لبنان و فلسطین همراه نبودند را نیز کشته و آواره نمود؟! به خوبی می‌دانیم که هم در لبنان و هم در فلسطین، بسیاری از مردم طرفدار مقاومت نیستند؛ با این وجود همین مخالفان نیز همواره مورد تهاجم و جنایت صهیونیست‌ها بوده‌اند.

ایگال مالکه، از چهره‌های رسانه‌ای حامی نتانیاهو در کانال شخصی‌اش، صوتی از مردخای کدار، افسر سابق اطلاعات نظامی ارتش رژیم صهیونیستی و تحلیلگر امنیتی وابسته به جناح راست‌گرای اسرائیل را با عنوان «مردخای

کدار در نشستی با کارشناسان رسانه «قرارداده است. کدار در این فایل صوتی از ناتوانی رژیم صهیونیستی در پیروزی نظامی بر ایران پرده برداشت و راه نجات اسرائیل را تحریک مردم ایران به شورش خیابانی علیه جمهوری اسلامی عنوان کرده است. کدار، که سال‌ها در بخش اطلاعات ارتش اسرائیل (امان) فعالیت داشته، در نشستی با عنوان «چالش ایران»، تصریح کرد: «سؤال می‌کنند که چرا من اصرار دارم مردم ایران را به خیابان بکشانیم؟ چون باید واقع بین بود. ما به تنهایی نمی‌توانیم بر ایران پیروز شویم. این کار غیرممکن است.» کدار اذعان می‌کند که ایران، نه غزه است و نه حزب‌الله؛ بلکه یک حکومت مستقر، با قدمتی ۵۰ ساله، دارای وسعت و زیرساخت‌های گسترده است و از همین رو، گزینه نظامی به‌تنهایی کارساز نخواهد بود.^۱

ما ملت ایران باید بدانیم که دشمنی رژیم جنایتکار صهیونی تنها با جمهوری اسلامی نیست و این رژیم دشمن ایران و ایرانی است و صرف نظر از وظیفه انسانی و اسلامی، از منظر منافع ملی نیز مقابله با آن رژیم تبه‌کار برای همه ایرانیان ضروری و واجب است.

چهار: شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد رژیم غاصب و خونخوار اسرائیل در سودای تسلط بر همه منطقه خاورمیانه است و نه مقابله با جمهوری اسلامی ایران.

الف) شعار اسرائیل بزرگ؛ از نیل تا فرات، یکی از شعارهای اساسی رژیم صهیونیستی است و بیانگر روحیه تجاوز و توسعه‌طلبی آن رژیم

1. <https://www.tahlilbazaar.com/news/347530>

غاصب است. اگر جبهه مقاومت فلسطین و لبنان آن رژیم را در مرزهای خود خوانده و جعلی محصور نمی‌کرد، تاکنون بسیاری از کشورهای منطقه را اشغال کرده بود و ما باید برای حفظ امنیت و تمامیت سرزمینی خودمان با اسرائیل در مرزهای کشورمان و با هزینه‌هایی به مراتب بیش‌تر و سنگین‌تر مقابله می‌کردیم. هدف اساسی رژیم صهیونیستی، ایجاد اسرائیل بزرگ از لحاظ اقتصادی و مالی است تا جایی که بتواند بر دیگر کشورهای منطقه حکمرانی کند. همین امروز این رژیم بخش‌هایی از کشور اردن و سوریه را در اشغال خود دارد. لبنان هم سالیانی در اشغال آن رژیم بود و با جهاد مقاومت حزب الله مجبور به عقب نشینی از جنوب لبنان شد. رژیم متجاوز اسرائیل چونان حیوان درنده‌ای است که اگر رها شود، به تمام منطقه راهبردی غرب آسیا دست‌اندازی خواهد کرد.

ب) بیش‌تر رسانه‌های بزرگ جهان در اختیار رژیم صهیونی قرار دارد. این رسانه‌ها با حجمی فراوان از تبلیغات سیاسی، فکری، ضد فرهنگی و ترویج ابتذال، به دنبال تخریب فرهنگ دینی و هویت ملی جوامع دیگر، بویژه جامعه ایران هستند. فعالیت‌های شبانه‌روزی و پرهزینه شبکه‌های فارسی علیه کشور و مردم ایران، تنها گوشه‌ای از تلاش خبیثانه رژیم صهیونی در راستای دشمنی با ارزش‌های اسلامی و فرهنگ ایرانی است. مسأله تنها جمهوری اسلامی و اسلام نیست، مسأله اصلی آنها نابودی هویت اسلامی و ایرانی است.

ج) تلاش مستمر برای ایجاد ناامنی در کشور توسط گروهک‌های خود فروخته و همراهی و حمایت از گروهک‌های تجزیه طلب در شهرهای مرزی و خارج از مرزهای کشورمان، در کردستان عراق، آذربایجان، ...

همواره جزو برنامه‌های راهبردی رژیم غاصب بوده است که در بسیاری از موارد به کشته و زخمی شدن بسیاری از هموطنان مان منجر شده است.

د) برگزاری هرساله جشن «پوریم» توسط صهیونیست‌ها، نمونه‌ای آشکار از دشمنی با ایران و ایرانی است. صهیونیست‌ها هرساله جشنی را با نام «پوریم» برگزار می‌کنند. پوریم برگرفته از کلمه عبری «پور» به معنای قرعه، جشن موسوم به ایرانی‌گشی است. پایه داستانی این جشن در «تورات» است و در آن از «استر»، زنی یهودی تحسین می‌شود که با خیانت به «خشیارشاه»، پادشاه ایرانی، سبب خشونت مرگبار علیه مردم ایران می‌شود. در آن فاجعه خونبار، ۷۰ هزار نفر از ایرانیان، اعم از زنان و کودکان، با بی‌رحمی کشته می‌شوند و اموال‌شان به غارت می‌رود.

در حالی که بر اساس این روایت، ۲۶ قرن از قتل عام ایرانیان می‌گذرد، یهودیان همچنان نسل‌گشی ایرانیان را با پوشیدن لباس‌هایی مانند شخصیت‌های داستان و بازی کردن نقش جنایتکاران، جشن می‌گیرند.^۱

1. <https://www.yjc.ir/fa/news/7309339>

انهدام زیرساخت‌ها

اگر زیرساخت‌ها مون رو بخواهند بزنند تکلیف چیست؟

یک: این نگرانی و پیش‌بینی، همواره وجود داشته است که به سبب ماهیت جنایتکار و شرور رژیم صهیونیستی، رژیم حملات خود به تأسیسات هسته‌ای و مراکز نظامی بسنده نکند. همانگونه که در این روزها شاهدیم برخی مناطق مسکونی و غیر نظامی نیز از همان حملات اولیه اسرائیل، هدف قرار گرفت. همچنین برخی از پالایشگاه‌ها، فرودگاه‌ها و دیگر تأسیسات زیربنایی کشور نیز از حملات ددمنشانه و تجاوزگرانه رژیم صهیونی در امان نبوده است. لیکن رژیم جنایتکار به خوبی می‌داند که ایران از قدرت بسیار بالای تهاجمی برخوردار است می‌تواند در برابر هدف قرار دادن زیر ساخت‌های کشور، زیر ساخت‌های حیاتی آن رژیم هدف قرار دهد تا هیچ منطقه امنی برای آنان وجود نداشته باشد. البته آنان باید بدانند که هزینه حمله به ملت ایران، هزینه زیادی به دنبال خواهد داشت.

دو: با توجه به آسیب‌پذیری زیاد رژیم صهیونی، بویژه از لحاظ تاب

آوری اجتماعی و نیز محدودیت‌های جغرافیایی خاصی که در تأمین انرژی و مبادلات اقتصادی دارد، ادامه حمله به تأسیسات زیربنایی ایران، موجب خواهد شد که ایران نیز تأسیسات زیربنایی آن رژیم را هدف قرار داده و نابود کند.

سه: در جنگ اسرائیل با حزب الله لبنان هم به خوبی شاهد بودیم که رژیم اسرائیل به تأسیسات زیربنایی حمله نمی‌کرد؛ چراکه به خوبی می‌دانست که چنین کاری موجب حمله متقابل به تأسیسات آن رژیم خواهد بود. چهار: اگرچه بدیهی است که دشمنی اسرائیل با ملت ایران است و نه نظام سیاسی آن، اما اسرائیل تلاش می‌کند میان مردم و مسئولان کشور فاصله انداخته و اینگونه القا کند که جنگ ما با جمهوری اسلامی است و نه با ملت ایران. به همین سبب ممکن است فعلاً تأسیسات زیربنایی کشور از حملات تجاوزکارانه آنان مصون بماند.

پایگاه‌های نظامی کنار مناطق مسکونی

چرا پایگاه‌های نظامی در مناطق مسکونی قرار دارد که موقع حمله به آنها مردم آسیب ببینند؟

یک: بیش‌تر پایگاه‌های نظامی کشور خارج از محدوده شهرها قرار دارد و بخشی از آن‌ها نیز که پیش‌تر در محدوده شهرها قرار داشت، به خارج از آن انتقال داده شده است، اما برخی از پایگاه‌های نظامی و انتظامی به علت برخی محدودیت‌ها و ملاحظات امنیتی و متناسب با کاربرد آن، در محدوده شهرها حفظ شده است و این امر در همه جای دنیا به همین صورت است.

برخی از خام‌اندیشان تصور می‌کنند که رژیم صهیونیستی تنها با نظامیان و مقامات سیاسی جمهوری اسلامی دشمنی دارد و نمی‌خواهد به مردم غیرنظامی آسیبی برساند؛ لیکن سابقه سیاه و تبهکارانه آن رژیم در ۸۰ سال گذشته، بویژه در قریب ۲۰ ماه اخیر در فلسطین اشغالی، آشکارا نشانگر این است که رژیم سفاک صهیونی به هیچ کدام از اصول اخلاقی و انسانی پایبند نیست. در همان حملات تجاوزکارانه نخست به کشورمان هم شاهد بودیم

که علاوه بر مراکز، مناطق مسکونی و مردم غیر نظامی را هم هدف قرار داد. دو: ما اکنون از سوی رژیم تبهکاری مورد هجوم قرار گرفته ایم که در دو سال گذشته بیش از شصت هزار انسان بیگناه غیرنظامی از پیر، جوان، زن و کودک را در غزه به خاک و خون کشیده است. رژیم سفاکی که به مناطق مسکونی، زیر ساخت های حیاتی، بیمارستان ها، مدارس، چادرهای آوران و حتی مراکزی که خودش آن را امن اعلام کرده، حمله می کند و مردم غیرنظامی را با بمب های سنگر شکن تکه تکه می کند، برایش فرقی نمی کند که مراکز نظامی کشور، خارج از شهر باشد یا در دل شهر. آن رژیم کودک کش به دنبال انتقام از مردم شجاع و نوع دوست ایران است که در بیش از ۶۰ ساله گذشته همواره از مردم فلسطین دفاع کرده و خواهان نابودی آن رژیم غاصب و ضد انسانی بوده اند.

۴

زندگی در بالاشهر

مسئولان سپاه و دانشمندان هسته‌ای بالا شهر زندگی می‌کنند و بعد میگویند ما مردمی هستیم (رد گم کنی)؟

یک: حضور فرماندهان نظامی و برخی دانشمندان هسته‌ای در مناطقی خاص از شهر تهران به علت رعایت برخی از ملاحظات امنیتی، حفاظتی و سازمانی است. بالاخره برخی از افراد مؤثر و مهم در ساختار سیاسی، نظامی و علمی هر کشوری باید در شرایط ویژه‌ای محافظت شوند، چراکه از بین رفتن این افراد معمولاً جایگزین ناپذیر است و برای یک ملت خسارت بزرگی محسوب می‌شود.

دو: صرف سکونت در مناطق خاصی از شهر به معنای مردمی بودن / یا نبودن نیست. مردمی بودن یک شخصیت سیاسی یا نظامی، نوعی سبک زندگی است که الزاماً به محل سکونت افراد ارتباطی ندارد. بنابراین هرچند به علل برخی از ملاحظات امنیتی و حفاظتی، محدودیت‌هایی در ارتباطات عمومی فرماندهان نظامی و دانشمندان هسته‌ای کشورمان با عموم مردم

وجود داشت، اما فرماندهان نظامی شهید همواره روحیه مردمی خود را حفظ کرده و خود را سرباز نظام، رهبری و ملت می‌دانستند و در جلسات و مراسمات مختلف، راهپیمایی‌ها و هرفرصتی با عموم مردم ارتباط می‌گرفتند. محبوبیت سرداران شهیدمان در میان عموم مردم و حس احترام و افتخار توصیف ناشدنی مردم نسبت به آنان، نشانه روشنی از مردمی بودن آن دلاورمردان شهید است.

منافقان داخلی

اکنون به وضوح روشن است که اسرائیل جنایتکار با همراهی و همکاری منافقان داخلی در حال ضربه زدن به ایران است، در مقابل این منافقین داخلی باید چکاری انجام دهیم؟

۱. شناسایی افراد خائن و خرابکار و معرفی آنان به دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی؛
۲. حساسیت و دقت نسبت به رفتارها و فعالیت‌های مشکوک در محیط اطراف خودمان و گزارش دهی آن به نهادهای مربوطه؛ (در این راستا لازم است هرگونه فعالیت یا تحرک مشکوک را به شماره ۱۱۴ گزارش دهیم)
۳. بی‌اعتنایی و بی‌توجهی به شایعاتی که پیوسته در فضای مجازی، رسانه‌ها و شبکه‌های معاند و مزدوران داخلی منتشر می‌شود.
۴. پیگیری اخبار از منابع معتبر داخلی مانند صدا و سیما و خبرگزاری‌های رسمی و شناخته شده داخلی؛
۵. پرهیز از انتشار اخبار غیر موثق؛
۶. پرهیز از انتشار فیلم و عکس از مراکز نظامی و مراکز هدف قرارگرفته

شده توسط دشمن؛

۷. حفظ وحدت و انسجام ؛

۸. حفظ آرامش و خونسردی در برابر رویدادهای نگران کننده و
تنیدگی‌زا.

۹. اعتماد به فرماندهان نظامی؛

۱۰. پرهیز از رفتارهای هیجانی مانند هجوم به مغازه‌ها، پمپ‌های بنزین و
ذخیر مواد غذایی و مانند آن بیش از نیاز معمول.

نقش کشورهای دوست

اکنون که کشور ما درگیر تجاوز اسرائیل و آمریکا است، کشورهای دوست ما چه موضعی خواهند داشت ؟

✓ همه کشورهای دوست ما اقدام رژیم صهیونیستی در حمله به کشورمان را محکوم کردند و پاسخ دفاعی کشورمان را بر اساس قوانین بین المللی مشروع دانستند.

✓ در برخی از کشورها، مانند یمن و پاکستان مردم برای اعلام همبستگی با ایران و محکومیت رژیم صهیونیستی راهپیمایی کردند.

✓ کشور عراق درباره نقض حریم هوایی خود توسط اسرائیل به سازمان ملل شکایت کرد.

✓ کتائب حزب الله عراق با صدور بیانیه ای اعلام کرد که در صورت ورود ایالات متحده به جنگ، نیروهای مقاومت به طور مستقیم منافع و پایگاه های آمریکایی در منطقه را هدف قرار خواهند داد.

✓ برخی از کشورهای دوست، مانند روسیه و چین در تلاشند تا از طریق

گفت و گو با مقامات آمریکایی به تجاوز اسرائیل پایان دهند.

۷ بدیهی است که اگر انتظار داشته باشیم کشورهای دوست بصورت عملی وارد میدان شوند و در کنار ما با اسرائیل بجنگند، انتظاری منطقی نیست و به گسترده شدن دامنه و ابعاد جنگ می انجامد.

۷ تلاش منطقی و مورد انتظار از کشورهای دوست، وادار کردن رژیم صهیونیستی به توقف تجاوزات و پایان دادن به جنگ است.

۷

انگیزه حمله به ایران

اسرائیل چطور جرأت کرد به کشور ما حمله کند؟ چه چیزی باعث این انگیزه شد؟

حمله اسرائیل به کشور عزیزمان ایران، آن هم در این مقطع زمانی، نه از روی جرأت و قدرت، بلکه از سر درماندگی و ناچاری است؛ زیرا رژیم صهیونیستی در غزه به اهداف خود دست نیافت و در برابر حملات شجاعانه مبارزان یمنی و جلوگیری آنان از عبور کشتی‌هایی که به مقصد اسرائیل در حرکت بودند، درمانده شد. علاوه بر این اختلافات و اعتراضات داخلی و فشار افکار عمومی جهان، رژیم غاصب را زیر فشار قرار داده است.

اسرائیل تصور می‌کند همه مشکلات از ناحیه جمهوری اسلامی است و اگر به خیال خام خود بتواند به ایران ضربه اساسی وارد کند، خیالش از بابت مشکلات و تهدیدات امنیتی که موجودیت آن را در خطر نابودی قرار داده راحت خواهد شد.

همه این مسائل موجب شد تا رژیم غاصب با بهانه تهدیدآمیز بودن برنامه

هسته‌ای ایران به ایران حمله کند. ناتانیاهو امید دارد که آمریکا و اروپا هم این جنگ وارد شوند و نظام جمهوری اسلامی را ساقط کنند. غافل از آنکه رژیم با اشتباه محاسباتی و حماقت بزرگ خود، قمار نافرجامی را آغاز کرد. ایران، غزه و لبنان و سوریه نیست. ایران کشوری مقتدر، پیشرفته و برخوردار از ملتی شجاع و سلحشور است که رژیم غاصب را به نابودی نزدیک خواهد کرد. مقام معظم رهبری در پیام‌شان، خطاب به ملت ایران تصریح فرمودند: «رژیم خبیث و رذل صهیونی دچار خطا و غلطی بزرگ شد که عواقب آن او را بیچاره خواهد کرد. ملت بزرگ ایران مطمئن باشند که نیروهای مسلح، به پشتیبانی آنها، با قدرت عمل خواهد کرد و ضربه‌های سنگینی به این رژیم خواهد زد و این رژیم از این خباثت بزرگ، سالم خلاصی نخواهد یافت ... ملت و مسئولان ایران پشتیبان نیروهای مسلح هستند و جمهوری اسلامی به اذن الهی بر رژیم صهیونیستی فائق خواهد آمد.»^۱

۱. پیام تلویزیونی خطاب به ملت ایران؛ ۲۳ خرداد ۱۴۰۴.

وعده صادق ۲

وقتی که ایران توان آن را داشت، چرا در وعده صادق ۲ اسرائیل را با خاک یکسان نکرد؟

جمهوری اسلامی ایران در عملیات وعده صادق ۲ مطابق قوانین بین المللی و متناسب با شرارت رژیم صهیونی پاسخ داد. اگر کشور ما در عملیات وعده صادق ۲ بصورت گسترده عمل می کرد، افکار عمومی جهان که در آن مقطع، ایران را برای پاسخ تلافی جویانه به اسرائیل محق دانست، به دلیل نادیده گرفتن سطح تقابل و افزایش دامنه تنش و درگیری، ایران را مقصر تلقی می کرد و چهره اخلاقی و قانونی ایران در عرصه بین المللی خدشه دار می شد. علاوه بر این بهانه ای برای آمریکائی ها فراهم می شد که به ایران حمله کنند یا ایران را زیر فشارهای بیش تری قرار دهند. در مقابله کشورمان فراهم می شد. عملیات وعده صادق ۲ در پاسخ به تعرض محدود اسرائیل به خاک ایران و به شهادت رساندن اسماعیل هنیه، مهمان رسمی جمهوری اسلامی بود، اما تجاوز کنونی اسرائیل، گسترده و در واقع نوعی جنگ به شمار می رود و از این رو پاسخ ایران هم متناسب با تجاوز دشمن، گسترده خواهد بود.

رفتارهای تنش‌زا

این جنگ به خاطر رفتارهای تنش‌زای جمهوری اسلامی اتفاق افتاد. اگر جمهوری اسلامی از در سازش و صلح وارد شده بود، اسرائیل به ما حمله نمی‌کرد.

این سخن یکی از مهم‌ترین سرخط‌های جنگ شناختی و تبلیغاتی آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی است. آنها می‌خواهند خود را بر حق و ایران را عامل تنش و ناامنی معرفی کنند تا اولاً هرگونه اقدام غیرقانونی و غیراخلاقی خود را توجیه کنند. ثانیاً مردم ایران را علیه حاکمیت بشورانند. ثالثاً هرگونه فعالیت دفاعی جمهوری اسلامی را غیرقانونی و نامعتبر کنند. در حالی که اولین پرسش در نقد این مغالطه شیوع این است که مگر جمهوری اسلامی تاکنون چه کرده است؟ آیا جمهوری اسلامی به کشور دیگری حمله کرده است؟ آیا قوانین بین‌المللی را نقض کرده است؟ آیا در طول بیش از یکسال و نیم گذشته، که بیش از شصت هزار انسان بیگناه، از زن و کودک و پیر و جوان به دست صهیونیست‌های پلید کشته شده‌اند، جز محکوم کردن این جنایت‌ها اقدام دیگری داشته‌ایم؟ آیا کشوری را تهدید کرده‌ایم؟ آیا ...

تنها گناه نابخشودنی جمهوری اسلامی از نظر غرب وحشی، ایستادگی در مقابل حرف زور است. جمهوری اسلامی می‌خواهد مستقل باشد. نمی‌خواهد نوکر و برده آمریکا باشد. جمهوری اسلامی می‌خواهد طبق همین قوانین ناعادلانه بین‌المللی از حق داشتن انرژی صلح آمیز هسته‌ای برخوردار باشد. جمهوری اسلامی نمی‌خواهد ظلم تاریخی اسرائیل به مردم مظلوم فلسطین را تأیید کند. ملت ایران در راستای وظیفه انسانی و اسلامی خود از مردم مظلوم فلسطین و لبنان در برابر رژیم متجاوز و غاصب صهیونی حمایت می‌کنند. با کدام منطق انسانی می‌توان پذیرفت که در مقابل جنایات رژیم صهیونیستی سکوت کنیم؟!

جمهوری اسلامی می‌خواهد با عزت و اقتدار باشد و با دیگر کشورها رابطه عادلانه متقابل داشته باشد. حرف جمهوری اسلامی این است که همه مردم دنیا باید در صلح و آرامش و عدالت زندگی کنند و هرگونه زورگویی، سلطه طلبی، ظلم، تجاوز و غصب سرزمینی ممنوع و محکوم است. کجای این منطق اشکال دارد؟!

البته آمریکایی‌ها خود را کدخدای جهان می‌دانند و می‌خواهند همه ملت‌های جهان برده و بنده آنان باشند و به همین علت با جمهوری اسلامی دشمنی ذاتی دارند و تا جمهوری اسلامی بر مواضع حق طلبانه خود استوار ایستاده هرگز از دشمنی خود با ملت ایران دست برنخواهند داشت.

بسیار عجیب است که معلولان و مجروحان جنگ شناختی دشمن، به جای محکوم کردن جنایات آمریکا و اسرائیل علیه ملت‌های دیگر و عیله ملت خودشان، همواره جمهوری اسلامی را به خاطر کوتاه نیامدن در برابر استکبار آمریکایی سرزنش می‌کنند. چقدر این حماقت و نادانی، دردناک است!

اهمیت مدافعان امنیت

ما از لحاظ اقتصادی، معیشتی و شغلی امنیتی نداریم. پس امنیت جانی هم نداشته باشیم، مهم نیست. وقتی حکومت امنیت من و در این زمینه‌ها فراهم نکرده، حافظان امنیت جانی هم برای من اهمیتی ندارند!

یک: متأسفانه این گونه افکار منفی و مسموم، ناشی از تأثیرپذیری از جنگ شناختی دشمن است. دشمن سالها است با تبلیغات پرحجم و سنگین خود به دنبال بدبینی، بی‌اعتمادی و ناامیدی مردم ایران از کشور، نظام و آینده است. اینکه در کشور ما مشکلات زیادی وجود دارد، قابل انکار نیست. اما در کنار کاستی‌ها و مشکلات، پیشرفت‌ها و موفقیت‌های بزرگی هم داشته‌ایم و باید با تکیه بر اراده، تلاش و خلاقیت خودمان، کشور را بسازیم و مشکلات را حل کنیم.

رسانه‌های دشمن پیوسته در حال تصویرسازی منفی و ناامید کننده از ایران و جمهوری اسلامی و تصویرسازی مثبت و رویایی از کشورهای غربی و کشورهای برده آمریکا هستند تا مردم ایران را از ایران و ایرانی بودن متنفر

کنند و حس تحقیرشدگی را در اعماق شخصیت آنان پرورش دهند. در حالی که نه ایران، آنگونه که این رسانه‌های پلید به تصویر می‌کشند، عقب‌مانده و ویران است و نه کشورهای غربی، آنگونه آباد و آزاد است.

دو: امنیت جانی، مهم‌ترین زمینه و عامل ایجاد دیگر امنیت‌ها است. اگر امنیت جانی نباشد، هیچ امنیت دیگری وجود نخواهد داشت. حافظان امنیت جانی، که با جان خود از امنیت جانی ما دفع می‌کنند، بهترین دوستان و خیرخواهان ما هستند. دشمنان می‌خواهند ما را نسبت به سربازان میهن بد بین کنند تا ملت پشت سربازان خود را خالی کند. آنگاه آنان با خیال راحت میهن ما را نابود کنند و همه زیرساخت‌های پیش رفت و آبادانی کشور را از بین ببرند. اگر خدای ناکرده دشمن به اهداف خود برسد، ایران تا چند صد سال، از جا بر نمی‌خیزد و نسل‌های آینده ما در بدبختی مطلق بسر خواهند برد.

آسایش اسرائیلی

جمهوری اسلامی ناکارآمد شده و مردم هم ناراضین. بخش از مردم حاضرین کشور رو به اسرائیل بدن. میگن اگه اونا ما را رهبری کنن، در رفاه بیش‌تری خواهیم بود تا آخوندها.

الف) هیچ ایرانی با غیرت و با وجدانی حاضر نیست به خاطر وجود برخی از مشکلات، کشور خود را در اختیار دشمنانش، آن هم رژیم پلیدی چون اسرائیل قرار دهد. ملت ایران چند صد سال است برای رسیدن به استقلال و آزادی و عزت مبارزه کرده و در این راه خون‌های بسیاری ریخته شده است. فرضاً بیگانه بخواهد و بتواند رفاه بیش‌تری برای ما بیاورد، کدام انسان باسرفی حاضر می‌شود برای رفاه بیش‌تر، عزت، استقلال، آزادی و آقایی خود را به اجنبی بفروشد؟! کدام کشوری را سراغ داریم که استقلالش را به بیگانگان فروخته و آباد شده است؟!

ب) اگر آمریکا و اسرائیل می‌توانستند رفاهی برای ما بیاورند، برای مردم کشور خود فراهم می‌کردن هر سال با این همه بی‌خانمان، بیکار و فقیر مواجه نبودند. رژیم اسرائیل اگر می‌توانست رفاه ایجاد کند، خودش با

مشکلات اقتصادی فراوان و اعتراضات عمومی مواجه نبود.

ج) جمهوری اسلامی ایران، یک نظام دینی و مردمی است، نه نظام آخوندی؛ ماهیت نظام جمهوری اسلامی، حکومت دین و ارزش‌های اسلامی است، نه حکومت افراد روحانی. آنچه در جمهوری اسلامی ملاک و معیار اساسی برای حکمرانی است، حاکمیت دین و اصول ارزش‌های اسلامی است، نه حاکمیت یک صنف روحانی. از ابتدای شکل‌گیری جمهوری اسلامی تاکنون، اکثر مسئولان کشور، از رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس شورای اسلامی گرفته تا نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای اسلامی شهر و روستا، منتخب مردم هستند و مردم در انتخاب مدیریت کلان اجرایی کشور بی‌واسطه یا با واسطه نقش اساسی دارند.

د) کارآمدی و ناکارآمدی دارای ابعاد و درجه‌بندی است. در تاریخ حکومت‌های بشری، هیچ حکومتی، کارآمدی کامل، مطلق و همه‌جانبه نداشته است. اکنون نیز حکومت‌ها دارای وجوه و درجاتی از کارآمدی هستند. جمهوری اسلامی در برخی از حوزه‌ها دارای کارآمدی مطلوب و در برخی از حوزه‌ها از درجاتی ناکارآمدی رنج می‌برد. آنچه مهم است شناخت ریشه‌ها و عوامل ناکارآمدی است. بخش قابل توجهی از ناکارآمدی‌ها ناشی از تحریم و فشار خارجی است. وقتی دشمنان ما اجازه نمی‌دهند به سهولت تجارت کنیم و فن‌آوری‌ها و مواد موردنیاز خود را وارد کنیم، طبیعی است که با برخی از کمبودها و محدودیت‌ها مواجه می‌شویم. عامل دیگر عقب‌ماندگی تاریخی کشور است. کشور ما قرن‌ها تحت حکومت حاکمان خودکامه و عیاش و یا تحت سلطه اشغال‌گران مغولی، تیموری، اسکندر مقدونی و دیگر اشغال‌گران بوده است. از اواسط دوره قاجار به این سو،

اگرچه حکومت‌ها، ایرانی است، اما معمولاً دست‌نشانده و نوکر اجنبی بودند و برای پیشرفت کشور تلاش نمی‌کردند. عامل سوم فرهنگ عمومی است. پیشرفت علمی و فنی و مانند آن در هرکشوری متوقف بر تلاش ملی و همکاری جمعی است. در جامعه‌ای که فرهنگ عمومی بر محور کار و تلاش خستگی‌ناپذیر نگردد، پیشرفت و آبادانی هم اتفاق نمی‌افتد. هرچه مردم به کار و تلاش، کسب علم و مهارت، روحیه همکاری، خلاقیت، پرهیز از اسراف منابع و مانند آن اهتمام بیش‌تری بورزند، به صورت طبیعی، از رشد و شکوفایی بیش‌تری برخوردار خواهند بود. عامل مهم دیگری که در رفاه و آبادانی نقش دارد، انتخاب سیاستمداران شایسته است. متأسفانه بخشی از مردم در انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس و دیگر مدیران، به شایستگی‌های علمی و عملی توجه نمی‌کنند. به همین سبب گاهی افرادی از سوی مردم برای پست‌های حساس انتخاب می‌شوند، که از صلاحیت‌های کافی برای انجام وظائف خود برخوردار نیستند. طبیعی است که انتخاب افراد فاقد صلاحیت کافی، موجب توقف پیشرفت و حتی عقب‌افتادگی کشور خواهد شد.

وجود مشکلات، بویژه مشکلات اقتصادی و معیشتی در کشور قابل انکار نیست، اما در کنار آن پیشرفت‌ها و دستاوردهای بزرگی نیز در حوزه‌های مختلف علمی و فنی، در پزشکی، سلول‌های بنیادی، نانو، هوا فضا، هسته‌ای و نظامی داشته‌ایم. نمی‌توان به استناد به مشکلات و کمبودها، دستاوردهای کشور را نادیده گرفت و نظام اسلامی را ناکارآمد جلوه داد. هیچ فکر کرده‌اید که اگر نظام اسلامی ناکارآمد است، چرا این همه هزینه‌های مادی و انسانی از سوی دشمنان برای مقابله و براندازی آن صورت می‌گیرد؟!

کنترل ترس و تشویش

در زمان جنگ و خطر حملات دشمن، برای کنترل تشویش و ترس مردم چه باید کرد؟

✓ در مواقع جنگ طبیعی است که سطح تنش و اضطراب عمومی بالا می‌رود و بسیاری از افراد در معرض آسیب‌های روانی قرار می‌گیرند. علاوه بر دستگاه‌ها و سازمان‌های حکومتی، همه شهروندان نیز باید برای مراقبت از سلامتی جسمی و روانی خود اقداماتی را انجام دهند. در ادامه به برخی از توصیه‌های مفید و ضروری اشاره می‌شود.

✓ برای کسب اطلاعات لازم درباره حوادث، به منابع معتبر داخلی، مانند صدا و سیما، جمهوری اسلامی، مراجع کنیم و از مراجعه به شبکه‌های خارجی یا پرسه زدن در شبکه‌های اجتماعی پرهیزیم.

✓ از دنبال کردن پیوسته اخبار و اطلاعات خودداری کرده و به حداقل اطلاعات، بسنده کنیم.

✓ تلاش کنیم که روال عادی زندگی را حفظ کنیم و تغییرات زیادی در

امور روزانه ایجاد نکنیم.

✓ از شوخ طبعی و گفتگوهای حمایتگرانه با دیگر اعضای خانواده و اطرافیان غفلت نورزیم.

✓ دعا و توجه به ذات باری تعالی و استمداد از پروردگار، بهترین وسیله برای آرامش و امنیت خاطر است؛ بنابراین این تلاش کنیم که در این ایام با خواندن نماز، تلاوت قرآن و دعا به خداوند نزدیک‌تر شده و از او آرامش بگیریم.

✓ از صحبت کردن با افراد بدبین، منفی‌نگر و شایعه‌پراکنان خودداری کنیم.

✓ ورزش روزانه را جدی بگیریم.

✓ از غذاهای سالم و نوشیدنی‌های آرامش‌بخش استفاده کنیم.

جنگ و مبانی اسلامی

برخی از افراد در شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ها می‌گویند سیاست‌های ایران، که برآمده از مبانی اسلامی است، باعث این جنگ شده است و اگر کاری به کار اسرائیل و آمریکا نداشتیم، این اتفاق نمی‌افتاد. پاسخ چیست؟

الف) دین اسلام همه انسان‌ها را به زندگی مسالمت‌آمیز بر پایه ارزش‌های الهی و اخلاقی دعوت نموده است. اسلام منادی تعامل اهل همه ادیان، بر پایه مشترکات دینی و اخلاقی است: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الانعبد الا الله و لا نشرک به شیئاً و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله فان تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون»^۱: بگو ای اهل کتاب بیاوید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ اینکه جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما بعض دیگر را غیر از خدای یگانه به خدایی نپذیرد و هر گاه از این دعوت

۱. سوره آل عمران، آیه ۶۴.

سرباز زنند، بگویند گواه باشید که ما مسلمانی»

اسلام، دین منطق و عقلانیت است و همه را به پیروی از سخنان شایسته و منطقی فرا می‌خواند: «فبشر عباد الذین يستمعون القول فيتبعون احسنه اولئك هداهم الله و اولئك هم اولوا الالباب»^۱ پس بندگان مرا بشارت ده همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن را پیروی می‌کنند، آنان کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده و آنان خردمندانند.»

در عین حال ارزش‌های اخلاقی اسلام به ما می‌آموزد که باید در برابر کسانی که حاضر به پذیرش منطق نیستند و به دنبال ظلم و تعدی به دیگران و تحمیل خواسته‌های ناحق خود هستند، ایستاد و اجازه نداد که حقوق ما را نادیده بگیرند.

منطق اسلام این است که نه ظلم کن و نه زیر بار ظلم برو: «... لا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»^۲ نه ستم کنید و نه ستم ببینید. امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندان خود فرمودند: «کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً»^۳ فرزندانم همواره خصم ظالم و یار و یاور مظلوم باشید. اسلام منادی صلح و دوستی میان انسان‌ها است و الهام بخش تعالیمی است که روابط مسالمت‌آمیز انسانها را تضمین می‌کند.

لیکن اسلام به ما یاد داده که در برابر کسانی که به حریم انسان‌ها تعرض کنند و صلح میان انسان‌ها را به مخاطره اندازند و در برابر تعالیم اسلامی و

۱. سوره زمر، آیه ۱۸.

۲. سوره بقره، آیه ۲۷۹.

۳. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

اخلاق انسانی به مقابله برخیزند، بایستیم و از حقوق خود دفاع کنیم. دفاع در برابر متجاوز، پیش از آنکه حکمی اسلامی باشد، اصلی فطری و عقلانی است.

حال پرسش این است که آیا دستور اسلام بر پایه عقل و فطرت در ایستادگی در برابر ستمگران و متجاوزان به حقوق انسانها، باعث جنگ است، یا تجاوز طلبی و سلطه‌جویی دشمنانی که همواره در حال تعدی و تجاوز به حقوق دیگران انسانها هستند؟!

ب) معنای این سخن که کاری با آمریکا و اسرائیل نداشته باشیم، چیست؟ آیا معنی این سخن آن است که از ظلم‌ها، جنایت‌ها و سلطه‌جویی‌های آنان چشم‌پوشی کنیم؟! آیا کشتن شصت هزار انسان بی‌گناه، از زن و کودک و پیرو جوان را نادیده بگیریم؟! آیا با نادیده گرفتن استقلال و عزت ملی خود به خواسته‌های سیری‌ناپذیر و تحقیرآمیز آنان تن دهیم؟! نه وجدان و شرافت انسانی ما و نه دین ما به ما چنین اجازه‌ای نمی‌دهد. ما پیرو مکتب امام حسینی هستیم که تن دادن به ظلم و ذلت را نمی‌پذیرد.

ج) برخی، خام‌اندیشانه می‌پندارند که اگر ما با آمریکا و اسرائیل کاری نداشته باشیم، آنها هم به کاری به کار ما نخواهند داشت. لیکن این تصور نادرست است. علاوه بر قرآن کریم،^۱ تجربه تاریخی به ما آموخته است که این قدرت‌های پلید شیطانی، تا زمانی که از استقلال، عزت و دین خود چشم‌پوشی نکنیم و مطیع آنان نباشیم، ما را رها نخواهند کرد.

۱. «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَبِيعَ مِلَّتَهُمْ...»: آنها هرگز از تو راضی نخواهند شد

مگر این که بطور کامل تسلیم خواسته‌های آنها و پیرو آیینشان شوی ... (بقره: ۱۲۰)

حضرت امام خمینی رحمه الله علیه عمق کینه و دشمنی آمریکا نسبت به ملت ایران را اینگونه تبیین فرمودند: «نکته مهمی که همه باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهانخواران تا کی و کجا ما را تحمل می کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند؟ به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت و ارزش های معنوی و الهی مان نمی شناسند. به گفته قرآن کریم هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی دارند مگر این که شما را از دین تان برگردانند ... آری اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام را با دست های خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهانخواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی فرهنگ به رسمیت بشناسند، ولی در همان حدی که آنها آقا باشند ما نوکر، آنها ابر قدرت باشند، ما ضعیف، آنها ولی و قیم باشند، ما جیره خوار و حافظ منافع آنها؛ نه یک ایران با هویت اسلامی.»^۱

د) در جریان پرونده هسته ای دیدیم که با وجود آنکه خودشان دارای سلاح هسته ای هستند و با وجود همه تضمین ها و همکاری ها با آژانس انرژی هسته ای، اجازه غنی سازی زیر ۳,۵ درصد برای مصارف کاملاً صلح آمیز هم به ما نمی دهند. حال با کدام منطق باید از حق طبیعی و قانونی خود چشم ببوشیم؟!

آمریکائی ها حتی روزگاری که حکومت وابسته به آنان در ایران بر سرکار

بود، با تحمیل قانون استعماری کاپیتولاسیون، زیاده‌خواهی و خوی سلطه‌جویانه خود را آشکار نمودند و نشان دادند که برای عزت و استقلال مردم ایران ارزشی قائل نیستند. کویلر یانگ، استاد دانشگاه پرینستون آمریکا، معتقد است که: «کاپیتولاسیون، اشتباه فجیعی برای منافع آمریکا در ایران بود و این قانون سنگین، بعنوان نشانه فاحش امپریالیسم، تفسیر می‌شد، با این همه ما برای اجرای آن پافشاری کردیم»^۱

گناه جمهوری اسلامی از نظر آمریکا، قرار گرفتن در منطقه پراهمیت و راهبردی خاورمیانه (که عمده‌ترین مرکز انرژی جهان محسوب می‌شود) و برخورداری از منابع سرشاری است که همواره عامل اصلی دست‌اندازی به حقوق و ثروت ملت ایران بوده است. تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکایی‌ها حاکمان بدون رقیب منطقه خاورمیانه بودند و ایران، بعنوان مهم‌ترین و قوی‌ترین متحد استراتژیک آمریکا و در واقع، حافظ منافع آمریکا، در خاورمیانه و خلیج فارس محسوب می‌شد. پیروزی انقلاب اسلامی، منافع نامشروع غرب، بویژه آمریکا را در منطقه استراتژیک خاورمیانه با خطر جدی روبه رو کرد و دست پلید آنان را برای همیشه از این منابع کوتاه نمود و همین واقعیت مهم یکی از عوامل دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی و ملت ایران شد. برژینسکی، نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی، می‌گوید: «تجدید حیات اسلام بنیادگرا در سراسر منطقه با سقوط شاه و تشنجات ناشی از ایران (امام) خمینی (ره) یک مخاطره مستمر برای

۱. بیل، جیمز، عقاب و شیر، تراژدی روابط ایران و آمریکا، ترجمه مهوش غلامی، تهران: کوبه،

منافع ما در منطقه‌ای، که حیات جهان غرب کاملاً به آن وابسته است، ایجاد کرد. بنیادگرایی اسلامی پدیده‌ای است که امروزه آشکارا نظم و ثبات موجود را تهدید می‌کند.^۱

مقام معظم رهبری درباره علت اصلی دشمنی آمریکا با ملت ایران فرمودند: «بعضی خیال می‌کنند دشمنی‌هایی که با ما می‌شود به‌خاطر این است که ما ستیزه‌گری کرده‌ایم؛ ما دائماً انگشت در چشم این‌ها کرده‌ایم، [لذا] اینها از این جهت با ما دشمنی می‌کنند. نه، این هم خیال غلطی است. تصوّر غلطی است. ما شروع کننده نبوده‌ایم ... آنها شروع کردند. آنها از همان اوّل شروع کردند؛ با بدگویی، با تحریم، با طلبکاری، با پناه دادن به دشمن ملت ایران. شروع کننده آنها بودند ... بحث این نیست که ما با آنها دشمنی و ستیزه‌گری کردیم. مثلاً فرض بفرمایید کانادا روابطش را با ما قطع کرد. ما با کانادا دشمنی کرده بودیم؟! ستیزه‌گری کرده بودیم؟! قضیه این نیست. قضیه چیز دیگری است. ما خودمان را نباید فریب بدهیم و بگوییم «آقا، ما دشمنی نکنیم تا آنها دشمنی نکنند». نه، انگیزه‌های دیگری وجود دارد؛ مسائل دیگری پشت پرده است.»^۲

۱. داودی، محسن، ستیز غرب با آنچه بنیادگرایی اسلامی می‌نامد، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و

بین المللی، ۱۳۶۸، ص ۸۰

۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام؛ ۱۳۹۵/۳/۲۵

مردم و نظام

به علت وجود گرانی و مشکلات معیشتی، این بار ممکن است مردم پشت نظام نایستند. تحلیل شما چیست؟

برخلاف تصویری که رسانه‌های دشمن ایجاد کرده‌اند، مردم شجاع و وفادار ایران همواره ما نشان داده‌اند که هر قدر هم از مشکلات ناراحت باشند و گلایه داشته باشند، اما هرگز پشت نظامی را که حافظ ایران است، خالی نخواهند کرد. ما در برهه‌های مختلف و با وجود تلاش‌های خبیثانه دشمنان و بدخواهان و جنگ رسانه‌ای و عملیات روانی دشمن، شاهد پشتیبانی مردم از نظام بوده‌ایم. گرانی و مشکلات اقتصادی و معیشتی، یک مسأله داخلی است و ملت ایران این را به خوبی درک می‌کند که نباید مسائل داخلی را با تجاوز دشمن خارجی به کشور مخلوط کند. تجربه تاریخی نشان داده که مردم ایران همواره در برابر تجاوز خارجی، متحد بوده و یک صدا و یکدست در برابر متجاوز ایستاده‌اند. مردم ایران به خوبی می‌دانند که حمایت از جمهوری اسلامی در برابر تجاوز اسرائیل پلید، در حقیقت،

حمایت از استقلال، تمامیت سرزمینی، منافع و امنیت ایران است، نه صرفاً حمایت از یک نظام سیاسی.

اینکه مردم ایران دست از حمایت جمهوری اسلامی بردارند، رؤیای بی‌تعبیری است که عده‌ای خوش خیال و مزدور در ذهن برخی از مردم ما وارد کرده‌اند. غافل از آنکه مردم ایران پیرو مکتب امامی هستند که تمام هستی خود را در راه دین خدا فدا کرد و به ذلت تن نداد. ملت ما عاشورایی است و ملت امام حسین است و اهل کوفه نیست و رهبر خود را در برابر دشمنان تنها نخواهند گذاشت.

ملت غیور ایران نسبت به سرزمین خود غیرت و تعصب دارند و هرگز جدال داخلی خود را به دست دشمن اجنبی نمی‌دهد. ملت ایران در طول تاریخ خود از دشمن اجنبی زخم‌های فراوان خورده است و به یقین می‌داند که هیچ دشمن متجاوزی برای ملت مورد تجاوز، صلح، آبادانی، عزت، رفاه و آزادی نیاورده است. ملت ایران به خوبی می‌داند که حتی بی‌تفاوتی در برابر تجاوز دشمن، جز ذلت، بدبختی، ویرانی، بردگی و نابودی عزت، شرف و ناموس کشور نتیجه‌ای به دنبال ندارد.

برنامه‌ای از پیش طراحی شده

آیا تجاوز اسرائیل به ایران، واکنشی به اقدامات اخیر ایران در منطقه بود یا برنامه‌ای از پیش طراحی شده است؟

الف) آمریکا و رژیم صهیونیستی، برخلاف همه موازین حقوقی و اخلاقی بین‌المللی، سال‌ها است که جمهوری اسلامی ایران را به حمله نظامی تهدید می‌کنند. آنچه تاکنون مانع تجاوز به کشورمان بوده، اقتدار، شجاعت، توانمندی‌های نظامی و دفاعی و منطق صحیح ملت ایران در قبال مسائل جهانی است. رژیم صهیونیستی که پس از عملیات طوفان الاقصی و حمله به مردم بی‌دفاع و بیگناه غزه و جنایات بی‌نظیری که مرتکب شد، به هیچکدام از اهداف خود، یعنی نابودی حماس، اشغال غزه و کوچاندن مردم غزه به مصر و اردن دست پیدا نکرد، از این همه شکست و خسارت، سرخورده و عصبانی است؛ از این رو برای جبران ناکامی‌های مکرر خود در مواجهه با حماس، حزب الله لبنان و یمن شجاع و اقتدار در تله جنگ فرسایشی و برای جبران شکست‌های پیوسته، به خیال خام خود، تلاش می‌کند تا پای ایران را به جنگ باز کند و با کشاندن آمریکایی‌ها به جنگ با

ایران و به دست آوردن یک پیروزی بزرگ، بر همه شکست‌ها و ناکامی‌های گذشته خود سرپوش بگذارد.

ب) آمریکا و اسرائیل، به غلط تصور می‌کنند که اگر ایران را مهار کنند، جریان مقاومت در منطقه از بین خواهد رفت؛ در حالی که ایران، اگرچه ریشه مقاومت در منطقه است، اما جبهه مقاومت اسلامی امروز به درخت تنومندی می‌ماند که نه تنه و نه ریشه و نه شاخ و برگ آن از بین رفتنی نیست. اکثر دولت‌های منطقه در برابر نظام سلطه جهانی، دچار ترس، انفعال و وادادگی هستند، اما ملت‌های مسلمان، خواهان عزت، استقلال، آزادی، ایستادگی و مقابله با تحقیر تاریخی خود در برابر غرب وحشی‌اند.

ج) متأسفانه فروپاشی دولت بشار اسد، انفعال و وادادگی کشورهای اسلامی، فرستاده شدن علامت‌های انفعال، ترس و تجاوزپذیری از داخل کشور، توسط برخی از سیاستمداران، به رژیم سفاک جرأت داد تا به ایران بزرگ حمله کند. رژیم صهیونیستی اکنون به قمارباز مفلوکی می‌ماند که در همه راندهای پیشین، قمار را باخته و اکنون به قماربازی بزرگ دست زده تا مگر بتواند باخت‌های قبلی خود را یکباره جبران کند.

د) جمهوری اسلامی ایران از ابتدای شروع عملیات طوفان الاقصی، با هوشیاری و درایت رهبر معظم انقلاب، ضمن تداوم بخشیدن به حمایت‌های بی‌دریغ معنوی و سیاسی خود از محور مقاومت، از وارد شدن مستقیم به تنش با رژیم صهیونیستی خودداری نمود و با صبر راهبردی بی‌نظیر، موجب شد تا رژیم درمانده اسرائیلی از روی ناچاری به اقداماتی شنیع مانند حمله به کنسولگری کشورمان در سوریه و ترور اسماعیل هنیه در تهران دست زند و ذات پلید و ماهیت ضد انسانی خود را بیش از پیش به همه دولت‌ها و

ملت‌های جهان نشان دهد. اقدامات غیرقانونی و ضد اخلاقی رژیم، به جمهوری اسلامی حق داد تا از تمامیت ارضی و حقوق شهروندان خود دفاع کند. حملات وعده صادق ۱ و ۲ ضربات کوبنده‌ای را بر پیکره رو به زوال رژیم فاشیستی اسرائیل وارد ساخت و هیمنه پوشالی آن رژیم کودک کش را در هم شکست.

اکنون رژیم سفاک صهیونیستی با خیال آنکه جمهوری اسلامی در موقعیت ضعف قرار گرفته، به اقدامی جنون‌آمیز دست زد و غافلگیرانه و در خلال مذاکرات ایران و آمریکا، به کشورمان حمله کرد و با عملیاتی کاملاً تروریستی، شماری از فرماندهان نظامی و دانشمندان هسته‌ای ما را به شهادت رساند و به مراکز هسته‌ای، بیمارستان‌ها، مناطق مسکونی و مردم غیرنظامی حمله کرد. لیکن رژیم جنایتکار اسرائیل این بار از گزند ضربات مهلک رزمندگان دلاور ایرانی، جان سالم به در نخواهد برد و تاوان بسیار سختی را برای گستاخی و جسارت احمقانه‌اش پرداخت خواهد کرد. امروز هیچکس در جهان نمی‌تواند جمهوری اسلامی را به خاطر حمله به اسرائیل سرزنش کند؛ زیرا آغازگر این جنگ، رژیم متجاوز اسرائیل است و جمهوری اسلامی بر اساس همه موازین حقوقی بین‌المللی، حق دارد از خود دفاع کرده و تجاوز اسرائیل را در حدودی که تشخیص می‌دهد، تلافی کند.

مقام معظم رهبری با اشاره به سخنان تهدیدآمیز مقامات آمریکایی و اسرائیلی که ناشی از توهم و خیالبافی مبنی بر ضعف شدن ایران است، تأکید کردند: «آینده نشان خواهد داد که چه کسی ضعیف شده است؛ همچنانکه صدام نیز به خیال ضعیف شدن ایران، تهاجم را آغاز کرد و ریگان هم با همین خیال به او کمک‌های آنچنانی کرد، اما سرانجام آن دو و ده‌ها

متوهم دیگر، همه به درک واصل شدند و جمهوری اسلامی روز به روز
رشد پیدا کرد و این تجربه به فضل الهی قابل تکرار است.»^۱

۱. بیانات در دیدار صدها نفر از کارآفرینان، سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی؛ ۳ بهمن ۱۴۰۳.

سکوت و حمایت کشورها

با آنکه حقانیت و مظلومیت جمهوری اسلامی در جنگ کنونی کاملاً روشن و واضح است، پس چرا برخی از کشورهای منطقه و جهان در برابر جنایات اسرائیل سکوت کرده‌اند یا از رژیم صهیونیستی حمایت می‌کنند؟

الف) متأسفانه این نخستین بار نیست که رژیم سفاک صهیونیستی جنایاتی را علیه ملتی انجام می‌دهد و بسیاری از دولت‌ها در برابر آن سکوت کرده و یا آن را تأیید می‌کنند. در حملات کنونی رژیم فاشیستی اسرائیل به ملت ایران نیز برخی از کشورها سکوت کرده، برخی به حمایت از رژیم پرداخته و برخی آن را محکوم کرده‌اند.

ب) دولت‌های حامی آمریکا و رژیم صهیونیستی، مانند برخی از دولت‌های اروپایی، بویژه آلمان و فرانسه از حملات رژیم صهیونیستی حمایت کردند. البته حمایت این دولت‌ها چیزی جدید نیست و جای تعجبی ندارد. آن‌ها خودشان دولت یهودی اسرائیل را بوجود آورده‌اند و تاکنون هم از آن حمایت همه جانبه کرده‌اند. رژیم سفاک صهیونیستی، در واقع، پادگانی نظامی و حافظ منافع نامشروع غرب در منطقه غرب آسیا است و حمایت

آنان از اسرائیل، در واقع، حمایت از جنایات خودشان علیه ملت‌های منطقه است. ضمن آنکه دولت‌های اروپایی به وضوح نشان داده‌اند که هرگز نمی‌توانند از آمریکا مستقل باشند و همواره نوکر و پادوی آمریکایی‌ها بوده‌اند. مگر همین دولت‌های اروپایی نبودند که در یکسال و نیم گذشته، از جنایات شنیع و بی‌نظیر رژیم صهیونی در کشتن شصت هزار انسان بی‌دفاع از زن و کودک و پیر و جوان و نابودی منازل مسکونی، بیمارستان‌ها، مدارس و حتی چادرهای آوارگان فلسطینی، نه تنها حمایت کردند، بلکه با فرستادن سلاح و تجهیزات، با آن رژیم جنایتکار همکاری کرده و در داخل کشورهای خود نیز اعتراضات مردمی علیه جنایات رژیم را سرکوب کرده‌اند!

ج) بسیاری از کشورهای جهان در برابر تجاوزهای رژیم صهیونیستی سکوت اختیار کرده‌اند و سکوت آنان بیش از هرچیز به علت ترس از تنبیه آمریکا و وابستگی سیاسی و اقتصادی آنان به دولت مستکبر آمریکا است. یکی از طرح‌های شیطانی آمریکایی‌ها این بود که برای موجّه جلوه دادن اقدامات ضد انسانی و ضد اخلاقی خود، بسیاری از کشورهای بزرگ را تجزیه و به کشورهای کوچک و ضعیف تبدیل کردند. این کشورها به علت وابستگی شدید اقتصادی و سیاسی به آمریکا، همواره در سازمان‌های بین‌المللی ساخته شده توسط نظام سلطه، مدافع پروژه‌های آمریکایی - اسرائیلی هستند و آمریکا و اسرائیل با استناد به حمایت حقوقی آن کشورها، تحت عنوان جامعه جهانی، طرح‌های توسعه طلبانه و جهان‌خوارانه خود را پیش می‌برند.

د) برخی از کشورهای مستقل و نیمه مستقل، اقدام تجاوزکارانه اسرائیل را محکوم کردند. دولت‌های روسیه، چین و برخی از کشورهای عربی و

اسلامی منطقه در این گروه قرار دارند. تاکنون وزرای خارجه ۲۰ کشور عربی و اسلامی، یعنی اردن، امارات، پاکستان، بحرین، بروئی، ترکیه، چاد، الجزایر، اتحادیه کومور، جیبوتی، عربستان سعودی، سودان، سومالی، عراق، عمان، قطر، کویت، لیبی، مصر و موریتانی، حملات رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران و تمام اقداماتی که نقض قوانین بین‌المللی و اصول منشور سازمان ملل متحد است، را محکوم کردند.^۱ این کشورها بخوبی می‌دانند که امروز ایران بزرگ خط مقدم جبهه مقابله با نظام سلطه جهانی و جهانخواران جهان است و اگر خدای ناکرده ایران آسیب ببیند، آن‌ها در نوبت بعدی تهاجم خواهند بود.

ه) پرواضح است که امروز انسان‌های آزاده جهان، حتی در آمریکا و اروپا، طرفدار جمهوری اسلامی و دشمن رژیم صهیونیستی هستند و بارها در محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی، راهپیمایی‌های بزرگی برپا کرده‌اند.

1. <https://www.irna.ir/news/85864974/>

نقش کشورهای دیگر، بویژه همسایگان

نقش کشورهای دیگر، بویژه همسایگان ما و قدرت‌های جهانی، در جنگ اسرائیل علیه ایران چیست و برای جلوگیری از ادامه آن چه کاری باید انجام دهند؟

الف) مهم‌ترین نقش کشورهای جهان، بویژه کشورهای منطقه و کشورهای قدرتمندی مانند روسیه و چین، آن است که ضمن محکومیت صریح و شدید رژیم اشغالگر اسرائیل به خاطر تجاوز به کشور ایران و ترور فرماندهان، دانشمندان و غیرنظامیان، برای جلوگیری از ادامه اقدامات تجاوزکارانه رژیم متجاوز، تلاش کنند و از ظرفیت‌های سیاسی، حقوقی و تبلیغاتی خود برای تحت فشار قرار دادن رژیم غاصب و پشتیبانانش استفاده نمایند.

متأسفانه در سایه انفعال، ترس و محافظه کاری کشورهای جهان، دولت مستکبر و زورگوی آمریکا با حمایت بدون قید و شرط خود از رژیم کودک‌کش اسرائیل، سازمان‌های بین‌المللی را بی‌اثر کرده است. امروز ساختارهای بظاهر حقوقی بین‌المللی، مانند سازمان ملل، شورای امنیت،

دادگاه بین‌المللی و دیگر سازمان‌های ساخته و پرداخته نظام سلطه جهانی، جز نقض حاکمیت ملی کشورها، تضييع حقوق ملت‌ها و توجيه اقدامات خلاف قانون و اخلاق ابرقدرت‌های جهانی، نقشی دیگری ندارند!

ب) جمهوری اسلامی، بارها با صراحت و به شکل‌های مختلف، اعلام کرده است که خواهان گسترش جنگ نیست، اما با قاطعیت و شجاعت، اجازه هیچگونه تجاوز به سرزمین خود و نقض حاکمیت ملی را به هیچ کسی نمی‌دهد و با هرمتجاوزی با شدت برخورد خواهد کرد. همچنین جمهوری اسلامی به دیگر کشورها، نسبت به همکاری با رژیم صهیونیستی یا در اختیار گذاشتن خاک یا حریم هوایی خود، برای حمله به ایران، هشدار داده است.

هدف اصلی تجاوز به ایران

هدف اصلی اسرائیل در تجاوز به ایران چیست و عواقب جنگ
تحمیلی اسرائیل به ایران، برای کشور ما و منطقه چه خواهد بود؟ ما
چه امکانات و ظرفیت‌هایی برای مقابله با جنگ وسیع آمریکا و اسرائیل
در اختیار داریم؟

الف) جنگ کنونی بین اسرائیل و ایران، عملیات مشترک ایالات متحده و
اسرائیل علیه جمهوری اسلامی است که اهداف ژئوپلیتیک گسترده‌تری دارد.
این درگیری با حمله غافلگیرکننده اسرائیل به ایران آغاز شد؛ حمله‌ای که
با حمایت گسترده اطلاعاتی، لجستیکی و تسلیحاتی ایالات متحده همراه
بود. هدف واقعی این جنگ، نه برنامه هسته‌ای ایران، بلکه بی‌ثبات‌سازی و
در نهایت سرنوشتی دولت ایران، آواره کردن میلیون‌ها نفر و تغییر نظام
اسلامی است.

اهداف اصلی این جنگ شامل موارد زیر است:

۱. حفظ سلطه ایالات متحده بر غرب آسیا، بویژه کنترل گذرگاه‌های
استراتژیک نفتی، مانند تنگه هرمز و باب‌المندب.

۲. نابودی “محور مقاومت”، ائتلافی از گروه‌های ضداستعماری هم‌پیمان با ایران در فلسطین، لبنان، یمن، عراق و سوریه.

۳. حفاظت از نظام پترو دلار آمریکا، که با فروش نفت برخی کشورها به یوآن چین در خطر است.

۴. تضعیف گروه بریکس و اتحاد چین - روسیه - ایران، که چالشی برای سلطه جهانی آمریکا به حساب می‌آیند.

۵. این جنگ به عنوان بخشی از راهبرد کلی آمریکا برای منزوی‌سازی چین و حفظ نظم تک‌قطبی جهانی است؛ نظامی که ایالات متحده از طریق اسرائیل و سایر ابزارها تلاش دارد آن را حفظ کند.

ب) آنچه از زمان شروع حمله رژیم صهیونیستی به کشورمان تا این لحظه گذشته، با توجه به رهبری حکیمانه، انسجام اجتماعی بی‌نظیر، تحمیل ضربات هدفمند بر دشمن، همراهی افکار عمومی منطقه ای و ... ما را در وضعیت اقتدار آمیزی قرار داده است.

اما برخی تحلیل‌ها با تصویر بدترین سناریو (ورود مستقیم آمریکا به جنگ) به دنبال ایجاد این‌همانی بین این ورود با پایان امکان‌های در دسترس ایران را دارند. پرسش اساسی این است اگر به هر دلیلی آمریکا به چنین تصمیمی برسد، امکان‌های ایران در آن وضعیت چیست؟ یا چه مؤلفه‌هایی وجود دارد که منطقاً باید مانع چنین اقدامی شود؟ و اگر آن سناریو رخ دهد، چه امکان‌هایی برای ایران و چه موانعی برای تحقق منافع آمریکا وجود دارد؟

یک: مانع ملت: در چنین فرضی، آمریکا با وجود یک ملت منسجم در

درون ایران، امکان سامان دادن نظم پساحمله را نخواهد داشت و جامعه ایرانی به مراتب قویتر و منسجم‌تر از عراق و افغانستانی است که مورد حمله مستقیم قرار گرفت و در نهایت آمریکا پس از هزینه‌های هنگفت راه خروج را ترجیح داد.

دو: پایان پروژه‌های منطقه‌ای: در آن وضعیت پایگاه‌ها و منافع آمریکا در منطقه، هدف مشروع حملات ایران خواهد بود و با توجه به اینکه پروژه‌های توسعه محور کشورهای همسایه در خلیج فارس، امنیت پایه است، یک ناامنی برای شکست تمام پروژه‌های دبی، دوحه و ریاض کافی است و در آن وضعیت، نه تنها ایران، بلکه همه منطقه باید بهای سنگینی بدهد و پیامد دود شدن این سرمایه گذاری‌ها بیش‌ترین پیامد منفی را برای آمریکا خواهد داشت. در واقع ایران در آن وضعیت به لحاظ سلبی امکان به نتیجه نرسیدن همه پروژه‌های منطقه را خواهد داشت.

رژیم صهیونیستی، که اکنون خود را در جنگی وجودی و میان مرگ و زندگی می‌بیند، به دنبال گسترش جنگ و کشاندن پای آمریکا و برخی کشورها به آن است. در آن صورت، ممکن است ابعاد جنگ به کل منطقه و فراتر از منطقه گسترش پیدا کند. جمهوری اسلامی به آمریکا هشدار داده که در صورت ورود مستقیم به جنگ با ایران، تمام منافع و پایگاه آمریکا در منطقه و خارج آن، اهدافی مشروع برای نیروهای مسلح ایران خواهد بود. اکنون باید دید آیا سران آمریکا مانند مقامات احمق رژیم صهیونیستی، این به حماقت بزرگ دست خواهند زد.

سه: ناکریدورها: در آن وضعیت، کریدورهای راهبردی جایگزینی که در شمال، جنوب، شرق و غرب سعی در دور زدن ژئوپلیتیک ایران را داشته‌اند،

پایان عملکردی شان رقم خواهد خورد و آمریکا می‌داند اختلال در انتقال انرژی و کالا چه پیامد سنگینی برای بازارهای جهانی خواهد داشت.

چهار: امکان بسیج کنندگی یک فتوا: فرض کنیم یک فتوای جهاد در آن وضعیت که حضور هر فرد سیاسی - امنیتی آمریکایی در کشورهای منطقه را مشمول حرمت فقهی و وظیفه اخراج آنها را وجوب شرعی اعلام نماید، با منافع آمریکا چه خواهد کرد؟! خصوصاً که هنوز تجربه فتوای جهاد آیت الله سیستانی علیه داعش در یاد آمریکایی‌ها زنده است.

پنج: هسته‌های مقاومت پارتیزانی: بسیاری از جنبش‌هایی که دل در ایده انقلاب اسلامی و مقاومت دارند، در آن وضعیت، نهایت کنش استشهادهایشان را علیه منافع آمریکا متمرکز خواهند کرد و فعال شدن این ظرفیت، محدود به لبنان و عراق و فلسطین نخواهد بود و منامه و باکو و سعودی و ... را در بر خواهد گرفت و چه بسا جنگ هواپایه کنونی روی زمین آمده و زمین مزیت نسبی بیشتر گروه‌های مقاومت است.

شش: خودترمیمی سیستمی: جایگزینی فرماندهان جدید پس از شهادت، در لحظه ابتدایی حمله رژیم صهیونیستی، نشانگر یک قدرت درون سیستم جمهوری اسلامی است که در بحران‌ها، اختلال در بخشی از سیستم، امکان ترمیم درونی دارد؛ لذا این خودترمیمی در هر شرایط امکانپذیر است و از بین بردن یک بخش ساختاری و کارگزاری، با وجود تحمیل آسیب، اما اختلال عملکردی بلند مدتی را به دنبال ندارد؛ حال آنکه بسیاری از سیستم‌ها این ظرفیت را ندارند.

هفت: «نصرت الهی»: آن اندازه که این روزها توئیت‌های ترامپ تحلیل می‌شود، به وعده‌های نصرت خداوند برای آنانی که مسیر او را دنبال

می‌کنند، در تحلیل‌ها توجه نمی‌شود و انگار خدا در روابط بین الملل غایب است؛ حال آنکه خداوند فرمود: «والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا ...». این ایمان‌پایگی، سرمایه بزرگی در سختی‌ها خواهد بود، که طرف مقابل درکی از آن ندارد.

خطرات امنیتی پیام‌رسان‌ها

در شرایط جنگی کنونی، پیام‌رسان‌ها و نرم‌افزارهای کاربردی خارجی، مانند واتساپ، اینستاگرام، ... ممکن است برای امنیت ملی ما چه خطراتی داشته باشند؟

الف) استفاده از نرم‌افزارها و پیام‌رسان‌های خارجی مانند واتساپ، اینستاگرام، چت جی پی تی، به علت آنکه سرورهای آن در بیرون کشور قرار دارد و احتمالا رژیم صهیونیستی بر آن‌ها اشراف دارد، دسترسی آسان به اطلاعات کاربران ایرانی را برای آن رژیم جنایتکار فراهم می‌کند و به همین سبب، تهدیدی امنیتی محسوب می‌شود.

چنانکه می‌دانیم همه این نرم‌افزارها و پیام‌رسان‌ها برای فعال شدن در گوشی، از کاربران اجازه دسترسی به مخاطبین، عکس‌ها و دیگر اطلاعات را درخواست می‌کنند و این کار احتمالا راه را برای جاسوسی از کاربران باز می‌کند.

به گفته کارشناسان امنیت سایبری، پیام‌رسان‌های خارجی، به علت اشراف اطلاعاتی منابع خارجی، می‌توانند بستری برای ردیابی، نفوذ، اشراف کامل بر داده‌ها و سرقت آن و در نتیجه، تهدیدی علیه امنیت ملی و فردی کاربران باشند. برخی از خطرات جدی پیام‌رسان‌های خارجی در موقعیت

کنونی عبارت است از:

۱. تهدید علیه امنیت ملی و فردی

کارشناسان امنیت سایبری تأکید دارند که برخی دولت‌ها، از جمله رژیم صهیونیستی و متحدانش، با در اختیار داشتن ابزارهای پیشرفته تحلیل داده و اشراف بر بسترهای مجازی، قادرند اطلاعات حساس کاربران را در زمان واقعی رصد و ذخیره‌سازی کنند. این خطر بویژه درباره پیام‌رسان‌هایی مانند واتساپ و اینستاگرام، جدی‌تر است. انتقال تصاویر، ویدیوها و پیام‌ها می‌تواند به سادگی موجب افشای موقعیت جغرافیایی، ارتباطات فردی و حتی فعالیت‌های سازمانی شود. به همین سبب در روزهای اخیر در اطلاعیه‌های رسمی و غیررسمی منتشر شده از سوی نهادهای امنیتی تأکید شده است که: «با توجه به این که دشمنان روی پیام‌رسان‌های خارجی اشراف دارند، از انتقال هرگونه اطلاعات، اعم از تصویر، فیلم یا متن حاوی داده‌های حساس، در این گونه پیام‌رسان‌ها بویژه در واتساپ و اینستاگرام، خودداری کنید.»

این هشدار بویژه برای نیروهای نظامی، امنیتی، مسئولان اجرایی و حتی شهروندان فعال در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، جدی تلقی شده و رعایت آن می‌تواند مانع از افشای ناخواسته اطلاعات مهم شود.

۲. خطر ردیابی و افشای موقعیت مکانی

پیام‌رسان‌هایی مانند واتساپ و اینستاگرام، حتی پس از نصب و بدون استفاده مستقیم، به داده‌های حساسی همچون موقعیت مکانی، فهرست مخاطبان، گالری تصاویر و سایر اطلاعات دسترسی دارند. این داده‌ها

می توانند در صورت اتصال به اینترنت، به سرورهای خارجی منتقل شده و مورد بهره‌برداری اطلاعاتی قرار گیرند.

ب) برخی راهکارها و توصیه‌های امنیتی:

- ۷ عدم ارسال اطلاعات حساس از طریق پیام‌رسان‌های خارجی،
 - ۷ خاموش کردن موقعیت مکانی در تنظیمات گوشی،
 - ۷ استفاده از پیام‌رسان‌های داخلی و پلتفرم‌های رمزگذاری شده،
 - ۷ حذف یا غیرفعال‌سازی اپلیکیشن‌های غیرضروری،
 - ۷ بروزرسانی مداوم سیستم‌عامل و نرم‌افزارهای امنیتی گوشی،
- در پایان تأکید بر این نکته لازم است که در شرایط حساس کنونی، امنیت اطلاعاتی شهروندان بیش از هر زمان دیگری در معرض تهدید قرار دارد. رعایت توصیه‌های امنیتی در استفاده از فضای مجازی می‌تواند در پیشگیری از حملات سایبری و حفظ جان و اطلاعات افراد نقشی حیاتی ایفا کند.^۱

1. <https://fa.shafaqna.com/news/2065038/>

خطرات امنیتی پیام رسان ها

در شرایط جنگی کنونی، پیام رسان ها و نرم افزارهای کاربردی خارجی، مانند واتساپ، اینستاگرام، ... ممکن است برای امنیت ملی ما چه خطراتی داشته باشند؟

الف) استفاده از نرم افزارها و پیام رسان های خارجی مانند واتساپ، اینستاگرام، چت جی پی تی، به علت آنکه سرورهای آن در بیرون کشور قرار دارد و احتمالاً رژیم صهیونیستی بر آن ها اشراف دارد، دسترسی آسان به اطلاعات کاربران ایرانی را برای آن رژیم جنایتکار فراهم می کند و به همین سبب، تهدیدی امنیتی محسوب می شود.

چنانکه می دانیم همه این نرم افزارها و پیام رسان ها برای فعال شدن در گوشی، از کاربران اجازه دسترسی به مخاطبین، عکس ها و دیگر اطلاعات را درخواست می کنند و این کار احتمالاً راه را برای جاسوسی از کاربران باز می کند.

به گفته کارشناسان امنیت سایبری، پیام رسان های خارجی، به علت اشراف اطلاعاتی منابع خارجی، می توانند بستری برای ردیابی، نفوذ، اشراف

کامل بر داده‌ها و سرقت آن و در نتیجه، تهدیدی علیه امنیت ملی و فردی کاربران باشند. برخی از خطرات جدی پیام رسان‌های خارجی در موقعیت کنونی عبارت است از:

۱. تهدید علیه امنیت ملی و فردی

کارشناسان امنیت سایبری تأکید دارند که برخی دولت‌ها، از جمله رژیم صهیونیستی و متحدانش، با در اختیار داشتن ابزارهای پیشرفته تحلیل داده و اشراف بر بسترهای مجازی، قادرند اطلاعات حساس کاربران را در زمان واقعی رصد و ذخیره‌سازی کنند. این خطر بویژه درباره پیام‌رسان‌هایی مانند واتساپ و اینستاگرام، جدی‌تر است. انتقال تصاویر، ویدیوها و پیام‌ها می‌تواند به سادگی موجب افشای موقعیت جغرافیایی، ارتباطات فردی و حتی فعالیت‌های سازمانی شود. به همین سبب در روزهای اخیر در اطلاعیه‌های رسمی و غیررسمی منتشر شده از سوی نهادهای امنیتی تأکید شده است که: «با توجه به این که دشمنان روی پیام‌رسان‌های خارجی اشراف دارند، از انتقال هرگونه اطلاعات، اعم از تصویر، فیلم یا متن حاوی داده‌های حساس، در این گونه پیام‌رسان‌ها بویژه در واتساپ و اینستاگرام، خودداری کنید.»

این هشدار بویژه برای نیروهای نظامی، امنیتی، مسئولان اجرایی و حتی شهروندان فعال در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، جدی تلقی شده و رعایت آن می‌تواند مانع از افشای ناخواسته اطلاعات مهم شود.

۲. خطر ردیابی و افشای موقعیت مکانی

پیام رسان‌هایی مانند واتساپ و اینستاگرام، حتی پس از نصب و بدون استفاده مستقیم، به داده‌های حساسی همچون موقعیت مکانی، فهرست مخاطبان، گالری تصاویر و سایر اطلاعات دسترسی دارند. این داده‌ها

می توانند در صورت اتصال به اینترنت، به سرورهای خارجی منتقل شده و مورد بهره‌برداری اطلاعاتی قرار گیرند.

ب) برخی راهکارها و توصیه‌های امنیتی:

- ✓ عدم ارسال اطلاعات حساس از طریق پیام‌رسان‌های خارجی،
 - ✓ خاموش کردن موقعیت مکانی در تنظیمات گوشی،
 - ✓ استفاده از پیام‌رسان‌های داخلی و پلتفرم‌های رمزگذاری شده،
 - ✓ حذف یا غیرفعال‌سازی اپلیکیشن‌های غیرضروری،
 - ✓ بروزرسانی مداوم سیستم‌عامل و نرم‌افزارهای امنیتی گوشی،
- در پایان تأکید بر این نکته لازم است که در شرایط حساس کنونی، امنیت اطلاعاتی شهروندان بیش از هر زمان دیگری در معرض تهدید قرار دارد. رعایت توصیه‌های امنیتی در استفاده از فضای مجازی می‌تواند در پیشگیری از حملات سایبری و حفظ جان و اطلاعات افراد نقشی حیاتی ایفا کند.^۱

1. <https://fa.shafaqna.com/news/2065038/>

جوانان امروز و جنگ

اگر در دفاع مقدس توانستیم در برابر کل دنیا بایستیم، به خاطر نسل دهه ۴۰ و ۵۰ بود که انقلاب اسلامی را به ثمر رساندند، اما اکنون از حماسه آفرینی نسل دهه ۶۰ و ۷۰ ناامید هستیم. بسیاری از این جوانان به خاطر تهاجم فرهنگی، روحیه شهادت طلبی و حماسه ندارند.

برخلاف تصویری که نسل‌های کنونی را فاقد روحیه شهادت‌طلبی و حماسه می‌داند، نسل‌های کنونی همانند نسل دوران دفاع مقدس، پای کار نظام و کشور ایستاده‌اند. بیش‌تر شهدای عزیز پدافندی را نسل جوان کشور تشکیل می‌دهند. پیشرفت‌های علمی و فنی ما در زمینه هسته‌ای، موشکی و پهپادی، حاصل تلاش همین جوانان نخبه است. مگر چه کسانی غیر از همین جوانان دهه ۶۰ و ۷۰ در مقابله با خطر بزرگ داعش و دفاع از حرم فدارکاری کردند؟!

این روزها نیز شاهدیم که جوانان بسیجی ما که عمدتاً نوجوانان دهه ۸۰ و ۷۰ هستند، همچون سال‌های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی، به میدان آمده‌اند و با گشت زنی در کوچه و خیابان برای شناسایی و دستگیری عناصر داخلی دشمن و برقراری امنیت شهروندان تلاش می‌کنند.

متأسفانه هرچند برخی از نوجوانان و جوانان ما تحت تأثیر فضای مجازی مخرب و فاسد، به آسیب‌های فکری و اخلاقی گرفتار شده‌اند، اما در عین حال میلیون‌ها نوجوان و جوان مؤمن، پاک و فداکار نیز وجود دارند که بار اصلی دفاع از میهن بر روی دوش آنان است. علاوه بر این تجارب تاریخی نشان می‌دهد که قرار گرفتن در موقعیت‌های حساسی مثل جنگ و تجاوز دشمن، تأثیرات عمیق فکری و معنوی به دنبال داشته و ملت ایران را یکپارچه علیه متجاوز بسیج می‌کند.

فیلترینگ در شرایط جنگ

چرا در شرایط کنونی همه شبکه‌های غربی را فیلتر و تحریم نمی‌کنیم؟

فیلتر کردن با تحریم کردن متفاوت است. مردم می‌توانند با راه‌اندازی پویشی ملی، همه شبکه‌های ماهواره‌ای و مجازی را تحریم کنند و اگر چنین اتفاقی روی دهد، بهترین حرکت در مقابله با جنگ شناختی و روانی دشمن صورت گرفته است. اما فیلتر کردن همه شبکه‌ها و رسانه‌های خارجی ممکن نیست. شبکه‌های تلویزیونی معاند از طریق ماهواره پخش می‌شود و امکان فیلتر آن وجود ندارد. البته فیلتر کردن بسیاری از نرم‌افزارها و پیام‌رسان‌های خارجی ممکن است و هم اکنون در حال اجرا است.

درست است که شبکه‌های ماهواره‌ای با دروغ پراکنی و شایعه‌سازی به تشویش افکار عمومی و ایجاد ترس و سست کردن باورها و اراده‌های مردم اقدام می‌کنند، اما خوشبختانه بیش‌تر مردم از آگاهی سیاسی برخوردارند و بخوبی می‌دانند که شبکه‌های فارسی زبان خارجی دلسوز مردم و کشور نیستند؛ شبکه‌ها و رسانه‌هایی که از حمله رژیم صهیونیستی به کشورمان

ابراز خوشحالی می‌کند و یا آشکارا از تجزیه کشورمان سخن می‌گویند و ... نمی‌توانند خیرخواه مردم و کشور ما باشند.

مردم باید بدانند که کشورهایی که ما را تحریم کرده‌اند و در خود آن کشورها استفاده از شبکه‌های تلویزیونی برای مردم‌شان رایگان نیست، چرا باید با هزینه‌های هنگفت برای مردم ما برنامه‌سازی کنند؟! آیا جز این است که آنان به دنبال از بین بردن هویت، فرهنگ، منافع و امنیت ملی ما هستند؟! از رسانه ملی هم انتظار می‌رود تا با ارتقای سطح کیفی خبررسانی و تقویت اعتماد عمومی، مرجعیت رسانه‌ای پیشین خود را در میان مردم بازیافته و به مقابله مؤثر با هجمه سنگین دشمن علیه امنیت و منافع ملی کمک کند. جنگ امروز، جنگ روایت‌ها و اراده‌ها است. هرملتی که در دام جنگ شناختی و روانی دشمنانش گرفتار نشود و با اراده و پایداری در برابر ضربات دشمنان مقاومت کند، پیروز میدان است.

مذاکره در شرایط جنگ

آیا راه حل‌های دیپلماسیک برای حل و فصل اختلافات ما با آمریکا و غرب شکست خورده است؟ آیا ممکن است دوباره مذاکره و دیپلماسی از سر گرفته شود؟

الف) مذاکرات هسته‌ای فریبِ راهبردی آمریکا برای حمله اسرائیل

بود:

تحلیل‌گر آمریکایی، اسکات ریتز، در مصاحبه اختصاصی با اسپوتنیک، اعلام کرد که مذاکرات هسته‌ای میان ایران و آمریکا در ماه‌های اخیر در واقع حالت نمایش و فریبِ راهبردی داشت. او تأکید کرد: این مذاکرات «امکان حمله غافلگیرانه» اسرائیل را فراهم کرد تا ضمن وارد کردن بیش‌ترین خسارت، ضربه‌ای شدید به زیرساخت‌های هسته‌ای و نیروهای نظامی ایران وارد شود. این حملات «یک حمله مشترک آمریکا - اسرائیل» بوده است؛ گرچه واشینگتن ابزار نظامی مستقیم اعزام نکرد، ولی از این عملیات حمایت اطلاعاتی یا دیپلماتیک صورت گرفته است. مذاکرات هسته‌ای عملاً خاتمه یافته و ترامپ نتوانست ایران را برای توقف کامل غنی‌سازی زیر صفر قانع

کند؛ مخالفت اسرائیل و برخی نمایندگان جمهوری خواه در کنگره مانع اجرای این توافق شد. «ما اکنون در وضعیت جنگ با ایران قرار داریم»، هرچند ممکن است هنوز جنگ رسمی اعلام نشده باشد. او هشدار داد که ادامه این روند در نهایت واشینگتن را درگیر مستقیم درگیری‌ها خواهد کرد. این‌ها جملات صریح یک تحلیل‌گر آمریکایی است که اعتراف می‌کند، دیپلماسی در مسائل اختلافی میان ایران و غرب، تله‌ای بیش نیست و از ابتدا هرگز جدی نبوده است. جمهوری اسلامی ایران در حدود دو دهه مذاکره با غرب به هیچ نتیجه مثبتی دست نیافته است. اکنون اگرچه راه دیپلماسی کاملاً بسته نیست، اما تجارب فراوان ما نشان می‌دهد که غرب جز تسلیم ایران از طریق دیپلماسی، به دنبال چیزی دیگری نیست. به نظر می‌رسد اکنون که جمهوری اسلامی ایران با وجود همکاری‌های بسیار زیاد و فراتر از پروتکل‌های بین‌المللی با سازمان‌های جهانی و تحمل تحریم‌ها و فشارهای گوناگون، رژیم جنایتکار اسرائیل، با اشاره آمریکا و حمایت کشورهای غربی، به کشور ما حمله کرده و فرماندهان، دانشمندان و مردم ما را کشته و مجروح ساخته و به زیرساخت‌های فنی، صنعتی و عمومی ما آسیب رسانده است، بهترین زمان برای تجدید نظر در راهبرد دفاعی و حل و فصل مناقشات مان با غرب، از طریق پذیرش واقعیت‌های حاکم بر نظام سیاسی کنونی در جهان است.

ب) صلح از طریق اشاعه: بازاندیشی در راهبرد دفاعی ایران

بیش از دو دهه است که ایران به قاعده خویش‌تنداری هسته‌ای پایبند مانده است. بعنوان یکی از امضاکنندگان معاهده NPT، ایران همواره بر ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای خود تأکید کرده و آن را در معرض

نظارت‌های بی‌سابقه بین‌المللی قرار داده است. اما حاصل این پایبندی چه بوده است؟ نه کاهش تهدید، نه احترام جهانی، و نه امنیت پایدار. در عوض، ایران بارها هدف اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی قرار گرفته است؛ اقداماتی که با حمایت و مشارکت مستقیم آمریکا انجام شده‌اند.

این حقیقت تلخ‌گویای آن است که پایبندی ایران به اصل عدم اشاعه، نتوانسته در برابر تهدید نظامی سپر مؤثری ایجاد کند. چه‌بسا همین خویش‌تنداری، دشمنان را به جسارت بیش‌تر سوق داده است؛ زیرا از نبود یک بازدارندگی قاطع اطمینان یافته‌اند.

راهبرد ایران بر این فرض استوار بوده که ساختارها و نهادهای بین‌المللی، نظم و ثبات ایجاد می‌کنند و قواعد حقوقی می‌توانند رفتار دولت‌ها را مقید سازند. اما تجربه دو دهه گذشته نشان داده که در جهانی که توازن قوا جایگزین توازن حقوق شده، پایبندی به قانون به‌تنهایی امنیت‌آفرین نیست. در فقدان یک اقتدار مرکزی، که ناظم نظم جهانی باشد، امنیت به پروژه‌ای کاملاً درون‌زاد و خوداتکا تبدیل می‌شود؛ جایی که هر دولت ناچار است بر ظرفیت‌های ملی خود برای بازدارندگی تکیه کند. در این چارچوب، نظریه کلاسیک بازدارندگی معنا می‌یابد: تهدید به پاسخ تلافی‌جویانه و ویرانگر، مهاجم را از اقدام باز می‌دارد.

این منطق در مورد سایر قدرت‌ها به خوبی کار کرده است، اما ایران که تاکنون راهبرد خویش‌تنداری را برگزیده، نه تنها از تضمین امنیتی برخوردار نشده، بلکه همواره تحت فشارهای نظامی و تحریم بوده است.

از این منظر، یک بازنگری اساسی در راهبرد دفاعی ایران نه تنها قابل درک، بلکه ضروری است. حرکت از موضع «عدم اشاعه مطلق» به سوی

«ظرفیت هسته‌ای محاسبه شده» یا حتی «بازدارندگی تسلیحاتی محدود»، نه اقدام به تنش آفرینی، بلکه پاسخی عقلانی به ناامنی ساختاری و موازنه مختل شده قدرت در منطقه است. هدف از این تغییر نه تسلیح کور، بلکه ایجاد یک بازدارندگی معتبر و قابل باور است که بتواند معادله تهدید را برهم بزند. چنین تغییری، مستلزم طراحی و اجرای مؤلفه‌هایی مشخص و هدفمند خواهد بود:

۱- توسعه زیرساخت‌های لازم برای توان پاسخ دوم (Second-Strike Capability)، به گونه‌ای که هر حمله‌ای، حتی در بدترین سناریو، با پاسخ ویرانگری همراه باشد.

۲- تعریف یک دکترین شفاف اعلامی، که ماهیت صرفاً دفاعی این بازدارندگی را روشن کند و فضای سوء تفاهم را از میان بردارد.

۳- اتخاذ سیاست «ابهام کنترل شده» که در آن، عدم قطعیت نسبت به ظرفیت و قصد، به عنوان ابزاری برای مهار تهدید عمل کند.

منتقدان، بی تردید از آغاز مسابقه تسلیحاتی و پیامدهای سیاسی آن هشدار خواهند داد. اما واقعیت این است که «اشاعه گزینشی» پیشاپیش در منطقه جریان دارد. خاورمیانه، منطقه‌ای غیرهسته‌ای نیست؛ بلکه منطقه‌ای است که در آن، برخی بازیگران به صورت پنهان یا آشکار از بازدارندگی هسته‌ای برخوردارند و در عین حال از امتیاز عدم پاسخ‌گویی نیز بهره‌مندند.

ایران همواره موضع خود را در قبال سلاح هسته‌ای، مبتنی بر آموزه‌های اخلاقی و فقهی اسلام اعلام کرده و در قالب فتوای مقام معظم رهبری، آن را غیرشرعی دانسته است. با این حال، فقه اسلامی به مثابه نظامی پویا و واقع‌گرا، در برابر تهدیدات وجودی انعطاف دارد. در شرایطی که فقدان

بازدارندگی هسته‌ای می‌تواند جان میلیون‌ها انسان را در معرض تهدید یک رژیم توسعه طلب و بی‌مه‌ار چون اسرائیل، قرار دهد، فقه اسلامی امکان تغییر حکم را، به‌صورت موقت و اضطراری، پیش‌بینی کرده است.

در این منظر، بازاندیشی در راهبرد دفاعی ایران نه تنها با الزامات امنیت ملی هماهنگ است، بلکه با موازین دینی نیز قابل تطبیق است. چنین چرخشی نه یک عقب‌نشینی از اصول اخلاقی، بلکه پاسخی فقهی به ضرورتی تاریخی و وجودی است.

رویکرد عدم اشاعه از جانب ایران، آزمونی بود که امید داشت احترام و امنیت به همراه آورد؛ اما در عمل، هزینه‌های فزاینده و بی‌فایده را به بار آورد. نظام آنارشیک بین‌الملل، خویشتنداری را تنبیه کرد و قانون‌شکنی را پاداش داد. اکنون زمان آن فرا رسیده که در بنیان‌های راهبرد دفاعی ایران بازنگری شود.

صلح، در جهانی آشفته و بی‌رحم، محصول موازنه وحشت است، نه خوش‌خیالی دیپلماتیک. تنها زمانی که ایران بتواند هزینه حمله را برای مهاجم غیرقابل تحمل سازد، طرف مقابل حاضر به گفت‌وگو، کاهش تنش و پذیرش واقعیت‌های ژئوپلیتیکی خواهد شد. در جهانی که قدرت، زبان غالب آن است، صلح هدیه داده نمی‌شود؛ صلح را باید ساخت، و گاه، حفظ آن مستلزم بازدارندگی است.^۱

۱. سید یاسر جبرائیلی.

فرصت سازی مذاکره

چرا با اینکه رهبری بر بی اعتمادی بر مذاکرات تأکید داشتند، دولت فرصت لازم را برای دشمن آماده کرد؟

بی اعتمادی به آمریکا و خوشبین نبوده به مذاکرات و بی نتیجه دانستن آن از سوی رهبری، مستند به تجربه های فراوان تاریخی است؛ نه تجربه های دور تاریخی، بلکه تجربه های نزدیکی مثل خروج آمریکا از معاهده برجام و شانه خالی کردن اروپایی ها از تعهدات خود.

بی اعتمادی رهبری به مذاکرات، به دلیل صادق نبودن آمریکا و تهدید و فشار برای تحمیل خواسته های خود بود. وقتی آمریکا از یکسو خواهان مذاکره و از سوی دیگر تهدید می کند و فشار می آورد، یقیناً به دنبال تحمیل خواسته های خود از طریق مذاکره است. مذاکره در شرایط عادلانه و با رعایت احترام متقابل و تأمین منافع دو طرف، شدنی و عاقلانه است. اما در صورتی که طرف مقابل، هیچ احترامی برای ما قائل نیست و هیچ حقی را برای ما به رسمیت نمی شناسد، مذاکره بی معنا و به تعبیر رهبری، غیرعاقلانه، غیرهوشمندانه و غیرشرافتمندانه است.

مسئولان کشور نیز پس از فرمایشات رهبری، هرگونه مذاکره همراه با تهدید و فشار را قاطعانه رد کردند؛ اما تغییر لحن ترامپ، پس از مواضع قاطع رهبری و عقب‌نشینی از مواضع خود و کنار گذاشتن مسائل غیر هسته‌ای از مذاکرات و پذیرش شرط نظام در انجام مذاکرات غیر مستقیم، موجب شد رهبری با مذاکره غیرمستقیم موافقت کنند تا تبلیغات منفی رسانه‌ای علیه کشورمان خنثی شود و صداقت کشورمان اثبات و نسبت به اتفاقات احتمالی آینده اتمام حجت شود. مقام معظم رهبری درباره مذاکرات اخیر فرمودند: «بالاخره کاری و حرکتی است که تصمیم‌گیری شده و در قدم‌های اول هم خوب اجرا شده است. البته به طرف مقابل خیلی بدبین هستیم، اما به توانایی‌های خودمان خوش‌بین هستیم. مسائل کشور نباید به این گفت وگوها گره زده شود و اشتباهی که در برجام انجام شد و همه چیز کشور را به پیشرفت مذاکرات منوط کرد، نباید تکرار شود؛ چرا که کشور شرطی می‌شود و همه چیز از جمله سرمایه‌گذاری تا مشخص شدن نتیجه مذاکرات معطل می‌ماند».^۱

مقام معظم رهبری هدف آمریکا از اصرار بر مذاکره مستقیم را القای نوعی تسلیم‌شدگی ایران دانستند و گفتند: «شهید رئیسی این اجازه را به آنها نداد، البته در زمان ایشان مذاکره غیرمستقیم مثل زمان کنونی انجام می‌شد که به نتیجه نرسید که الان هم گمان نمی‌کنیم به نتیجه برسد و نمی‌دانیم چه خواهد شد».^۲

۱. بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر؛ ۱۱ فروردین ۱۴۰۴.

۲. بیانات در دیدار خانواده‌های شهید رئیسی و دیگر شهیدان خدمت؛ ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۴.

جنگ ما و اسرائیل

چرا باید با اسرائیل بجنگیم؟

الف) ملت ایران در ۲۰۰ سال گذشته، هیچگاه آغازگر هیچ جنگی نبوده است. اکنون نیز این اسرائیل جنایتکار است که به کشور ما حمله کرد و ما در حال دفاع از خود و تنبیه متجاوز هستیم. دفاع از وطن، عزت و شرف، حکم عقل و فطرت است. انسان‌ها با هر عقیده و آئینی، دفاع از سرزمین خود را رفتاری ارزشمند و قابل تحسین می‌دانند و کسی را که از خود و وطنش دفاع نکند، نکوهش می‌کنند.

پذیرش زورگویی و قبول ذلت و خواری تحمیل شده از سوی دشمن، برخلاف کرامت انسانی است. زندگی بدون عزت و شرف، شایسته انسان نیست.

ب) خداوند متعال انسان را همانند سایر موجودات، به دستگاه‌ها و ابزارهای دفاعی مجهز نموده، تا بتواند دشمن خود را دفع و از حیات، حقوق و دارایی‌هایش دفاع کند. همچنین انسان را به قدرت تفکر مجهز کرده تا روش‌ها و ابزارهای گوناگون و مناسبی را برای دفاع از خودش بسازد و بکار

گیرد و از خودش و هرشانی از شئون زندگی‌اش، که مایه حیات و یا تکمیل حیات و تمامیت سعادت او است، در برابر افراد و اشیاء مزاحم، دفاع کند.^۱

«مقاومت در برابر دشمن، واکنش طبیعی هر ملت آزاده و باشرف در مقابل تحمیل و زورگویی است؛ دلیل دیگری لازم ندارد. هر ملتی که برای شرف خود، برای هویت خود، برای انسانیت خود ارزش قائل است، وقتی ببیند یک چیزی را می‌خواهند به او تحمیل بکنند، مقاومت می‌کند، امتناع می‌کند، ایستادگی می‌کند؛ خود این، یک دلیل مستقل و قانع‌کننده است.»^۲

آموزه‌های اسلامی نیز مسلمانان را به مقابله با متجاوزان فرا خوانده است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «اذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا وإن الله على نصرهم لقدير»:^۳ به آنها که جنگ بر آنان تحمیل شده، اجازه جهاد داده شد؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند و خداوند بر نصرت آنها توانا است.

در آیه دیگری می‌فرماید: «و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لاتعتدوا ان الله لا یحب المعتدین»:^۴ و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید و از حد تجاوز نکنید، که خداوند متجاوزان را دوست نمی‌دارد.

مقابله بمثل با دشمن متجاوز حکم صریح خداوند است: «فَمَنْ اغْتَدَى

۱. طباطبائی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید باقر موسوی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۵۴۵.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام ره، ۱۳۹۸/۳/۱۴.

۳. سوره حج، آیه ۳۹

۴. سوره بقره، آیه ۱۹۰

عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اخْتَدَى عَلَيْكُمْ...»^۱ پس هر کس علیه شما کرد، همانند رفتارش بر او تعدی کنید ...

بنابراین بر اساس حکم عقل و فطرت، شیوه عقلای عالم و آموزه‌های اسلامی، باید در مقابل تجاوز دشمنان بایستیم و از کشور، ناموس، دین و دارایی‌هایمان دفاع کنیم و دشمنان را از تجاوز به کشور خود پشیمان سازیم. کوتاهی در مقابل تجاوز دشمنان، جز خواری، نابودی، بی‌عزتی، بی‌حرمتی و اشغال شدن توسط نیروهای دشمن و از دست رفتن همه دارایی‌های مادی و معنوی، نتیجه‌ای ندارد. درست است که در دفاع از وطن، ممکن است بسیاری از مردم کشته و زخمی شوند و بخشی از دارایی‌های ما از دست برود، اما در نجنگیدن و دفاع نکردن، خسارات بسیار زیاده‌تر و ماندگارتری به ما و کشور ما وارد خواهد شد.

ج) یاری و حمایت خداوند هم، تنها شامل کسانی می‌شود که بر اساس حکم عقل و وحی به مقابله با دشمنان بپاخیزند و برای رهایی خود از چنگال دشمنان، تلاش کنند. سستی و کوتاهی در برابر دشمن، مخالفت با حکم خدا است و غضب الهی را به دنبال دارد.

صلح و سازش

سازش با دشمنان چه مشکلی دارد؟ چرا با دشمنان سازش نمی‌کنیم تا جنگ تمام شود و بیش از این آسیبی نبینیم؟

الف) سازش با دشمن بر دو گونه است: سازش عاقلانه و سازش نابخردانه. سازش عاقلانه، هنگامی است که از موضع اقتدار و بر اساس حکمت، تدبیر و دوراندیشی باشد و انسان را از گزند دشمن دور نگهدارد. سازشی که از موضع ضعف و بر اساس ترس و ذلت‌پذیری باشد، سازش نابخردانه است. سازش و کنار آمدن عاقلانه با دشمن در جایی معنا و منطق پیدا می‌کند که اختلافات بر روی مسائل فرعی و جزئی باشد. اختلافات فرعی و جزئی معمولاً با گفت و گو و مذاکره قابل حل است و طرفین باید از برخی از مواضع و امتیازات خود عقب‌نشینی کنند تا چالش و درگیری فرو بنشینند. اما اگر دشمنی دشمنان به خاطر اصول و بنیان‌های هویتی یک ملت باشد و خواهان از بین بردن استقلال و آزادی ملتی باشند، سازش و کنار آمدن با دشمن، جز نابودی استقلال، آزادی، عزت، شرافت، هویت و دارایی‌های ملی، نتیجه دیگری ندارد.

ب) حال باید ببینیم که دشمن ما کیست؟ هدفش از دشمنی با ما چیست؟ و آیا می‌توان با او از در سازش و آشتی وارد شد؟ برآستی مشکل آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی چیست؟ وقتی به تاریخ مسائل ایران و آمریکا می‌نگریم، متوجه می‌شویم که دشمنی آنان با ما، از یک سو به ماهیت استکباری و سلطه‌جویانه آنان و دیگر سو به ماهیت اسلامی، استقلال طلبانه و ظلم ستیزانه ملت ایران بر می‌گردد. آمریکا و دیگر ابرقدرت‌های غربی، به چیزی جز دست برداشتن ملت ایران از استقلال، آزادی، عزت، کرامت و ثروت‌های خود نمی‌اندیشند. تجربه برجام در دولت تدبیر و امید، بخوبی نشان داد که مسأله هسته‌ای برای آنها بهانه است. آنها به دنبال نابودی استقلال و آزادی ملت ایران هستند. امروز اکثر کشورهای جهان اربابی و آقایانی آمریکا و نوکری خود را پذیرفته‌اند. تنها چند کشور هستند که زیر بار نظم ظالمانه آمریکایی نمی‌روند. تمام دشمنی آمریکا و غرب با ایران، روسیه و چین، بر سر این واقعیت است که این چند کشور، زیر بار نظام سلطه جهانی نمی‌روند.

سازش با دشمنی که حتی به دولت ملی‌گرا و لیبرال دکتر مصدق هم رحم نکرد و آن را با کودتا سرنگون کرد و برای رژیم وابسته پهلوی هم، که تسلیم محض آنان بود، ارزشی قائل نبود، جز پذیرش حقارت و ذلت معنایی ندارد. مقام معظم رهبری در تبیین سلطه‌طلبی و استکبار ورزی آمریکا می‌فرماید: «رژیم پهلوی در مقابل آمریکا تسلیم بود، هم نفت می‌داد، هم پول می‌داد، هم باج می‌داد، هم توسری می‌خورد! امروز دولت سعودی هم همین جور است؛ هم پول می‌دهد، هم دلار می‌دهد، هم بر طبق خواست آمریکا موضع‌گیری می‌کند، هم توهین می‌شنود. به او می‌گویند «گاو شیرده»!

هزینه سازش، هزینه تسلیم، هزینه عدم مقاومت، از هزینه مقاومت به مراتب بیش‌تر است. هزینه مادی هم دارد، هزینه معنوی هم دارد.^۱

ممکن است برخی تصور کنند که سازش با دشمن، هزینه‌ای ندارد یا هزینه‌اش از مقاومت در برابر زیاده‌خواهی دشمن، کم‌تر است؛ چیزی می‌دهیم و دشمن را راضی و ساکت می‌کنیم و دشمن هم از سر ما دست بر می‌دارد. اما این خیالی، باطل است. وقتی شما برای فرار از درگیری با دشمن، به اولین خواسته او تن دهید، با همان منطق، باید به خواسته‌های بعدی او هم تن دهید. اگر برای دوری از تنش و رفع تحریم، برنامه هسته‌ای را تعطیل و تجهیزات هسته‌ای را به دشمن دادیم، با همان منطق، باید برنامه موشکی را هم تعطیل کنیم، از دفاع از مظلومان منطقه هم دست برداریم، از ارزش‌ها و احکام اسلامی هم دست برداریم و این روند تا آنجا ادامه پیدا می‌کند که ایران تجزیه شود و همه استقلال، آزادی و دارایی‌های خود را از دست بدهد.

آمریکا و اسرائیل در تاریخ روابط خود با دیگر کشورها، آشکارا نشان داده‌اند که استقلال و آزادی هیچ کشوری را به رسمیت نمی‌شناسند. آن‌ها به دنبال گسترش سلطه نامشروع خود بر همه جهان هستند. سازش با چنین دشمنی، هزینه‌های فراوانی دارد که ممکن است سرنوشت یک ملت را برای همیشه تغییر دهد و آن ملت را از مسیر رشد و کمال به مسیر انحطاط و نابودی بکشانند. تجربه کشورهای مانند لیبی، سوریه، عراق، افغانستان، مصر و ده‌ها کشوری که از مقاومت دست برداشتند، پیش چشم ما است. اگر از تاریخ درس نگیریم، درسی برای عبرت گرفتن آیندگان خواهیم شد.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۹۸.

ارزش استقلال سیاسی

استقلال سیاسی چیست؟ اگر استقلال نداشته باشیم، چه مشکلی پیش می‌آید؟ چرا باید برای حفظ استقلال این همه هزینه بدهیم؟

الف) مقصود از استقلال سیاسی آن است که یک ملت، خودش برای خودش، تصمیم بگیرد. منافع، مصالح، اهداف و ارزش‌های خود را خودش تعیین کند و از دیگران دستور نگیرد. استقلال، به معنای انزوا یا قطع ارتباط با دیگر کشورها یا مصالحه با دیگر کشورها بر سر منافع مشترک، نیست؛ بلکه به این معنا است که دیگر کشورها نتوانند در امور داخلی آن کشور، دخالت کنند و مقدرات آن ملت را به نفع خود و به زیان آن ملت تغییر دهند. مهم‌ترین عنصر ملت - دولت، استقلال سیاسی است. کشوری که استقلال سیاسی ندارد و به جای خود ملت، دیگران برای آن کشور تعیین تکلیف می‌کنند، که مثلاً چه کسی بر سرکار بیاید، کشور چه اهداف و برنامه‌هایی را دنبال کند و چه اهداف و برنامه‌هایی را دنبال نکند و ...، در حقیقت، نه ملت دارد و نه دولت.

ب) استقلال سیاسی، ضامن هرگونه پیشرفت و موفقیت ملی است.

کشوری که استقلال ندارد، باید به خواسته‌های ملت‌های قدرتمند تن دهد و هر چه آنان می‌گویند، انجام دهد. اگر استقلال سیاسی نباشد، نه دین وجود خواهد داشت، نه از عزت و کرامت ملی خبری خواهد بود، نه رشد و پیشرفت حقیقی امکان‌پذیر است، نه امنیت ملی معنا دارد و نه اقتدار ملی مفهومی خواهد داشت. ملتی که استقلال سیاسی ندارد باید در جهت منافع دیگران حرکت کند، حتی اگر به زیان منافع خود او باشد.

ج) دست برداشتن از استقلال سیاسی را نه عقل و منطق تأیید می‌کند، نه وجدان انسانی می‌پذیرد و نه خداوند و دین، چنین اجازه‌ای به مؤمنان می‌دهد. خداوند متعال در قرآن کریم هر برنامه، قرارداد، راهبرد و قانونی را که موجب تسلط کافران بر مؤمنان و از بین رفتن استقلال سیاسی جامعه مسلمان شود، حرام کرده است: «... و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً»^۱ ... و خداوند هیچ گاه برای کافران علیه اهل ایمان، راهی برای تسلط باز نخواهد کرد. امام حسین علیه السلام آنگاه که عیدالله زیاد لعنه الله علیه ایشان را میان کشته شدن و تن به سلطه دادن، مخیر کرد، مرگ با عزت را انتخاب نمود و فرمود: «هيهات منا الذله ابي الله لنا و رسوله و المؤمنون و حجور طابت و طهرت»: دور است از ما تن به ذلت دادن. خداوند و پیامبرش و مؤمنان و دامان پاک علی و فاطمه، تن به ذلت دادن را برای ما نمی‌پذیرد.»

دشمن شناسی

دشمن شناسی چیست و چگونه دشمن شناسی خود را ارتقا دهیم و به دیگران هم کمک کنیم تا دشمنان را بهتر بشناسند؟

الف) دشمن شناسی به معنای شناخت عواملی است که در جهت نابودی یکی از ابعاد وجودی و کمالی انسان فعالیت می کنند. هر موجودی، اعم از انسان ها و جنیان، که برای از بین بردن حیات، سلامتی، تفکر، احساس و دیگر دارایی های مادی و معنوی انسان، فعالیت می کند، دشمن انسان به شمار می رود. دشمنان انسان، به دو گروه دشمنان درونی و دشمنان بیرونی تقسیم می شوند؛ همچنانکه دوستان انسان نیز به دو گروه دوستان درونی و دوستان بیرونی تقسیم می گردند.

ب) دشمنان درونی انسان، اندیشه های باطل، ارزش های شیطانی، اهداف غیرمشروع، آرزوهای باطل و درازدامن، اخلاقیات نکوهیده و نقطه ضعف هایی مانند ترسویی، بخل، آز، حسادت است که هر کدام در مسیر سعادت دنیا و آخرت انسان مانعی ایجاد می کنند. دشمنان بیرونی معمولاً با سوءاستفاده از دشمنان درونی، بر انسان مسلط می شوند و به اهداف نامشروع خود دست پیدا می کنند.

دشمنان بیرونی انسان، عبارت‌اند از برخی از انسان‌ها و جنیانی که برای رسیدن به اهداف و خواست‌های نامشروع و نامطلوب خود از امکانات وجودی انسان بهره‌برداری کرده و انسان را ابزاری برای رسیدن به اهداف خود قرار می‌دهند. دشمنان بیرونی، نخست به دنبال بهره‌جویی از انسان هستند، اما اگر انسان را مانعی بر سر راه اهداف خود ببینند، برای نابودی او اقدام خواهند کرد.

ج) شناخت دشمنان درونی و دشمنان بیرونی، بسیار مهم است و غفلت از شناسایی و مقابله با هرکدام، پیامدهای ویرانگری برای فرد و جامعه به دنبال دارد؛ همچنانکه شناخت دوستان درونی و دوستان بیرونی هم بسیار مهم است. شناخت دوستان درونی و بیرونی به انسان کمک می‌کند تا از ظرفیت وجود آنان برای رشد، کمال، بالندگی و سعادت خود و در امان ماندن از گزند دشمنان درونی و بیرونی کمک بگیرد.

اگر دشمنان بیرونی را بخوبی نشناسیم، نه تنها نمی‌توانیم در مقابل آنان بایستیم و از دارایی‌های مادی و معنوی خود از گزند آنان محافظت کنیم، بلکه ممکن است ناخواسته، به ابزاری در دست آنان تبدیل شویم و خدمت به دشمنان و فدا شدن در راه تمایلات و اهداف پلید آنان را برای خود امتیازی بدانیم.

اگر دشمنان درونی خود را نشناسیم، از درون و به صورت پنهان و ناآگاهانه آسیب خواهیم دید. کسی که از اندیشه‌ها، اخلاقیات، تمایلات، ارزش‌ها و هدف‌های باطل و غیرالهی در وجود خود آگاه نباشد، یقیناً از سوی همین عوامل، ضربه خواهد خورد. همه کسانی که راه انحراف و نابودی را انتخاب می‌کنند و به دشمنان بیرونی خود برای نابودی خویش کمک می‌رسانند، نخست از سوی دشمنان درونی خود آسیب می‌بینند. مثلاً کسی که راحت‌طلبی و لذت‌جویی را هدف زندگی خود می‌پندارد و همواره

از درد، سختی و مشقت فرار می‌کند، هرگز تاب و توان مقاومت در برابر دشمن بیرونی را ندارد و یقیناً برای فرار از سختیِ هم‌آوردی با دشمن بیرونی، به انفعال، وادادگی و خواری در برابر او تن می‌دهد.

د) راه شناخت دشمن درونی، مطالعه و تفکر درباره خویشتن است. انسان باید همواره درباره اندیشه‌ها، تمایلات، اهداف، ارزش‌ها، رفتارها، خلیقات و نگرش‌های خود بیاندیشد و آن را به بوته نقد و محک آزمایش بسپارد. مطالعه و تأمل در معارف و آموزه‌های قرآن کریم، سنت و سبک زندگی معصومان علیهم السلام و آموزه‌های حکیمان و معلمان اخلاق و بررسی و تطبیق ابعاد شخصیتی خود با آن معارف و آموزه‌ها، بهترین روش برای شناسایی و مبارزه با دشمنان درونی است. البته که در این راه از وجود مربی حکیمی که دانش خودشناسی و حکمت تمیز حق از باطل را به ما بیاموزد، بی‌نیاز نخواهیم بود. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «هَلَك مَنْ لَيْسَ لَهُ حَكِيمٌ يُرْشِدُهُ»: هرکسی معلم حکیمی که او را ارشاد کند، ندارد، هلاک می‌شود.

راه شناسایی دشمنان بیرونی، مطالعه تاریخ و آگاهی از اتفاقاتی است که در زمان، در حال رخ دادن است. انسانی که با خواندن تاریخ، از فراز و فرودهای ملت‌ها، دولت‌ها و اقوام گذشته آگاه می‌شود و آنچه به آنان در راه تکامل و موفقیت کمک کرده و آنچه مانع پیشرفت و موفقیت آنان شده را باز می‌شناسد، در حقیقت، گامی برای شناسایی دوستان و دشمنان خود بر می‌دارد. سنت‌ها و قانون‌های تاریخ، همواره ثابت است و تنها، شکل‌ها و قالب‌ها تغییر می‌کند. همچنین توجه به رخدادهایی که پیرامون انسان در حال جریان است و بازشناسی اختلاف‌ها و ائتلاف‌هایی که در صحنه جامعه و جهان وجود دارد، به انسان کمک می‌کند تا دوستان و دشمنانش را بهتر شناسایی کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «العالم بزمانه لاتَهْجَمُ علیه

للوایس: «آن کس که از زمان خود آگاه است، شبهه‌ها بر او هجوم نمی‌برد. (ه) همچنین داشتن راهنمایان و راهبرانی که به فهم، درک، آگاهی، توان تفکر و خیرخواهی آنان اعتماد داریم، به ما کمک می‌کند تا در هنگام هجوم شبهه‌ها و شایعه‌ها، راه، هدف و ملاک تمایز میان دوست و دشمن را گم نکنیم و در صحنه عمل نیز بتوانیم دشمنان را از دوستان تشخیص دهیم. بدیهی است که بسیاری از ما با توجه به ناکافی بودن دانش و اطلاعات‌مان از رویدادهای جاری در جامعه و جهان، به آسانی نتوانیم دوست را از دشمن جدا کنیم. در چنین شرایطی، رجوع به سخنان و مواضع امام خمینی و رهبری معظم انقلاب، که هم به تاریخ ایران و اسلام و هم به اتفاقات در حال جریان در جامعه و جهان اشراف دارند، و نیز کسانی که توسط امام و رهبری تأیید می‌شوند، می‌تواند به ما در تشخیص راه درست از بیراهه و دوست از دشمن کمک کند.

(و) نکته بسیار مهمی که برای شناسایی دشمنان می‌تواند به همه آحاد ملت کمک کند، آن است که اولاً تا حد امکان برای گرفتن اخبار و اطلاعات، به رسانه‌های معاند با جمهوری اسلامی، رجوع نکنیم و اگر به آنان رجوع کردیم، اعتماد نکنیم و حتماً به رسانه‌های داخلی، بویژه صدا و سیمای جمهوری اسلامی هم مراجعه کنیم. امروز که رژیم سفاک صهیونی به کشور ما تجاوز کرده و در حال ضربه زدن به مردم و کشور است، هرفرد و رسانه‌ای که علیه کشور و ملت ایران و به سود و در حمایت آمریکا و اسرائیل فعالیت می‌کند، دشمن ملت و کشور ایران است.

شهیدان غیرنظامی

آیا کسانی که در مناطق مسکونی، توسط رژیم صهیونیستی کشته می‌شوند، شهید به شمار می‌روند؟

(الف) واژه شهید و شهادت، در فرهنگ قرآنی، به معنای گواه و گواهی است. در قرآن کریم به کسانی که در راه خدا کشته می‌شود، «مقتولون فی سبیل الله» یا «الذین قتلوا فی سبیل الله» گفته می‌شود. در فرهنگ قرآن کریم، شهید، کسی است که از یک سو شاهد اندیشه‌ها و رفتارهای امت اسلامی (پیامبر و امام) یا شاهد بر اندیشه‌ها و رفتارهای امت‌های دیگر (امت اسلامی) است و از دیگر سو، اندیشه‌ها و اعمالش، ملاک درستی و نادرستی اندیشه‌ها و رفتارهای امت اسلامی یا امت‌های دیگر است. خداوند پیامبر و امامان هدی علیهم السلام را شاهد بر امت اسلامی^۱ و امت اسلامی را شاهد بر دیگر امت‌ها^۲ قرار داده است.

۱. احزاب: ۴۵.

۲. بقره: ۱۴۳.

ناگفته نماند که در طول زمان، واژه شهید و شهادت، معنایی جدید به خود گرفت و به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، شهید گفته شد.

ب) در فقه اسلامی، قتل در راه خدا یا همان شهادت در راه خدا، به دو معنای عام و خاص بکار رفته است. کسانی که در میدان جنگ و هنگام مبارزه رو در رو با دشمن کشته می‌شوند، شهید، به معنای خاص کلمه هستند و احکام فقهی خاصی دارند؛ مثلاً غسل دادن و کفن پوشاندن به آنان واجب نیست و می‌توان آنان را بدون غسل و کفن و با همان لباسی که در آن به شهادت رسیده‌اند، دفن کرد. اما هرکسی در حال ایمان به خدا و در راه انجام وظیفه الهی خود کشته شود، شهید به معنای عام کلمه است. به همین سبب در برخی از روایات آمده که هرکس در راه دفاع از مال و خانواده‌اش کشته شود، شهید است: «من قتل دون ماله و عیاله فهو شهید»

لازم به ذکر است که پس از پیروزی انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی ایران و ایجاد سازمانی با عنوان بنیاد امور شهدا و ایثارگران، که ذیل عنوان معاونت رئیس جمهوری فعالیت می‌کند، کسانی که توسط این نهاد به عنوان شهید نامگذاری شوند، شهید به شمار می‌روند. البته در این صورت، عنوان شهید، جنبه قانونی دارد و عنوانی خاص‌تر از معنای عام شهید در فقه خواهد بود.

ج) بر اساس آنچه گفته شد، کسانی که مظلومانه در حملات رژیم صهیونی به مناطق مسکونی و غیرنظامی، کشته می‌شوند، یقیناً به معنای عام فقهی و معنای خاص قانونی، شهید محسوب می‌شوند. علاوه بر این به دلیل آنکه آن افراد، در حال دفاع از وطن اسلامی خود کشته شده‌اند، به معنای قرآنی، هم شهید (مقتول فی سبیل الله) به شمار می‌روند؛ زیرا کشته شدن در راه دفاع از وطن اسلامی، در حقیقت، کشته شدن در راه خدا است.

آرامش و ترس

این روزها بسیاری مردم احساس ناامنی می‌کنند. می‌پرسند کجا برویم که امن باشد؟ چطور با این ترس و وحشت زندگی کنیم؟ چگونه آرامش خود و فرزندانمان را حفظ کنیم؟

الف) انسان‌ها معمولا در شرایط جنگی، که جان، سلامتی و اموال‌شان در خطر نابودی قرار می‌گیرد، دچار ترس، اضطراب و ناامنی می‌شوند. این گونه هیجان‌ها، کاملاً طبیعی است و تقریباً همه مردم آن را تجربه می‌کنند. خداوند هیجان ترس و اضطراب را در وجود انسان قرار داد تا انسان، نسبت به حیات و سلامتی خود حساس باشد و بی‌مهابا جان و سلامتی خود را به خطر نیاندازد. لیکن ممکن است برخی از افراد در چنین شرایطی، ترس و ناامنی شدیدی در خود احساس کنند، به گونه‌ای که ذهن، فکر، احساسات و رفتارهایشان از حالت طبیعی خارج شود و زندگی آن‌ها عملاً دچار هرج و مرج یا توقف گردد. ترس و ناامنی شدید، ممکن است موجب بروز حالت ناامیدی و درماندگی گردد و بر کنشوری عمومی افراد اثر منفی بگذارد. در ادامه به برخی از توصیه‌های روان‌شناختی و معنوی برای پیشگیری و مدیریت هیجان‌های منفی در شرایط جنگی اشاره می‌کنیم:

۷ قدری ترس و نگرانی در شرایط جنگی، کاملاً طبیعی و عمومی است. بنابراین از اینکه از صدای بمباران، صدای هواپیما، احتمال آسیب دیدن، ... نگران و مضطرب هستید، شرمند نباشید. این حالت در همه انسان‌ها، حتی در افراد بسیار شجاع هم، کم و بیش، وجود دارد.

۷ بروز هیجان‌های منفی و شدت آن، بیش از آنکه ناشی از اتفاقات عینی و خارجی باشد، ناشی از تفسیرها و تحلیل‌های ذهنی ما درباره رویدادها است. کسانی که درباره رویدادی مثل جنگ، افکاری بسیار منفی دارند، طبیعی است که از ترس و نگرانی بیش‌تری رنج ببرند. بهتر است موقعیت خطرناک کنونی را که از سوی دشمنان بر کشور ما تحمیل، بپذیرد و آن را انکار نکنید. تلاش کنید افکاری امیدوار کننده و خوشبینانه را در ذهن خودتان پرورش دهید و از اندیشه‌های افراطی و دهشت‌آور دوری کنید. مثلاً به جای آنکه فکر کنید «حتماً کشته می‌شوید یا حتماً فرزندان‌تان را از دست می‌دهید یا درباره کشته شدن خود و عزیزان‌تان تصویرسازی کنید، تلاش کنید این فکر را در ذهن خودتان تقویت کنید که «خداوند حافظ و نگهبان ما است»، «تا خدا نخوهد دشمن نمی‌تواند به ما آسیب برساند»، «ان شاءالله با نابودی دشمنان، با سلامتی از این شرایط عبور خواهیم کرد»، ...

۷ در این روزها و شب‌ها تلاش کنید بیش از زمان‌های دیگر در کنار یکدیگر باشید. به مهمانی بروید و دیگران را در خانه خودتان مهمان کنید.

۷ سعی کنید رویه عادی پیشین زندگی خودتان را حفظ کنید و تغییر خاصی در امور جاری زندگی ندهید.

۷ از جستجو کردن اطلاعات، بیش از نیازتان، درباره جنگ، حملات دشمن و آسیب‌هایی که به کشور وارد شده، اجتناب کنید و به حداقل اطلاعات اکتفا نمایید.

۷ از مراجعه به رسانه‌های معاند و شبکه‌های ماهواره‌ای خارجی، مانند ایران‌اینترنشنال، بی‌بی‌سی، من و تو، اجتناب کنید. کارویژه این رسانه‌های مخرب، ایجاد جنگ روانی، برای ترساندن و ناامید کردن مردم و ایجاد جنگ شناختی، برای گمراه کردن قوه تشخیص مخاطبان است.

۷ بیش از گذشته، تلاش کنید امور معنوی را در زندگی خودتان وارد کنید. به خواندن نماز، بویژه نماز اول وقت، خواندن دعا، تلاوت قرآن، گفتن اذکار و شرکت در مسجد و مجالس مذهبی، بیش از گذشته اهتمام بورزید. یاد خدا آرام بخش دل‌ها است و ترس‌ها و نگرانی‌های انسان را کاهش می‌دهد.

۷ با اهالی خانه و دوستان‌تان درباره احساسات و افکار خودتان گفتگو کنید تا ضمن تخلیه هیجانی، متوجه شوید که دیگران هم، کم و بیش، احساساتی شبیه شما دارند و از این طریق، نگرانی شما کاهش پیدا کند.

۷ تا حد مکان، از گفتگو و همنشینی با افراد بدبین، خیلی ترسو، خیلی مضطرب و کسانی که توانایی همدلی کردن با شما را ندارند، دوری کنید.

۷ تلاش کنید با افراد صبور، خوشبین و همدل گفتگو و معاشرت کنید.

۷ اطلاعات خودتان را درباره اقدامات ایمنی لازم برای در امان ماندن از آسیب‌های احتمالی به روز کنید.

۷ پادپخش‌های مذهبی و آرام‌بخش را بر روی گوشی خودتان قرار داده و هرازگاهی به آن گوش دهید.

۷ در صورت ادامه نگرانی و شدت یافتن آن، از کمک‌های تخصصی استفاده کنید. مشاوران و روان‌شناسان می‌توانند به شما برای بهبودی روحیه و خلق‌تان کمک کنند. برای این منظور تلفن‌های ۴۰۳۰ و ۰۹۶۴۰۰ آماده یاری و حمایت شما است.

۳۰

فریادرس عالم

گاهی فکر می‌کنم اگر امام زمانی وجود دارد، چرا ریشه ظلم را نمی‌کند؟! چرا رزمندگان مسلمان را یاری نمی‌کند؟! آیا این افکار، گناه است؟ آیا نشانه بی‌ایمانی من است؟

الف) در سال‌های اخیر رویدادهایی غم‌انگیز و رنج‌آور مانند قضایای فلسطین و لبنان، دل‌های بسیاری از مردم ما را اندوهگین کرده و نور امید را در قلب‌های آنان کم‌سو نموده است. دیدن و شنیدن جنایت‌های وحشیانه صهیونیست‌ها علیه ملت‌های منطقه، برای هراسان با وجدانی، سخت و تلخ است. گویی هیچ نیرویی نمی‌تواند مانع جنایات آنان شود و خداوند هم بنای نابودی آنان را ندارد. بر اثر این رویدادهای تلخ و ناگوار، ممکن است برخی از مؤمنان دچار سردرگمی و گیجی شوند و در اعتقادات دینی‌شان به شک و تردید گرفتار گردند. گرفتار شدن به حالت ابهام، سردرگمی، ناامیدی و درماندگی در شرایط سختی مانند جنگ، ممکن است برای خیلی از افراد پیدا شود. وقتی سختی‌ها و مشقت‌ها فراوان شود، ممکن است دل‌ها بلرزد و عقل‌ها حیران شود. قرآن کریم وقتی درباره امت‌های پیشین سخن می‌گوید

به چنین حالت‌هایی در وجود آنان اشاره می‌کند. در هنگام شدت گرفتن سختی‌ها، گاهی برخی از پیامبران الهی هم دچار تردید و ناامیدی می‌شده‌اند: «آیا گمان کردید داخل بهشت می‌شوید، بی‌آن‌که حوادثی همچون حوادث سخت گذشتگان به شما برسد، همانها که شداید و زیانهای فراوان به آنها رسید و آنچنان ناراحت و متزلزل شدند که پیامبر الهی و افرادی که ایمان آورده بودند، گفتند: پس یاری خدا کجاست؟! آگاه باشید یاری خدا نزدیک است!»^۱

بنابراین وجود چنین افکاری در ذهن انسان مؤمن، نشانه بی‌ایمانی نیست، بلکه به خاطر دلبستگی و امیدی است که به رحمت و یاری خدا دارد و از او توقع دارد که با سرعت، به یاری مؤمنان بیاید و مؤمنان را از چنگال کافران و ظالمان رهایی بخشد و چون در نظر مؤمن، نصرت الهی به تأخیر افتاده، ناامیدی و تردید به او هجوم می‌آورد.

ب) نصرت و یاری خداوند نسبت به مؤمنان، یکی از سنت‌های تخلف‌ناپذیر الهی است و در آن تردیدی نیست؛ اما در اینکه نصرت خداوند چیست و تحقق آن چه شرایطی دارد، جای بسی تأمل است. برخی می‌پندارند که نصرت الهی، به معنای آن است که خداوند، همیشه باید با روش‌های غیرطبیعی، مثل فرستادن فرشتگان یا روش‌های جادویی و پیچیده‌ای که خارج از محاسبات طبیعی و ارادی بشر است، به کمک مؤمنان آید یا خودش مستقیماً ظالمان کافر را نبود کند و وقتی چنین چیزهایی را در صحنه جنگ مشاهده نمی‌کنند، دچار حیرت و سردرگمی می‌شوند.

اگرچه ممکن است خداوند گاهی به صورت استثنایی، حوادثی را مستقیماً بوجود آورد و با روش‌های غیرطبیعی یا روش‌های طبیعی، اما خارج از محاسبات ارادی بشر، دشمنان دین و انسانیت را نابود کند، اما سنت و روش خداوند در یاری مؤمنان، همواره اینگونه نبوده و نیست. یاری خداوند اینگونه است که اگر مؤمنان انگیزه‌های الهی خود را حفظ کنند و برای اقامه دین خدا و ارزش‌های الهی، در مقابل دشمنان ثبات قدم نشان دهند، خداوند بر ایمان و استقامت آنان می‌افزاید و تردید، ترس، شک و ناامیدی را بر دل‌های دشمنان‌شان چیره می‌گرداند. نیرو گرفتن شدن روحیه مؤمنان و سست شدن روحیه کافران، یکی از زمینه‌های اساسی پیروزی حق علیه باطل است. حفظ انگیزه و هدف الهی، پایمردی، شکیبایی، نترسیدن از دشمن، نترسیدن از مرگ، سستی نکردن و ناتوانی به خود راه ندادن، در حقیقت، همان یاری کردن خدا است و از شرایط تحقق یاری و نصرت الهی است. یاری کردن خدا یعنی عمل کردن طبق مشیت و فرمان خدا و وقتی مؤمنان بر طبق خواست و فرمان خدا عمل کنند، یاری خداوند، یعنی ثبات قدم، روحیه عالی و توان اراده از جانب خداوند به آنان داده می‌شود.

اگر قرار بر این بود که خداوند خود امر جنگ علیه باطل را بر عهده گیرد و به جای رزمندگان اسلام با دشمنان دین و حقیقت، بجنگد و آنان را نابود کند، به آن همه آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی و فقهی درباره جنگ نیازی نبود. اگر چنین بود که ما می‌پنداریم، پیامبر اکرم و امیر المؤمنین صلوات الله علیهما، در میدان‌های جنگ، آنگونه مجاهدت و پایمردی نمی‌کردند. کافی بود فقط دعا کنند و خداوند دشمنان را در لحظه نابود کند. هدف خداوند از خلقت انسان، فرستادن پیامبران و نازل کردن کتاب‌های آسمانی، هدایت بشر

به سمت سعادت جاودان و رساندن انسان‌ها به کمال اختیاری است و پیروز ساختن جریان حق بر جریان شیطان؛ نه پیروزی جبری حق بر باطل.

این اندیشه که امام زمان عجل الله فرجه الشریف باید در امور طبیعی عالم تصرف کرده و خود به تنهایی ریشه ظلم را برکند، همان تفکر بنی اسرائیل است: «قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنُذْخِلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ»^۱ یهودیان گفتند: ای موسی! تا آنان در آنجا (بیت المقدس) هستند، ما هرگز وارد آنجا نخواهیم شد، پس تو و پروردگارت بروید [با آنان] بجنگید. ما [تا پایان کار جنگ] در همین جا نشسته‌ایم»

ج) دینداری تنها به خواندن نماز و گرفتن روزه و انجام مناسک دینی نیست؛ جهاد با دشمنان دین و دفاع از وطن و نوامیس از دستورات دین است و باید برای تحقق محافظت از این امور در برابر دشمنان متجاوز ایستادگی کرد.

د) وعده نصرت الهی به رزمندگان اسلام قطعی و تخلف‌ناپذیر است: «لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ...»^۲ و به یقین خداوند کسانی را که [دین] او را یاری می‌دهند، یاری می‌کند... امام زمان عجل الله فرجه الشریف نیز شیعیان و رزمندگان اسلام را با دعا و هدایت‌های معنوی یاری می‌کند. حضرتش در توقیع شریف به شیخ مفید علیه الرحمه می‌فرماید: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ

۱. سوره مائده، آیه ۲۴

۲. سوره حج، آیه ۴۰

اصطَلَكُمُ الْأَعْدَاءُ...»^۱ ما در رعایت حال شما هیچ کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نمی‌بریم؛ وگرنه محنت و دشواری‌ها شما را فرا می‌گرفت و دشمنان شما را از بُن و ریشه قلع و قمع می‌ساختند ... امام زمان در زمان غیبت وظائفی دارد و در زمان ظهور وظائف دیگری. در زمان غیبت، وظیفه امام علیه السلام علاوه بر آنکه واسطه فیوضات الهی به بندگان است، دعا کردن برای شیعیان، هدایت معنوی آنان و راهنمایی برخی از خواص اهل حق، در امور پیچیده و استثنایی است، اما زمانی که فرمان الهی برای ظهور ایشان صادر شود، امام علیه السلام خود در رأس جبهه اهل حق، علیه ظالمان و کافران معاند، با آنان می‌جنگد و ریشه آنان را از روی زمین برمی‌کند.

ه) ظهور امام زمان عجل الله فرجه الشریف در گرو فراهم شدن زمینه‌ها و شرایطی خاص است، که مهم‌ترین آن شرایط، بلوغ فکری و انگیزشی عموم انسان‌ها و مطالبه بر پایی دولت جهانی حق، به رهبری مردی آسمانی، از سوی اکثریت انسان‌ها است. تا مردم جهان آمادگی همراهی با امام را نداشته باشند و تشنه برپایی عدالت نباشند و برای فداکاری و ایستادگی در این راه آماده نباشند، حضرت مهدی ظهور نخواهد کرد.

مسیر ملت ایران، مسیر مقابله با سلطه و ظلم جهانی و برپایی حاکمیت اسلام ناب بر روی گیتی است و به شرط ایستادگی و مقاومت در این راه و نهرسانیدن از دشمن، به یقین نصرت الهی و کمک امام زمان عجل الله فرجه الشریف شامل ملت ایران خواهد بود.

بازپس گیری بعد از ۷۰

بیش از ۷۰ سال است که اسرائیل فلسطین را اشغال کرده است. نسل‌های جدید آنها در آنجا به دنیا آمده و زندگی کرده‌اند و آنجا را سرزمین خود می‌دانند و به صورت طبیعی، به آن احساس تعلق می‌کنند و کسانی را که در صدد بازپس‌گیری آن سرزمین از آنان هستند را، دشمن خود تلقی می‌کنند. شاید برای باز پس‌گیری فلسطین خیلی دیر شده باشد.

الف) هر سرزمینی متعلق به ساکنان تاریخی آن است و بر اساس هیچ قاعده و قانون عقلی، عرفی، شرعی و عقلایی نمی‌توان سرزمینی را اشغال و ساکنان اصلی آن را اخراج کرد. وقتی سرزمینی با زور و دشمنی اشغال می‌شود، اگر هزاران سال هم از اشغال آن بگذرد، همچنان سرزمینی اشغال‌شده به شمار می‌رود و ساکنان غاصب آن، هیچگاه مالکان اصلی آن سرزمین نخواهند شد، حتی اگر صدها نسل‌شان در آن سرزمین به دنیا آمده و از دنیا رفته باشند. تصرف یک سرزمین بدون انتقال مالکیت آن به صورت قانونی، غصب محسوب است و نه خود غاصب و نه کسانی که آن را از غاصب می‌خرند یا به ارث می‌برند، مالک آن نخواهند بود، حتی اگر در آن

به دنیا بیایند و هزاران خاطره با آن داشته باشند.

ب) بر اساس اسناد متقن تاریخی، سرزمین فلسطین متعلق به پدران مادران کسانی است که اکنون در نوار غزه و کرانه باختری رود اردن زندگی می‌کنند. اکثر ساکنان کنونی قسمت اشغالی فلسطین، از کشورهای اروپایی، آسیایی، آفریقایی و روسیه به آنجا آورده شده‌اند. سرزمین فلسطین، متعلق به مسلمانان، مسیحیان و یهودیانی است که نسل اندر نسل مالک آن سرزمین بوده‌اند. مهاجرانی که از دیگر کشورها به فلسطین آمده‌اند در صورتی می‌توانند شهروند فلسطین محسوب شوند و زمینی را در آن مالک گردند، که دولت قانونی فلسطین به آنان تابعیت بدهد و بر اساس ضوابط قانونی بتوانند داد و ستد کنند.

اکثر یهودیان کنونی ساکن در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، به صورت غیرقانونی، به فلسطین مهاجرت کرده و با زور اسلحه، قتل، غارت، شکنجه و آواره کردن ساکنان اصلی آن، سرزمین‌شان را تصرف کرده‌اند.

ج) به رسمیت شناختن دولت اشغالگر اسرائیل علاوه بر تضاد با اصول اخلاق انسانی، احکام ادیان الهی و عرف بین الملل، تأیید نوعی رویه بسیار خطرناک روابط انسان‌ها است. کشورهایی که اسرائیل را به رسمیت می‌شناسند، در واقع، بر جواز تصرف سرزمین خودشان و دیگر سرزمین‌ها، توسط اشغالگران، مهر تأیید می‌زنند. وقتی تصرف فلسطین را پذیرفتیم و دولت یهودیان مهاجر را قانونی تلقی کردیم، هرگونه توسعه‌طلبی و تداوم اشغالگری را از سوی آن دولت غاصب، با استناد به مبانی آن رژیم، تأیید کرده‌ایم. یهودیان افراطی، بر اساس آموزه‌های تلمود، کتاب فقهی یهودیان، اعتقاد دارند که همه سرزمین‌های روی زمین از آن قوم برگزیده خدا، یعنی

قوم بنی اسرائیل است و دیگر انسان‌ها برای خدمت به یهودیان خلق شده‌اند. به همین دلیل هردولتی در منطقه غرب آسیا که اسرائیل را به رسمیت بشناسد، در واقع، زمینه را برای اشغال سرزمین خود توسط صهیونیست‌ها فراهم کرده است. ضمن آنکه خود صهیونیست‌ها در نقشه نخستی که برای دولت یهودی ترسیم کرده‌اند، منطقه‌ای به وسعت میانه رود نیل تا رود فرات را در نظر گرفته‌اند.

ج) مخالفت ملت بزرگ ایران با موجودیتی به نام رژیم اسرائیل، بر اساس مبانی اخلاقی، قانونی، شرعی و عقلی است. پذیرش و به رسمیت شناختن رژیم اسرائیل، بمعنای پایمال کردن همه اصول، ارزش‌ها و آرمان‌های بشری و تأیید کردن اشغالگری و ستمگری است. چنین رفتاری، علاوه بر مغایرت با اعتقادات دینی و اخلاق انسانی، به یقین، بر خلاف منافع و امنیت ملی ایران است. بنابراین ستیز ملت ایران با اسرائیل، ستیز با ظلم، بی‌عدالتی و سلطه‌گری است. البته ملت ایران هیچگاه بصورت مستقیم با رژیم اسرائیل به ستیز برنخاسته بود و تنها از مردم فلسطین برای باز پس‌گیری سرزمینشان حمایت می‌کرد. این اسرائیل غاصب بود که اول بار به کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در سوریه، حمله کرد و شماری از مستشاران نظامی و دیپلمات‌های ایرانی را به شهادت رساند و باب منازعه و جنگ را با جمهوری اسلامی باز کرد. اکنون جمهوری اسلامی ایران بر اساس احکام اسلامی و مبانی حقوقی و اخلاقی بین‌الملل در حال دفاع از خود در مقابل تجاوزگری اسرائیل است.

چرا جنگ

جنگ رویدادی پلید و زشت است. جنگ، موجب کشته شدن انسان‌های بی‌گناه می‌شود. بنابر این باید از هرگونه جنگی بپرهیزیم و تنها برای صلح و آشتی تلاش نماییم.

الف) جنگ بر دو نوع متجاوزانه و جنگ دفاعی تقسیم می‌شود. جنگ متجاوزانه آن است که گروهی از انسان‌ها، با انگیزه‌هایی نامشروع (از لحاظ عقل و دین)، برای رسیدن به اهدافی نامشروع، به سرزمین یا منافع مادی و معنوی گروهی دیگر از انسان‌ها هجوم ببرند و با روش‌هایی خشونت‌آمیز از قبیل کشتن، مجروح کردن، ویران کردن و به اسارت گرفتن، گروه دوم را به پذیرش خواسته‌های خود مجبور سازند. چنین جنگی نه تنها برخلاف حکم عقل و فطرت انسان است بلکه از لحاظ اخلاقی و عاطفی هم بسیار زشت و پلید است. اما اگر گروه دوم، یعنی گروهی که به سرزمین یا منافع آنان حمله شده، به پا خیزند و با کشتن، مجروح کردن، ویران کردن و به اسارت گرفتن گروه اول، از خودشان و منافع‌شان دفاع کنند و دشمنان‌شان را به عقب برانند، چنین جنگی نه تنها زشت و پلید نیست، بلکه

بسیار زیبا و مطابق با حکم عقل و وجدان انسانی است. عقل و عقلا کسانی را که در برابر دشمنان متجاوز، سستی و کوتاهی کنند و با وجود توانایی برای دفع تجاوز دشمن، از خود دفاع نکنند تا دشمن بر آنان مسلط شده و حیات و منافع شان را از بین ببرد، نکوهش می‌کند. بسیاری از زیبایی‌های انسانی، مانند شجاعت، سلحشوری، ظلم‌ستیزی، جوانمردی، غیرت، پایداری، وفاداری، فداکاری، تنها در عرصه جنگ دفاعی ظهور و بروز می‌کند یا دست کم در هنگام دفاع از سرزمین، ظهور برجسته‌تری می‌یابد.

ب) اگرچه معمولاً جنگ تجاوزکارانه قاعده خاصی ندارد و دشمن متجاوز هر نوع رنج و دردی علیه دشمن خود روا می‌دارد، اما از نظر عقل، شرع و عقلا، جنگ دفاعی دارای قواعدی است که رعایت آن لازم و ضروری است. مثلاً در جنگ دفاعی، مدافعان نباید به زنان، کودکان، دیوانگان، سالمندان و بیماران که در تجاوز دشمن نقشی نداشته‌اند، آسیبی برسانند. همچنین آلوده کردن آب‌های دشمنان، قطع درختان و از بین بردن مزارع و حیوانات ممنوع است.

ج) هرچند در هنگامه جنگ دفاعی، رفتارهایی مانند کشتن و زخمی کردن دشمن وجود دارد، که با برخی از عواطف انسان سازگار نیست، اما در همان زمان، عواطفی مانند خشم، نفرت، خصومت و زیبایی‌هایی مانند عزت‌طلبی، غیرت‌ورزی، فداکاری و وفاداری هم وجود دارد، که نه تنها با طبع انسان سازگار است، بلکه سرشار از خیر و سود برای بشریت است. در جنگ دفاعی، سختی‌ها و مشقت‌هایی وجود دارد، که طبع راحتی طلب انسان آن را دوست ندارد و برای همین مایل است از جنگ اجتناب کند، اما اجتناب از مشقت‌ها و رنج‌های جنگ دفاعی، موجب گرفتار شدن انسان به

مشقت‌ها و سختی‌هایی بس بزرگ‌تر و رنج‌آورتر مانند خواری، فقر، اسارت، احساس گناه، خودسرزنی و سرزنش شدن توسط دیگر انسان‌ها است. خداوند متعال در تبیین این حقیقت، می‌فرماید: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۱: جنگ [با دشمن] بر شما مقرر و لازم شده، و حال آنکه برایتان ناخوشایند است و بسا چیزی را خوش ندارید و آن برای شما خیر است و بسا چیزی را دوست دارید و آن برای شما زیان‌بار است؛ و خدا [مصلحت شما را در همه امور] می‌داند و شما {منافع و مصالح خودتان را به کمال} نمی‌دانید».

«افراد سطحی که تنها ضرب و جرح و مشکلات جهاد را می‌نگرند، ممکن است آن را ناخوش داشته باشند، ولی افراد دورنگر که می‌دانند شرف، عظمت، افتخار و آزادی انسان در ایثار و جهاد است، یقیناً با آغوش باز از آن استقبال می‌کنند؛ همانگونه که افراد ناآگاه از داروهای تلخ و بدطعم، بر اثر سطحی‌نگری متفردند، اما هنگامی که بیندیشند که سلامت و نجات آنها در آن است، آن را با جان و دل‌پذیرا می‌شوند»^۲.

د) حفظ دین، ارزش‌های الهی و مراکز عبادت هم در گرو جنگ دفاعی است. اگر مسلمانان در برابر تجاوز مشرکان در صدر اسلام نمی‌ایستادند، چیزی از اسلام و ارزش‌های الهی باقی نمی‌ماند و اسلام به دست ما می‌رسید: «اذن للذين يقاتلون بانهم ظلموا وان الله على نصرهم لقدير، الذين

۱. بقره: ۲۱۶.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۳۳-۱۳۲.

اخرجوا من ديارهم بغير حق الا ان يقولوا ربنا الله و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بيع و صلوات و مساجد يذكر فيها اسم الله كثيراً و لينصرن الله من ينصره ان الله لقوى عزيز^۱:^۱ به آنان که جنگ بر ایشان تحمیل شده، اجازه جهاد داده شد. چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند و خدا بر نصرت آنها توانا است؛ همانان که به ناحق از خانه و کاشانه خود، به ناحق، اخراج شدند؛ جز آنکه می‌گفتند: پروردگار ما الله است. و اگر خداوند بعضی از آنان (دشمنان متجاوز) را بوسیله بعضی دیگر (مدافعان وطن و دین) دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها و معابد یهود و نصارا و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد و خداوند کسانی را که او را یاری کنند (و از آئینش دفاع نمایند) یاری می‌کند. به یقین خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.»

بر اساس این آیات شریفه، مقابله با دشمن مهاجم و ستمگر، حق مشروع ستم‌دیدگان است و اگر در برابر دشمنان دین، مقاومت و ایستادگی صورت نمی‌گرفت، مراکز عبادت، که نمادهای دین و دینداری است، از بین می‌رفت و بشر از نعمت رشد و تعالی معنوی و وجودی محروم می‌شد. با چنین نگاهی به جهاد و جنگ دفاعی است که امیر المؤمنین علیه السلام، جهاد را مایه عزت اسلام معرفی می‌کند.^۲

۱. سوره حج، آیه ۴۰-۳۹

۲. «و الجِهَادُ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲)

خدا کجاست

مگر شما نمی‌گویید خدا با حق و حق طلبان است؟! پس چرا این قدر مسلمان از فلسطین و دیگر کشورهای مسلمان، از جمله ایران خودمان، به دست دشمنان شهید شده‌اند، اما خداوند به ما کمکی نمی‌کند؟

الف) خداوند متعال در قرآن کریم وعده کرده که حق و دین حق را یاری کند و وعده الهی، تخلف‌ناپذیر است. خداوند در همه لحظات در حال یاری اهل حق و خذلان اهل باطل است و این سنت جاری خدا در هستی است. آنچه باید رخ دهد، یاری خدا نیست، زیرا یاری خدا ازلی و ابدی است، بلکه قرار دادن خود در مسیر نصرت الهی است. همه اجزاء عالم در هر لحظه‌ای در جهت تحقق وعده‌های الهی در حال همکاری‌اند و این ما هستیم که باید خود را با سنت‌های عالم، همراه و سازگار کنیم تا نصرت الهی شامل حال‌مان شود: «ان الله يدافع عن الذين امنوا ان الله لا يوجب كل خوان كفور»: خداوند همواره در حال دفاع از اهل ایمان است. خداوند هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد (یعنی به خائن‌ان و ناسپاسان کمکی

نمی‌کند).^۱

ب) یکی از شروط یاری شدن از سوی خداوند آن است که ما هم در حال یاری خداوند باشیم. یعنی تا زمانی که در حال یاری کردن دین خدا و ارزش‌های الهی باشیم، از سوی خداوند، تأیید و حمایت می‌شویم و وقتی از یاری خداوند، دست برداشتیم، یاری خداوند نیز از ما برداشته می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»^۲ ای مؤمنان! اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری می‌کند و گام‌هاتان را محکم و استوار می‌سازد.

یاری کردن خداوند به معنای آن است که انگیزه‌ها، اهداف، روش‌ها، برنامه‌ها و تاکتیک‌هایی که در امور گوناگون زندگی بکار می‌بریم، منطبق بر سنت‌های خداوند و برای تحقق مشیت و اراده الهی باشد. به هر اندازه که خدا را یاری کنیم، به همان اندازه، بلکه ده‌ها و هزارها برابر، از سوی خداوند یاری می‌شویم. یاری کردن خداوند به این نیست که خداوند بجای ما کاری را انجام دهد یا با ما در انجام کاری شریک شود یا فرشتگانی را بفرستد تا کارها را بجای ما انجام دهند یا (جز در موارد استثنایی) بصورت معجزه آسا کاری را محقق کند، بلکه به این است که با تقویت روحیه و ثبات قدم، ما در جهت رسیدن به اهداف‌مان کمک می‌کنند. خداوند ما را آفریده است تا با اختیار، انتخاب‌گری، تلاش، پشتکار در انجام کارهایی که کمال وجودی ما را محقق می‌کند، به سعادت فردی و جمعی نائل شویم.

۱. حج: ۳۸.

۲. محمد: ۷.

بدیهی است که جنود شیطان نیز برای یاری اهل باطل دست در کارند و به اهل باطل، در انجام کارهایی (موانع تحقق مشیت الهی) که به خشنودی شیطان می‌انجامد، مدد می‌رسانند. جنگ میان جنود الله و جنود شیطان تا پایان دوران زندگی بشر بر روی کره زمین ادامه دارد؛ در ظاهر، گاهی جنود باطل بر جنود حق، غلبه می‌کنند و گاهی جنود حق بر جنود باطل، چیره می‌شوند، اما پیروزی نهایی با جنود الله است: «... و العاقبه للثقوی».^۱

ج) نباید تصور کنیم که در راه مبارزه با ظالمان و کافران، فقط ما گرفتار رنج و سختی می‌شویم و دشمنان در آسودگی هستند؛ به یقین این چنین نیست. دشمنان نیز همچون ما به رنج و سختی گرفتار می‌شوند. تفاوت ما با دشمنان حق آن است که دشمنان، به لطف و رحمت خداوند، امیدوار نیستند، اما اهل جبهه حق، به پاداش الهی امیدواراند: «وَلَا تَهْنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلُمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلُمُونَ كَمَا تَأْلُمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ ...».^۲ و در تعقیب و جستجوی دشمن، سستی نکنید. اگر شما [در رویارویی با دشمن] درد و رنج می‌بینید، آنان نیز چون شما، درد و رنج می‌بینند، و شما چیزی را [چون پیروزی و پاداش] از خداوند امید دارید که آنان به آن امیدی ندارند ... بنابراین اگرچه دشمنان به ما ضربه می‌زنند، ولی ما نیز به آنان ضربه می‌زنیم، لیکن ما در دل‌هامان به این خشنود هستیم که چه در ظاهر پیروز شویم و چه شکست بخوریم، پیروزی حقیقی و نهایی از آن ما است. ما حلقه‌ای از جریان جنود خداوند در تاریخ هستیم، که با

۱. طه: ۱۳۲.

۲. نساء: ۱۰۴.

حلقه‌هایی از جنود شیطان، در مقطعی از حیات بشر بر روی زمین، در حال مبارزه‌ایم. جنگ حق و باطل از ابتدای خلقت انسان آغاز و تا پایان تاریخ ادامه خواهد داشت. اما آنچه در عالم باقی خواهد ماند، ندای حق و حقیقت است. باطل، رفتنی و حق، ماندنی است: «جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقا»: حق آمد و باطل ذلیلانه رفت؛ به یقین باطل، نابود شدنی است.^۱

(د) بر اساس آنچه از مبانی قرآن بیان شد، تحلیل وضعیت جبهه حق و باطل در زمانه ما نشانگر آن است که متأسفانه بسیاری از کشورهای مدعی اسلام و مسلمانی که خود را در جبهه حق تعریف می‌کنند، نه تنها به وظائف دینی خود در حمایت از مظلومان و مقابله با ظالمان، عمل نمی‌کنند، بلکه بر خلاف آموزه‌های صریح دینی، از روی ترس یا طمع، با دشمنان اسلام ارتباط دوستانه دارند و سلطه آنان را بر خود و ملت‌های خود پذیرفته‌اند. امروز وظیفه اهل جبهه حق در هرکجای جهان، دفاع از مردم مظلوم فلسطین و محکوم کردن صهیونیست‌های غاصب، با هروسیله ممکن است.

برپایی تظاهرات و اعلام انزجار و نفرت از صهیونیست‌ها و جنایات آنان، تحریم کالاهای آمریکایی و اسرائیلی، ایجاد ناامنی برای صهیونیست‌ها در همه جای جهان، استفاده از ظرفیت‌های قانونی بین‌المللی برای توقف جنایات اسرائیل، قطع هرگونه ارتباط سیاسی، نظامی، امنیتی و اقتصادی با رژیم اشغالگر توسط دولت‌ها، جلوگیری از ارسال کمک‌های نظامی و اطلاعاتی به آن رژیم، دادن کمک‌های مالی به مجاهدان یمنی، لبنانی،

فلسطینی و ایرانی، دادن کمک‌های بشردوستانه به مردم بی‌دفاع فلسطین، دعا و تضرع به درگاه الهی و مانند آن، مصادیقی از یاری خداوند در محقق ساختن مشیت خود در جهت رفع ظلم و بسط عدالت است. بدیهی است که نصرت الهی برای پیروزی بر دشمنان، به اندازه ای است که ما خداوند را در تحقق خوسته‌اش یاری کنیم.

امروز به برکت مقاومت مثال زدنی مردم غزه در برابر جنایات بی‌شمار صهیونیست‌ها و حمایت آزادگان عالم از آن مردم مظلوم، رژیم اسرائیل روز به روز منفورتر از همیشه در افکار عمومی جهان مسیر زوال و نابودی خود را طی می‌کند. کندی و تندی زوال و نابودی اسرادیل به کندی و تندی حمایت ما از حق و عدالت است. هرچه در این راه سریع‌تر، مصمم‌تر و قاطعانه‌تر حرکت کنیم، نابودی ظالمان، زودتر محقق خواهد شد. بنابراین نباید سستی کنیم و غم را بر خودمان چیره سازیم، باید باور کنیم که اگر مؤمنانه حرکت کنیم، برتری با ما است: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۱ و [در انجام فرمان‌های حق و در جهاد با دشمنان] سستی نکنید و [از پیش آمدها و حوادث و سختی‌هایی که به شما می‌رسد] اندوهگین نشوید، که شما اگر مؤمن باشید، برترید.

مذهب فلسطینی‌ها

برخی از افراد می‌گویند موضوع فلسطین به ما ربطی ندارد. فلسطینی‌ها سنی و دشمن اهل بیت علیهم السلام هستند و هر بلایی بر سرشان می‌آید، نباید برای ما مهم باشد.

الف) رژیم کودک کش صهیونیستی برای موفقیت خود و پیروزی بر مسلمانان از روش‌های گوناگونی استفاده می‌کند. یکی از روش‌های آنان انتشار شبهاتی است که موجب بدبینی مردم ایران به مردم فلسطین و بالعکس می‌شود. آنان در میان مردم ایران، این شبهه را ترویج می‌دهد که «مردم فلسطین، ناصبی و دشمن اهل بیت علیهم السلام هستند» تا مردم ایران از یاری فلسطینیان دست بردارند و در میان مردم فلسطین و دیگر کشورهای اسلامی، شبهه می‌کنند که «ایران از مردم فلسطین بعنوان ابزاری برای رسیدن به جاه طلبی‌های سیاسی و تسلط بر منطقه سؤاستفاده می‌کند» تا مردم فلسطین و اهل سنت منطقه را نسبت به ملت ایران، بدبین و متفر سازند. در هر حالی نتیجه پذیرش و تأثیر اینگونه شبهات، قطع ارتباط ایران و موضوع فلسطین و کاملاً به سود اسرائیل و زیان جهان اسلام است.

ب) اکثر قریب به اتفاق مردم فلسطین و اهالی غزه، سنی مذهب هستند؛ لیکن بیش تر آنان دوستار اهل بیت علیهم السلام اند. ممکن است در بین آنان اقلیتی از نواصب هم وجود داشته باشند، اما اکثریت قاطع آنان از سنیان معتدل و نزدیک به تشیع هستند. بیش از نیمی از مردم مظلوم فلسطین را کودکانی تشکیل می دهند که درکی از سنی و شیعه بودن ندارند و ما بحکم امر دین و وجدان انسانی، در قبال این کودکان مظلوم وظیفه داریم.

ج) اسلام به ما فرمان داده که به کمک و حمایت مظلومان، چه مسلمان و چه غیر مسلمان، چه کافر و چه مؤمن، در هرکجای عالم که باشند، بشتابیم و در یاری آنان کوتاهی نکنیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من سمع رجلا ینادی یا للمسلمین و لم یجبه فلیس بمسلم»: مسلمانی که صدای مظلومی را بشنود و برای یاری او، به اندازه ای که توان دارد، نکوشد، در حقیقت، مسلمان نیست.

زمین فلسطین

برخی می‌گویند فلسطینی‌ها خودشان زمین‌هاشان را به یهودیان فروختند. پس مقصر این بدبختی‌ها و رنج‌ها خودشان هستند و ما برای آنان نمی‌توانیم کاری انجام دهیم.

الف) این سخن، یکی از همان شبهاتی است که صهیونیست‌های پلید برای محکوم کردن مبارزات مردم فلسطین علیه اشغالگری و کاستن از حمایت‌های جهانی از آنان، ساخته و منتشر کرده‌اند. واقعیت آن است که از دیرباز بخش بزرگی از مردم فلسطین، کشاورز بوده‌اند و شماری از آنان برای ملاکان بزرگی، که عمدتاً در خارج از فلسطین ساکن بوده‌اند، کار می‌کرده‌اند. زمانی که صهیونیست‌ها برای تصاحب حاکمیت فلسطین نقشه‌ها می‌کشیدند و فعالیت‌های پنهانی مختلفی را در سراسر جهان انجام می‌دادند، برخی از این ملاکان را با تطمیع یا تهدید، به فروختن زمین‌های خود وادار کردند. صهیونیست‌ها، زمین‌ها را می‌خریدند و کارگران فلسطینی را از آن اخراج می‌کردند. پس از خرید برخی از زمین‌های کشاورزی بزرگ و اخراج کارگران فلسطینی، کم‌کم با حمله به منازل آنان، شکنجه، و ایجاد رعب،

وحشت و ناامنی، آنان را از خانه‌هایشان نیز اخراج و آواره کردند. همزمان آژانس بین‌المللی یهود در سراسر جهان در جستجو، ساماندهی و تشویق یهودیان برای مهاجرت به فلسطین بود. تا در یکی از روزهای سال ۱۹۴۸ که فلسطینیان آن روز را یوم النکبه (روز نکبت) می‌نامند، یهودیان مهاجر با قتل عام بسیاری از فلسطینیان ساکن در اردوگاه‌های صبرا و شتیلا، نطفه حرام رژیم اسرائیل را در سرزمین فلسطین جای دادند. بنابراین قسمت اعظم سرزمین فلسطین، از طریق غصب و تصرف عدوانی و با روش کشتار، شکنجه، ایجاد وحشت و ناامنی و آواره کردن ساکنان اصلی آن تصرف شده است.

برفرض آنکه فلسطینی‌ها قطعاتی از زمین‌های خود را به یهودیان فروخته باشند، واگذاری زمین، مستلزم واگذاری حاکمیت سیاسی نیست. حاکمیت سیاسی، قابل واگذاری به بیگانگان نیست، تا مردم فلسطین آن را به صهیونیست‌ها واگذار کرده باشند. حاکمیت سیاسی، از حقوق طبیعی و عقلانی ساکنان اصلی و اصیل یک سرزمین است. مهاجرانی که از جاهای دیگر، به سرزمینی وارد می‌شوند، حتی اگر در آن سرزمین، زمین‌هایی را خریداری کنند و مالک برخی از امکانات شوند، حق حاکمیت سیاسی پیدا نمی‌کنند، مگر آنکه حاکمیت سیاسی مستقر در آن سرزمین، به آنان حق تابعیت سیاسی اعطا کند و شهروند آن کشور محسوب شوند تا بتوانند از طریق مشروع، در نظم سیاسی آن سرزمین مشارکت کنند.

وانگهی مسأله فلسطین، امروز دیگر مسأله‌ای محدود به اختلاف میان صهیونیست‌ها و فلسطینیان نیست. مسأله فلسطین امروز، مهم‌ترین مسأله جهان اسلام و کشورهای منطقه غرب آسیا است. اکنون دیگر برای همه

ملت‌ها و دولت‌های منطقه روشن شده که ایجاد رژیم صهیونیستی توسط آمریکا و انگلیس در قلب خاورمیانه، صرفاً اشغال یک سرزمین کوچک نبوده است. هدف قدرت‌های استکباری از ایجاد اسرائیل، تسلط بر منطقه غرب آسیا است؛ منطقه‌ای که سرشار از ذخائر انرژی و معدنی است. امروز برای همه واضح است که رژیم اسرائیل، هرگز به اشغال منطقه فلسطین بسنده نکرده و به دنبال بسط هژمونی و سیطره خود بر تمام منطقه است. رژیم صهیونیستی، رژیمی کاملاً ایدئولوژیک و مبتنی بر آرمان‌های آخر زمانی یهودیان حریدی تندرو و سرمایه‌داری جهانی است. نظام سرمایه‌داری جهانی به دنبال تسلط خود بر منابع انرژی، کارگران ارزان و بازارهای منطقه برای فروش محصولات خود است. بنابراین هرگونه سستی و کاهلی کشورهای منطقه در مقابله با توسعه‌طلبی و تجاوزات رژیم اشغالگر قدس، گام‌های آن رژیم سفاک را برای تجاوز به حریم دیگر کشورها و تسلط بر حاکمیت سیاسی و منافع و امنیت آنان تسهیل می‌کند.

جنگ آخرالزمانی

آیا می‌توان گفت که جنگ کنونی میان اسرائیل و ایران، جزء علائم ظهور امام زمان است؟

الف) در آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام، به برخی از اتفاقات و حوادث آخر زمان و مقطع پیش از ظهور حضرت حجت سلام الله علیه اشاره شده است. این روایات، اگر چه گاهی با اشاره به بعضی از نشانه‌های عینی و قابل تطبیق بر حوادث کنونی همراه است، اما تطبیق قطعی نشانه‌های مطرح شده بر رویدادهای در حال وقوع در منطقه، کاری دشوار و حساس است.

آنچه قطعی به نظر می‌رسد، نابودی رژیم اسرائیل پیش از ظهور حضرت ولیعصر عجل الله فرجه الشریف است. خداوند متعال درباره آینده قوم بنی اسرائیل و اقدامات شرورانه آنان در منطقه فلسطین می‌فرماید: «وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَآئِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا *

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا^۱: و در کتاب آسمانی [شان (تورات)] به فرزندان اسرائیل خبر دادیم که قطعا دو بار در زمین فساد خواهید کرد و قطعا به سرکشی بسیار بزرگی برخواید خاست. پس آنگاه که وعده [تحقق] نخستین آن دو فرا رسد، بندگانی از خود را که سخت نیرومندند بر شما می‌گماریم تا میان خانه‌ها [یتان برای قتل و غارت شما] به جستجو درآیند و این تهدید تحقق‌یافتنی است.» در روایت امام صادق علیه السلام آمده است که حضرت این قطعه از آیه شریفه (فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ ...) را تلاوت فرمود. راوی از حضرت سؤال کرد که بندگان که بر یهودیان چیره می‌شوند چه کسانی هستند؟ حضرت سه بار فرمود: «به خدا سوگند آنان مردم قم هستند!»^۲

البته نمی‌توان با قاطعیت ادعا کرد که مقصود امام صادق علیه السلام از اهل قم در این روایت، اهالی کنونی قم و توابع آن، یعنی تهران، هستند، اما آنچه بصورت قطعی می‌توان گفت آن است که ان شاء الله شکست و سرنگونی رژیم پلید اسرائیل، به دست ایرانیان رقم خواهد خورد.

۱. اسراء: ۵-۴.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶. رَوَى بَعْضُ أَصْحَابِنَا قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَالِسًا إِذْ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا، فَقُلْنَا جُعِلْنَا فِدَاكَ مَنْ هَؤُلَاءِ فَقَالَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ هُمْ وَاللَّهِ أَهْلُ قُمْ.

اسلام و ایران

اسلام، ایران رو نابود کرد؟

۱. اسلام نه تنها ایران را نابود نکرد، بلکه اسلام باعث شکوفایی ایران شد. درست است که ایران دارای تمدن بسیار کهنی بوده و در هنگام ظهور اسلام یکی از دو قدرت بزرگ آن زمان محسوب می شده است، اما با ورود اسلام و پذیرش ایرانیان، این تمدن با شکوفایی چشم گیری همراه شد و شاهد ظهور دانشمندان برجسته ای بودیم که نقش مهمی در پیشرفت علم و فرهنگ ایفا کردند. دانشمندان نامداری همچون ابن سینا، فارابی، خوارزمی، محمد بن زکریا رازی، خواجه نصیرالدین طوسی، ابوریحان بیرونی، ابن هیثم، جابر بن حیان و... شاعران برجسته ای مانند فردوسی، عطار، خیام، مولوی، حافظ و سعدی و...

به عنوان نمونه مرکز علمی جندی شاپور قبل از اسلام استادان و دانشجویان فراوان و مبرزی داشته که در زمینه های گوناگون علمی مشغول به تحقیق و تعلیم و تعلم بودند. این تلاش و کوشش بسیار دانشمندان و دانشجویان در فضای ارزشمند اسلامی بسیار قوت گرفت.

تعداد پزشکان درجه اول تاریخ پزشکی در زمان حاکمیت اسلام چند ده برابر بیشتر از قبل از اسلام بود. همانند محمد بن زکریای رازی، ابن سینا، ابو ماهر شیرازی، ابوالحسن طبری، علی بن عباس اهوازی، ابن مندویه اصفهانی، سید اسماعیل جرجانی، ابن ابی صادق نيسابوری، ابن الیاس شیرازی، ابن نفیس دمشقی و ابوالقاسم زهراوی یکی از بزرگ ترین جراحان تاریخ پزشکی و ابن جزار قیروانی و بهاءالدوله رازی، زین العطار شیرازی، عقیلی

تعداد ریاضی دانان، منجمان و فیلسوفان قبل از اسلام قابل مقایسه با بعد از اسلام نیست. برای نمونه محمد بن موسی خوارزمی پایه گذار علم جبر و بنی موسی بن خراسانی و منجم ابوریحان بیرونی، ابوسعید سجزی، ابن هیثم بصری و ابونصر فارابی و خواجه نصیرالدین طوسی و...^۱

۲. عظمت امروز ایران با وجود همه مشکلات و کاستیها قابل انکار نیست. ایران امروز به برکت اسلام و جمهوری اسلامی به عنوان کشوری مستقل، مقتدر و پیشرفته شناخته می شود و در حوزههای مختلف علمی و فناوریهای نوین با وجود همه تحریم ها و فشارها در میان چندین کشور برجسته دارنده این فناوریها در جهان محسوب می گردد. اگر کشور ما دارای این اقتدار نبود، نیازی به این همه صرف هزینه از سوی دشمنان و به کار گرفتن تمامی تلاش خود برای مقابله با آن نبود.

1. <https://sccr.ir/News/24576/1/>

اقتصاد یا جنگ

آیا زمانی که مشکلات اقتصادی کشور هنوز حل نشده، نیاز به ایجاد مسئله نظامی و شرایط جنگی هست یا باید اول اقتصاد را قوی کنیم؟

۱. ما شرایط جنگی را ایجاد نکردیم، این اسرائیل است که به کشور ما در حین مذاکرات حمله کرده است، کشور ما تمامی تلاش خود را انجام داد که از طریق دیپلماسی و باز گذاشتن گفت و گو با وجود تجربه نزدیک برجام و بدعهدی و خروج آمریکا از آن، موضوع فعالیت های هسته ای کشورمان حل و فصل شود، اما با زیاده خواهی آمریکا بر حق نداشتن غنی سازی در خاک کشورمان و تهدید و فشار مواجه شد و در این حین با حمله رژیم صهیونیستی روبرو شد. رژیمی که خود دارای سلاح هسته ای بوده و عضو آژانس اتمی نیست، به خود اجازه داد که به بهانه مقابله با برنامه هسته ای کشورمان و جلوگیری از دستیابی به سلاح هسته ای به کشورمان حمله کند، آن هم تأسیسات هسته ایی که طبق قانون باید از هرگونه حمله ای در امان باشد و در همان آغاز حمله با ترور فرماندهان عالی رتبه نظامی و دانشمندان

هسته ای و برخی از مردم عادی نشان داد، مسأله فعالیت های هسته ای کشورمان نبوده و این رژیم از دفاع و حمایت کشورمان از محور مقاومت و حق مشروع مردم غزه عصبانی است و عامل ناکامی خود در مقابله با حماس و شکستن مقاومت مردم غزه و حملات مردم شجاع یمن را کشورما می داند و در یک اقدام انتحاری تنها راه گریز را حمله به کشورمان یافته است، اقدامی حماقت آمیز و خطای محاسبه ای که او را در حملات کوبنده و خسارت های فراوان آن گرفتار خواهد کرده و بیچاره خواهد نمود.

۲. دوگانه اقتصاد و معیشت و امنیت و توان نظامی و مقابله با تهدیدات، نگاه نادرستی است. اگر امنیت و اقتدار نظامی نباشد، اقتصاد و معیشت نیز دچار اختلال خواهد شد. همانگونه که توجه به اقتصاد و رسیدگی به مشکلات اقتصادی و معیشتی لازم است، مقابله با تهدیدات و تجاوزات دشمن نیز ضرورتی غیر قابل انکار دارد و این دو مکمل هم هستند.

اقتصاد در شرایط جنگ

در صورت طولانی شدن جنگ توصیه های اقتصادی و تبیین شرایط جنگی بسیار برای مردم سوال است؛ آیا این تنش ها بر قیمت ها و وضعیت معیشت مردم تأثیر می گذارد؟ دولت برای کنترل تورم و بحران های احتمالی چه برنامه ای دارد؟

۱. وظیفه دولت در شرایط جنگی، آرام نمودن وضعیت اقتصادی و اطمینان بخشی به مردم نسبت به تأمین نیازهای ضروری آنها و کنترل بازار است. در حقیقت اقدامات دولت در زمینه اقتصادی مکمل اقدامات نیروهای نظامی و حملات آنان است. اگر وضعیت بازار دچار آشفتگی شود و توزیع کالاها و اجناس مصرفی و مورد نیاز مردم دچار اختلال شود، همانگونه که مسئولان دولتی مختلف نسبت به ذخیره مناسب کالاهای اساسی و تأمین نیازهای مردم اطمینان داده اند.

التهاب ها و افزایش تنش ها ممکن است بر قیمت ها تأثیر بگذارد که مسئولان دولتی باید پیش بینی های لازم را در این زمینه انجام دهند و با مدیریت بازار اجازه سوء استفاده را ندهند.

دستگاه های نظارتی باید نظارت های خود را بیشتر نموده و با متخلفان

برخورد مناسب انجام دهند و دستگاه قضایی نیز با محترکان و گران فروشان و برهم زندگان نظم عمومی و... برخورد قاطع داشته باشد.

۲. دولت باید تدابیر لازم را برای احتمال طولانی شدن جنگ و شرایط مختلف داشته باشد و کنترل لازم بازار را بر عهده داشته باشد و شرایط را به صورت شایسته مدیریت نماید. تا مردم عزیزمان از این جهت نگرانی و اضطرابی نداشته باشند.

۳. وارد آمدن خسارت های جانی و مالی در جنگ ناگزیر است، نباید نگرانی بیش از حد بر افراد غلبه پیدا کند. ضمن رعایت دستور العمل های امنیتی و حفاظتی و ایمنی، خودتان و اموال خود را به خداوند بسپارید و برای سلامتی خودتان و همه هموطنانمان دعا و توسل داشته باشید.

مقصر جنگ

بعضی ها مصمم هستند که این جنگ تقصیر رهبری است. چرا به جای مردم تصمیم می گیرد؟

۱. این جنگ را رژیم صهیونیستی آغاز کرده و در حین مذاکرات به کشور ما حمله کرده، به جای مقصر دانستن متجاوز، رهبری را که از عزت و اقتدار کشور دفاع کرده و متجاوز را با برخورد سخت مجازات می کند، مقصر بدانیم منطقی و منصفانه نیست؟ آیا زیاده خواهی و گستاخی و شرارت خای امریکا و سگ هار آن اسراییل، تقصیر رهبری است؟ آیا رهبری باید در برابر زیاده خواهی و تحمیل خواسته های آنها تسلیم شود و از حق غنی سازی کشورمان صرف نظر کند؟ بر فرض کوتاه آمدن از این حق آیا دشمنان به همین اندازه بسنده خواهند کرد یا خواسته های دیگری را نیز مطرح خواهند کرد و پای نقش منطقه ای و حمایت از محور مقاومت و توان دفاعی کشور و... را به میان نخواهند کشید؟ آیا می توان از وان دفاعی کشور چشم پوشی کرد و با دست خود کشور را در برابر دشمنان خلع سلاح کرد؟ آیا وضعیت لیبی برای ما مایه عبرت نیست؟

رهبری چه کرده است که این جنگ تقصیر ایشان است؟ آیا زیاده خواهی داشته یا تنها به دنبال دفاع از حق فعالیت صلح آمیز هسته ای خود است؟ آیا جز اینکه از عزت و اقتدار کشور در برابر آنها دفاع کرده و حاضر به پذیرفتن زیاده خواهیهای آنان نیست؟

رهبری مقصر است چون از حق مشروع مردم فلسطین و لبنان در برابر غاصبان و جنایتکاران دفاع می کند؟ مگر نه آنکه دفاع از مظلوم وظیفه انسانی و اسلامی ماست؟

هر کسی که برای استقلال، عزت و اقتدار ایران و ایرانی اهمیت قایل باشد، از وجود چنین رهبر حکیم و هوشمندی به خود خواهد بالید.

۲. رهبری به جای مردم تصمیم نمی گیرند. دفاع از حق غنی سازی و فعالیت صلح آمیز هسته ای یک حق ملی و مطالبه عمومی است نه صرف تصمیم رهبری. حفظ استقلال و عزت و اقتدار کشور تصمیم هر ایرانی با وجدان و میهن دوستی است. ایستادگی رهبری جز برای عزت و اقتدار کشور در قبال دشمنان سلطه جو و زیاده خواه نبوده و این تصمیم و خواست عمومی است.

هم جنگ و هم مذاکره

بیشترین سوال این است که مقام معظم رهبری فرمودن نه مذاکره می کنیم و نه جنگ می شود و هر دو اتفاق افتاد؟

اینکه رهبری فرمودند نه مذاکره می کنیم نه جنگ مربوط به سال ۹۷ است که در آن مقطع آمریکا با تهدید به جنگ و فشار به دنبال مذاکره بود و برخی جریان های سیاسی و افراد نیز در داخل ترس از جنگ و برداشته شدن سایه جنگ را دلیل بر لزوم مذاکره با آمریکا می دانستند. رهبری مذاکره در زیر فشار و تهدید را نپذیرفته و آن را بر خلاف عزت و عقلانیت دانسته و با توجه به شرایط، وقوع جنگ از سوی آمریکا را محتمل نمی دانستند که این چنین هم شد و این تهدیدها و فشارها برای کشاندن کشورمان پشت میز مذاکره و تحمیل خواسته های خود بر کشورمان بود.

در جریان مذاکرات اخیر نیز که پس از روی کار آمدن ترامپ دنبال شد، ایشان با توجه به فشارها و تهدیدهای وی، مذاکره تحت فشار و تهدید را به معنای تحمیل خواسته های طرف مقابل دانسته و آن را غیر عقلانی، غیر عزتمندانه و غیر شرافتمندانه خواندند و مسئولان نیز بر نپذیرفتن مذاکره با

این شرایط تأکید داشتند. اما با عقب نشینی ترامپ و تغییر لحن تحکم آمیز وی، به منظور اثبات صداقت و شفافیت و گرفتن بهانه و باز گذاشتن باب دیپلماسی و گفت و گو، با مذاکرات غیر مستقیم با شرایطی که کشورما مشخص کرد، موافقت شد و رهبری نیز با آن مخالفتی نداشتند هر چند نسبت به نتیجه آن خوشبین نبودند و حمله این رژیم در میانه مذاکرات ثابت کرد که این مذاکرات پوششی برای فریب کشورمان بوده است و بار دیگر فریبکاری آمریکا و غیر قابل اعتماد بودن این کشور ثابت شد.

مردم و تصمیمات سیاسی

چرا مردم عادی باید قربانی تصمیمات سیاسی شوند؟

مردم عادی ما قربانی تصمیمات سیاسی نیستند، قربانی رژیم جنایتکار و ارباب آن هستند که با زیاده خواهی به دنبال تحمیل خواسته های خود بر کشور ما هستند. تصمیم بر داشتن حق فعالیت های صلح آمیز هسته ای یک تصمیم سیاسی نیست، یک ضرورت و نیاز برای کشور است. اگر از این حق چشم پوشی کنیم، فردا باید برای تأمین نیازهای داخلی کشور به کشورهای دیگر التماس کنیم. علاوه بر آنکه این حق تنها مربوط به نسل های آینده کشور است و آنها کسانی را که از چنین حقی آنان را محروم نمایند، نخواهند بخشید.

بهانه دیگر دشمنان برای دشمنی و مقابله با کشور ما حمایت ما از فلسطین و لبنان و محور مقاومت است، این تصمیم نیز صرفاً یک تصمیم سیاسی نبوده، بلکه برآمده از مسئولیت انسانی و اسلامی ما و در راستای منافع ملی و حفظ امنیت کشور و متوقف کردن این رژیم متجاوز در سرزمین های اشغالی است که اگر این چنین نبود، باید بسیار قبل تر در

کشور خودمان با هزینه به مراتب سنگین تر با این رژیم روبرو می شدیم.
ضمن آنکه مردم ما پشتیبان نظام و رهبری و مواضع کشورمان در قبال
محور مقاومت بوده و همراهی خود را در میدان های مختلف نشان داده اند.

نه غزه نه لبنان

چرا باید به خاطر فلسطین یا لبنان وارد جنگ شویم؟

سالهاست که فلسطین و لبنان در خط مقدم مقابله با رژیم صهیونیستی قرار دارند و این رژیم متجاوز را در سرزمین های اشتغالی محصور نموده اند، اگر کشور ما از محور مقاومت حمایت می کند، صرف نظر از وظیفه انسانی و اسلامی در دفاع از مظلوم، در راستای منافع ملی و حفظ امنیت کشور بوده و حملات این رژیم متجاوز به کشورمان ثابت کرد که اگر این حمایت نبود، این رژیم سالها قبل به کشور ما حمله می کرد.

کشور ما نه تنها به این دلیل، بلکه به دلیل پافشاری بر حق خود و ماهیت اسلامی و حق طلبانه و سلطه ستیزانه آن با دشمنی نظام سلطه روبرو است. بنابر این جنگ ما تنها به خاطر فلسطین و لبنان نبوده و جنگ برای کشور ما و عزت و اقتدار خود ماست.

صلح امام حسنی

امام حسن علیه السلام با توجه به شرایط جامعه آن روز، با معاویه صلح کردند. چرا رهبری با آمریکا صلح نمی‌کند؟ مگر کسانی که امام حسن با آنان صلح کردند، مانند رژیم صهیونیستی نبودند؟!

الف) صلح امام حسن علیه السلام با توجه به شرایط جامعه اسلامی آن روز انجام گرفت. خیانت فرماندهان سپاه و شخصیت‌های پرنفوذ سیاسی به امام و پیوستن آنان به سپاه معاویه و در نتیجه، خستگی، تضعیف شدن روحیه و پراکندگی مردم و سپاهیان امام علیه السلام در مقابل لشکر معاویه، باعث شد امام علیه السلام برای حفظ جان شیعیان و اهل بیت، جز آتش بس و صلح با معاویه راه دیگری نداشته باشد. اما امروز شرایط جامعه ما مانند شرایط جامعه زمان امام حسن علیه السلام نیست؛ نه فرماندهان و شخصیت‌های سیاسی پرنفوذ کشور، به رهبری و ملت خیانت کرده‌اند، نه سپاه ایران از هم پاشیده، نه مردم از نظام جدا شده‌اند و نه دشمن، دست برتر را دارد. اکنون شاهد حمایت گسترده مردم از نظام و مواضع رهبر معظم انقلاب و مطالبه پاسخ قاطع و کوبنده به رژیم اسرائیل از سوی آنان هستیم.

امروز فرماندهان شجاع و غیوری داریم که تا پای جان، پای کار نظام و کشور ایستاده‌اند و با حملات ویرانگر خود، خواب را از چشمان صهیونیست‌های متوهم و جنایتکار ربوده‌اند. فرماندهانی وفادار، فداکار و جان برکف که ستون ملت و حصن حصین کشورند.

حضرت امام خمینی با چنین شناختی از مردم ایران، در وصیت نامه الهی سیاسی خود در توصیف ملت ایران فرمودند: «من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر، بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی صلوات الله و سلامه علیهما هستند. در آن حجازی که در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله بود، {برخی از} مسلمانان نیز از ایشان اطاعت نمی‌کردند و با بهانه‌هایی به جبهه نمی‌رفتند، که خداوند تعالی در سوره «توبه» با آیاتی آنان را توبیخ فرموده و وعده عذاب داده است. آن قدر به ایشان دروغ بستند که به حسب نقل، در منبر به آنان نفرین فرمود. آن اهل عراق و کوفه که با امیرالمؤمنین آن قدر بدرفتاری کردند و از اطاعتش سر باز زدند که شکایات آن حضرت از آنان در کتب نقل و تاریخ معروف است. آن مسلمانان عراق و کوفه که با سیدالشهدا علیه السلام آن شد که شد؛ آنان که در شهادت، دست آلوده نکردند، یا گریختند از معرکه و یا نشستند تا آن جنایت تاریخ واقع شد. اما امروز می‌بینیم که ملت ایران از قوای مسلح نظامی و انتظامی و سپاه و بسیج تا قوای مردمی از عشایر و داوطلبان و از قوای در جبهه‌ها و مردم پشت جبهه‌ها، با کمال شوق و اشتیاق چه فداکاری‌ها می‌کنند و چه حماسه‌ها می‌آفرینند. می‌بینیم که مردم محترم سراسر کشور چه کمک‌های ارزنده‌ای می‌کنند. می‌بینیم که بازماندگان شهدا و

آسیب دیدگان جنگ و متعلقان آنان با چهره‌های حماسه‌آفرین و گفتار و کرداری مشتاقانه و اطمینان‌بخش با ما و شما روبه رو می‌شوند. این‌ها همه از عشق و علاقه و ایمان سرشار آنان است به خداوند متعال و اسلام و حیات جاویدان. در صورتی که نه در محضر مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستند و نه در محضر امام معصوم صلوات الله علیه. انگیزه آنان ایمان و اطمینان به غیب است. این رمز موفقیت و پیروزی در ابعاد مختلف است. اسلام باید افتخار کند که چنین فرزندانی تربیت نموده و ما همه مفتخریم که در چنین عصری و در پیشگاه چنین ملتی هستیم.»

ب) صلح امام حسن علیه السلام با هدف حفظ اسلام انجام گرفت. امام با صلح خود اسلام و باقی مانده شیعیان و اهل بیت را از تهدید نابودی، حفظ کرد و چهره منافقانه و عهدشکن معاویه را برای جامعه اسلامی آشکار ساخت. البته مقام معظم رهبری، هم در دولت اصلاحات، هم در دولت تدبیر و امید و هم در دولت کنونی، برای اتمام حجت با کسانی که همواره تصور می‌کنند که مشکل ما با غرب، عدم اطمینان آنان از صلح آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران است و می‌توان از طریق مذاکره و گفتگو با آنان، به راه حلی عادلانه و عزتمندانه دست یافت، اجازه دادند که مذاکره و توافق کنند. متأسفانه در دولت اصلاحات، توافق سعدآباد و در دولت تدبیر و امید، توافق برجام، صورت گرفت اما غربی‌ها به هیچکدام از توافقی‌های خود عمل نکردند و به مفاد توافق نامه‌ها خیانت کردند و حقوق ملت ایران را پایمال نمودند. در دولت کنونی نیز باز برخی از سیاستمداران و مردم گمان کردند که مشکل، مذاکره کنندگان پیشین بوده‌اند و اینان می‌توانند با شیطان بزرگ، مذاکره و توافق کنند، اما دیدیم که آمریکا و اسرائیل، مذاکره را پوششی برای

خیانت و غافلگیری قرار دادند و در اوج مذاکراتی، که سیاستمداران دولتی و بخشی از مردم را در توهم رسیدن به توافق، به خواب فرو برده بود، به کشور عزیزمان حمله کردند و ناجوانمردانه، فرماندهان عالیرتبه، دانشمندان هسته‌ای و شماری از مردم غیرنظامی را به خاک و خون کشیده و به بسیاری از مراکز نظامی، علمی و اقتصادی ما آسیب زده‌اند.

ج) بحمدالله امروز جمهوری اسلامی از اقتدار لازم برای مقابله با تهدیدها و خطرات رژیم جنایتکار صهیونیستی و اربابش آمریکای زورگو برخوردار است. امروز اگر برخی از سیاستمداران نابخرد و نادان و رسانه‌های دشمن، اذهان برخی از مردم را منحرف نکنند، دشمنان ملت ایران در موضع ضعف قرار دارند و جز پذیرش صلح عادلانه، پذیرش حقوق ملت ایران و پذیرش جمهوری اسلامی، بعنوان قدرتی منطقه‌ای، چاره‌ای ندارند.

د) نکته دیگری که در مقایسه شرایط دوران امام حسن و دوران خودمان باید به آن توجه کنیم، چگونگی صلح امام حسن در آن دوران و شرایطی است که ما امروز با آن مواجه هستیم. صلح امام حسن، صلحی شرافتمندانه بود. معاویه، دستکم در ظاهر، با همه شروط پیشنهادی امام حسن موافقت کرد و پذیرفت که حقوق شیعیان را تمام و کمال ادا کند و پس از خودش، کسی را جانشین خود نکند و پس از مرگش، حکومت به امام حسن برسد، اما امروز می‌بینیم که آمریکای جنایتکار و اروپای منافق، به چیزی کمتر از نابودی حقوق ملت ایران در داشتن فن‌آوری صلح‌آمیز هسته‌ای، برنامه دفاعی موشکی و بسیاری از فنون و دانش‌هایی که توسط دانشمندانمان به دست آمده، راضی نمی‌شوند. پذیرش خواسته‌های غربی‌ها، جز نابودی ملت و کشور ایران و از بین رفتن همه توانمندی‌های انسانی و مادی ما نتیجه‌ای

نخواهد داشت.

امروز دوران صلح حسنی، نیست؛ امروز دروان حماسه حسینی است. یا با مقاومت، صلابت و استقامت، حقوق خودمان را تثبیت و دشمن را عقب می‌نشانیم و یا با افتخار و عزت به شهادت می‌رسیم. در حال حاضر هرگونه عقب‌نشینی در مقابل غرب، به سرکردگی آمریکا و شرارت اسرائیل، بمعنای نابودی تمدن ایران است.

دخالت در امور فلسطین

برخی می‌گویند دخالت ایران در امور کشورهای دیگری مانند فلسطین، لبنان و سوریه باعث شده که اسرائیل به ما حمله کند. آیا این، تحلیل درستی است؟

الف) حمایت ایران از کشورهای لبنان، فلسطین و سوریه (در دروان بشار اسد)، مبتنی بر قواعد حقوقی بین‌المللی و از خاستگاه وظیفه انسانی و اسلامی بوده است. حضور نیروهای مستشاری و حمایت مادی و معنوی جمهوری اسلامی از هیچ ملت و دولتی، بدون درخواست و رضایت آنان نبوده و نیست. جمهوری اسلامی در همه این کشورها با دعوت و رضایت آنان و برای حمایت و دفاع از آنان در برابر ظلم و تجاوز اسرائیل و گروه‌های تکفیری حاضر شده است.

حمایت ایران از فلسطین و مردم لبنان، در واقع، حمایت از مظلوم در برابر ظالم و متجاوز بوده است. ما بر اساس وظیفه انسانی و اسلامی به حمایت مردمان مظلوم آن کشورها پرداخته‌ایم. عدم احساس مسئولیت در برابر رنج‌های مردم فلسطین و لبنان، یعنی چشم برهم نهادن بر غصب،

تجاوز، کشتار و جنایات رژیم جنایتکار اسرائیل. کدام وجدان انسانی و فطرت آزاده و کدام ایمان اسلامی به ما اجازه می‌دهد در برابر این ظلم‌ها و جنایت‌ها ساکت و ساکن باشیم؟!

ب) علاوه بر این حقیقت مهم، واقعیت دیگری وجود دارد و آن توسعه‌طلبی تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی است. اگر محور مقاومت، به رهبری جمهوری اسلامی رژیم غاصب را در مرزهای رزمین‌های اشغالی، محصور و زمینگیر نکرده بود، ملت ایران امروز باید در مرزهای خود با رژیم سفاک صهیونی مقابله می‌نمود.

امنیت ملی، بازیچه نیست. امروز آمریکایی‌ها با هدف تأمین امنیت ملی خود، به صورت نامشروع در منطقه ما حضور دارند و جنگ افروزی می‌کنند. رژیم صهیونیستی برای تأمین امنیت نامشروع خود به سوریه حمله می‌کند و بخش‌های قابل توجهی از آن را اشغال کرده و زیرساخت‌های نظامی و دفاعی آن را نابود می‌کند. در این اوضاع عجیب و پیچیده چگونه توقع داریم جمهوری اسلامی ایران برای تأمین امنیت ملی خود دست روی دست بگذارد و هیچ اقدامی نکند تا آنجا که مجبور شود با رژیم غاصب و سایر دشمنانش در مرزهای کشور روبرو شود؟! تجربه ما در با مقابله گروه تروریستی داعش، که با حمایت و نقش مستقیم آمریکا و به منظور ایجاد خاور میانه جدید، ایجاد شد، نشان داد که راهبرد امنیت‌سازی در فراتر از مرزها، راهبردی منطقی و اصولی است. تفاوت ما با آمریکا و رژیم صهیونیستی آن است که ما امنیت خود را در فراتر از مرزهایمان، به صورت مشروع دنبال می‌کنیم، ولی آنان امنیت خود را بصورت ظالمانه و جنایتکارانه دنبال می‌کنند. بهترین دلیل برای اثبات اینکه حضور ما در کشورهای دیگر به

درخواست و با رضایت دولت‌های قانونی آن کشورها صورت می‌گیرد، آن است که وقتی دولت بشار اسد، از آمریکایی‌ها و کشورهای عربی فریب خورد و از جمهوری اسلامی درخواست کمکی نکرد، جمهوری اسلامی برای نجات سوریه از گروه تروریستی هیئت تحریر الشام اقدامی انجام نداد و دولت بشار با سرعت سرنگون شد. اکنون نیز که دولت غربگرای لبنان، خواهان عدم اقدام جمهوری اسلامی در دفاع از لبنان است، جمهوری اسلامی تنها به حمایت معنوی و کمک‌های بشر دوستانه از مردم لبنان، بویژه شیعیان آن، اکتفا کرده است.

ج) این ادعا که ایران در امور کشورهای دیگر دخالت می‌کند، شبهه‌ای است که آمریکایی‌ها، اروپایی‌ها و اسرائیل ساخته و پرداخته‌اند تا هم ایران را در مجامع بین‌المللی محکوم کنند، هم مجوزی برای تحریم، فشار و جنگ علیه ایران دست و پا کنند و هم مردم منطقه را نسبت به ایران بدبین سازند و ایران هراسی را دامن بزنند. در حالی که اولاً این خود آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها هستند که قرن‌ها است از طریق اشغال، کودتا و فشارهای گوناگون، در امور دیگر کشورها دخالت می‌کنند. ثانیاً تاکنون هیچ دولتی در منطقه ادعا نکرده است که جمهوری اسلامی در امور داخلی آن کشور دخالت می‌کند.

د) اصلاً بفرض که ایران در فلسطین و لبنان دخالت کند، این امر چه ربطی به اسرائیل و آمریکا دارد؟! اسرائیل با چه حقی به غزه و لبنان حمله می‌کند و مردم بیگناه را به خاک و خون می‌کشد؟! آیا اسرائیل در دخالت و تجاوز به غزه و لبنان محق است، اما ایران در حمایت و دفاع از حق مشروع مردم مظلوم آن کشورها محق نیست؟!

تحریک ایران

برخی اینگونه القا می‌کنند که این جمهوری اسلامی بود که پا روی دم اسرائیل گذاشت و اسرائیل را علیه خود تحریک کرد. اگر ایران کاری به کار اسرائیل نداشت، بهانه‌ای برای جنگ علیه ایران پیدا نمی‌کرد.

الف) این ادعاها را خود اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها از طریق رسانه‌های گوناگون در اذهان مردم وارد می‌کنند تا جنایات خود را توجیه کنند. اما پذیرش اینگونه تحلیل‌های خطرناک از طرف بخشی از مردم، ناشی از عدم شناخت صحیح یا غفلت از ماهیت سلطه‌گر و توسعه طلب آمریکا و اسرائیل است.

تاریخ چهار صد ساله شکل‌گیری آمریکا و ۸۰ ساله اسرائیل گواهی روشنی بر این واقعیت است که بنیانگذاران آمریکا و اسرائیل و دولت‌های پس از آنان همواره به دنبال توسعه‌طلبی ظالمانه بوده‌اند. اسرائیل، دولتی غاصب است که با غصب سرزمین‌های فلسطینیان، کشتار و آواره کردن آنان از سرزمین خود، بوجود آمده است. یهودیان غاصب همواره از طریق جنگ علیه فلسطینیان و همسایگان فلسطین، مانند اردن، سوریه و مصر و اشغال

بخش‌هایی از سرزمین‌های آنان تلاش کردند بر مساحت سرزمینی غصب شده فلسطین اشغالی بیفزایند. تاریخ اسرائیل، تاریخی سراسر کشتار، زندانی کردن و آواره کردن انسان‌ها و اشغال دیگر سرزمین‌ها است. طرح‌ها و شعارهای آنان، مانند طرح «دولت یهودی از نیل تا فرات» آشکارا نشانگر ماهیت تجاوزگر و توسعه طلب آن رژیم وحشی است. تجربه نشان داده است که اگر راه برای اسرائیل باز شود، از هیچ گونه تجاوز، توسعه‌طلبی و جنایتی فروگذار نخواهد کرد. نمونه خیلی نزدیک آن اشغال بخش‌های زیادی از خاک سوریه، پس از فروپاشی دولت بشار اسد است. بنابراین جمهوری اسلامی چگونه می‌تواند در برابر این همه ظلم، جنایت و توسعه‌طلبی، که در صورت تداوم حیات ننگین رژیم غاصب، به مرزهای ایران هم خواهد رسید، ساکت باشد و اقدام‌های پیشگیرانه‌ای در حفظ منافع و امنیت ملی ایران انجام ندهد؟!

ب) آیا اگر جمهوری اسلامی با ایجاد و تقویت دفاع موشکی خود، ایران را در برابر تجاوز اسرائیل آماده نکرده بود، همین افرادی که چنین تحلیل‌های نادرستی را می‌پذیرند و تکرار می‌کنند، امروز جمهوری اسلامی را به خاطر اهمال در تأمین امنیت ملی ایران سرزنش نمی‌کردند؟! در حالی که مهم‌ترین عامل حمله اسرائیل به ایران همین قدرت دفاعی موشکی و توان هسته‌ای ما است. اسرائیل خواهان آن است که همه کشورهای منطقه، ضعیف و فاقد قدرت دفاعی باشند تا او امپراتور منطقه باشد و همه کشوره و ملت‌ها را برای برده اسرائیل کند و منافع و ثروت‌های منطقه را در اختیار کشورهای غربی قرار دهد.

حس خودتحقیری

حس ناامیدی می‌کنم از اینکه اسرائیل به راحتی فرماندهان، دانشمندان و مردم عادی ما را می‌کشد و ما کاری نمی‌توانیم بکنیم، جز زدن موشک‌هایی که ساختمان‌ها را خراب می‌کند. این واقعیت تلخ حس خودتحقیری را در مردم ایجاد کرده است.

اولا باید توجه کنیم که فریبکاری، ترور، کشتار و دیگر رفتارهای ضد انسانی، جزئی از ذات پلید دشمنان ما است و ما از بروز چنین رفتارهایی از طرف دشمنان مان شگفت زده نمی‌شویم. تاریخ ننگین آمریکا و اسرائیل با قتل، غارت، جنگ، ترور، ویران کردن، کودتا، اشغالگری و آواره ساختن انسان‌ها درهم آمیخته است. اصلا تاریخ این کشورها، تاریخ شرارت و جنایت است، نه تاریخ زندگی ملت‌هایشان. بنابراین اگر آنان به ترور فرماندهان، دانشمندان و شهروندان ما دست می‌زنند، در حقیقت خوی واقعی خود را نشان می‌دهند. ما هرگز مانند آنان نیستیم.

ثانیا مقامات نظامی و سیاسی آنان در شرایط بسیار حفاظت شده زندگی می‌کنند، در حالی که مقامات سیاسی و نظامی ما در وسط میدان و فدایی ملت‌اند. شاید مقامات و سران رژیم غاصب بتوانند تا مدتی خود را از

حملات رزمندگان ایرانی پنهان کنند، اما مراکز، پایگاه‌ها و تأسیسات مهم و راهبردی رژیم غاصب در تیررس موشک‌ها و پهبادهای ایرانی است بوده و نابودی آن‌ها خسارت‌های زیادی به رژیم غاصب وارد کرده و آن را به زانو در خواهد آورد.

ثالثا برخلاف تصور برخی و تبلیغات دشمن، حملات موشکی ایران، متوجه ساختمان‌های مسکونی نیست. رزمندگان ایرانی تاکنون مراکز مهمی مانند ساختمان اصلی وزارت جنگ و ستاد ملی ارتش اسرائیل، مؤسسه علوم وایزمن (مغز امنیتی و پشتیبان ارتش صهیونیستی)، ساختمان کریاه، از مراکزی که از نظر حفاظت، معادل پنتاگون در آمریکا است، پالایشگاه حیفا، پایگاه هوایی نواتیم و پایگاه هوایی عوودا، ساختمان مرکزی موساد و ده‌ها مرکز و مؤسسه راهبری اسرائیل را هدف حملات خود قرار داده‌اند.

رابعا مهم‌تر از این، اساسا اصل حمله به اسرائیل و ویران ساختن این حجم از مراکز و ساختمان‌های راهبردی آن رژیم، حتی اگر هیچگونه خسارت انسانی و مادی جدی به رژیم وارد نکند، خودش معجزه الهی است. چه کسی بخود اجازه می‌داد فکر کند که می‌توان اسرائیل را با موشک ویران ساخت. هیچ کشوری و هیچ دولتی در جهان، جز جمهوری اسلامی ایران، تاکنون شجاعت و جسارت چنین کاری را نداشته است. امروز تصویر دروغین شکست‌ناپذیری اسرائیل، کاملاً فروپاشیده و همه مردم منطقه فهمیده‌اند که اسرائیل، رژیمی است که تنها با ایجاد رعب و وحشت توانسته است کار خود را به پیش برد، اما واقعیت آن است که رژیم صهیونی، بسیار شکننده و ضعیف است و از این به بعد دیگران همه جسارت مقابله با آن را به خود خواهند داد.

خامسا حملات موشکی ایران به مراکز حساس رژیم صهیونی زیر سانسور شدیدی است. اگر رژیم متجاوز اجازه می‌داد تصاویر و فیلم‌های حملات موشکی ایران منتشر شود، عمق و گستردگی خسارت‌های وارده شده به رژیم مشخص می‌شد. اساس راهبرد تبلیغاتی رژیم صهیونیستی بر سانسور هدفمند و مدیریت شده است.

سادسا قرار نیست ایران هم مانند رژیم کودک کش و جنایتکار صهیونیستی، به ترور دست بزند و مردم غیرنظامی و زنان و کودکان را هدف قرار دهد. حملات موشکی رزمندگان ایرانی هدفمند است و بیش‌تر با هدف انهدام مراکز مهم و راهبردی رژیم انجام می‌شود. ترور فرماندهان و افراد مؤثر و حتی غیرنظامیان از شیوه‌های همیشگی رژیم اسرائیل بوده است.

سابعا توان دفاع موشکی و برنامه هسته‌ای کشور به افراد وابسته نیست تا با حذف فیزیکی برخی از فرماندهان و دانشمندان کشور، از بین برود. اگرچه شهادت آن عزیزان بسیار برای ما تلخ و سنگین است، اما یقینا همکاران و شاگردان آن شخصیت‌های بزرگ راه آنان را با قدرت ادامه خواهند داد. در حمله غفلگیرانه اخیر رژیم صهیونیستی دیدیم که ساعاتی پس از شهادت فرماندهان، فرماندهی کل قوا با سرعت جای آنان را با فرماندهانی در همان سطح پر کردند و هیچ گونه خللی در نظم و انسجام دفاعی ایران بوجود نیامد.

توانمندی ایران

آیا با وجود اینکه آمریکا و اسرائیل از لحاظ نظامی خیلی توانمند هستند، ایران توان مقابله با صهیونیسم و آمریکا را دارد؟

اسرائیل و آمریکا به چند علت نمی‌توانند بر ایران غلبه کنند:

۷ وسعت جغرافیایی،

۷ فاصله طولانی اسرائیل و ایران،

۷ وفاداری ایرانیان به نظام سیاسی خود، به رغم همه مشکلات و

نارضایتی‌ها،

۷ توان موشکی پیشرفته و ناشناخته ایران برای آمریکا و اسرائیل،

۷ برگ‌های برنده ایران مانند بستن تنگه هرمز، ناامن شدن منطقه و از

بین رفتن منافع آمریکا و غرب برای دراز مدت،

۷ انسجام و اتحاد ملی و قدرت اجتماعی ایرانیان، در برابر تاب‌آوری

محدود و شکننده غاصبان اسرائیلی،

۷ طرفداری همه ملت‌های منطقه از ملت ایران،

۷ عدم همراهی کشورهای منطقه در جنگ علیه ایران، به این علت که

یقین دارند این کار کاملاً به زیان آنها است،

۷ رهبری مقتدر، معنوی و بانفوذ،

۷ رزمندگان دلاور و وفادار،

۷ و مهم‌تر از همه ایمان به خدا و جنگیدن برای هدف مقدس دفاع از

وطن و دفاع از مظلوم و عشق به شهادت عزتمندانه در بسیاری از ایرانیان.

عملکرد پدافند

چرا پدافند ایران به موقع عمل نکرد تا این حجم از تلفات انسانی و مادی نداشته باشیم؟

الف) طبق آنچه منابع موثق نظامی اعلام کردند، عملیات رژیم جنایتکار اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران در بامداد ۲۳ خرداد، عملیاتی ترکیبی و پیچیده بود. یکی از اضلاع عملیات رژیم، حمله سایبری به پدافند کشور بود که موجب شد پدافند کشور برای چندین ساعت، از مدار عملیاتی خارج شود و در همان مقطع، جنگنده‌های متجاوز با همراهی عناصر خائن داخلی، از طریق ارسال موشک، پهباد و ریزپرنده‌های انتحاری، توانستند ضربه سنگینی را به کشور وارد کنند، لیکن با فرماندهی بی‌نظیر مقتدرانه و آگاهانه رهبر معظم انقلاب و تلاش رزمندگان شجاع‌مان، با سرعت همه‌جانبه‌ها سریعاً بر شد و جمهوری اسلامی در کمتر از ۱۲ ساعت، عملیات وعده صادق ۳ را با قدرت انجام داد و انبوهی از موشک‌های بالستیک و پهبادهای انتحاری سرزمین‌های اشغالی را زیر ضربات خود قرار دادند.

ب) صهیونیست‌های غاصب در اوج حماقت و سفاهت، آغازگر جنگی

شدند که هرچند آغازش با آنان بود، اما پایان آن را جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌کند. آن نابخردان می‌پنداشتند که با یک ضربه سنگین می‌توانند نظام مدیریت کشور را از هم بپاشند و جامعه ایرانی را دچار فروپاشی کنند؛ لیکن به تعبیر مقام معظم رهبری: «عواقب آن او را بیچاره خواهد کرد. ملت بزرگ ایران مطمئن باشند که نیروهای مسلح به پشتیبانی آنها با قدرت عمل خواهد کرد و ضربه‌های سنگینی به این رژیم خواهد زد و این رژیم از این خباثت بزرگ، سالم خلاصی نخواهد یافت.»^۱

۱. پیام تلویزیونی خطاب به ملت ایران؛ ۲۳ خرداد ۱۴۰۴

انتقام سخت

از آغاز عملیات طوفان الاقصی و متعاقب آن ورود ناخوابسته ایران به درگیری با اسرائیل، که به شهادت بسیاری از فرماندهان و نیروهای ارزشمند ما منجر شد، متأسفانه آنچه بیش‌تر شاهدیم، بیانیه و شعار است و از انتقام سخت خبری نیست.

اولاً بیانیه دادن و شعار دادن جزئی از تاکتیک‌های جنگی است. کشورهایی که در حال جنگ هستند، تلاش می‌کنند با بیانیه‌ها و شعارهای حماسی، طرف مقابل را بترسانند و در تصمیم‌های او تردید ایجاد کنند. بنابراین بیانیه‌ها و شعارهایی که مقامات کشور، نیروهای نظامی و عموم مردم علیه اسرائیل و تجاوز آن رژیم بیان می‌کنند، یقیناً تأثیر مهمی بر روحیه دشمن دارد و می‌تواند در اراده و تصمیم او اختلال ایجاد کند. ثانیاً گزارش جامعی به نقل از رسانه‌های غربی و عبری وجود دارد که نشان می‌دهد موشک‌های ایرانی خسارت‌های زیادی به اسرائیل وارد ساخته است.

بررسی گزارش‌های رسانه‌ها و منابع رسمی عبری‌زبان نشان می‌دهد پهباداها و موشک‌های ایرانی طی روزهای مختلف جنگ، با وجود ادعاهای

رهگیری توسط سیستم‌های دفاعی اسرائیل (مانند گنبد آهنین)، به اهداف متعددی در سرزمین‌های اشغالی اصابت کرده‌اند. در این گزارش، داده‌ها صرفاً بر پایه منابع عبری‌زبان (شامل رسانه‌های رسمی اسرائیلی، اعلامیه‌های ارتش و نقل‌قول‌های مقامات) ارائه شده است.

۷ روز اول حملات (۲۳ خرداد ۱۴۰۴)

- حملات به تل‌آویو: منابع عبری تأیید کردند که ۳۰ موشک بالستیک به مناطق مختلف تل‌آویو اصابت کرد. از جمله اهداف:

- ساختمان بورس اسرائیل در شرق تل‌آویو، که به عنوان نماد اقتصادی رژیم هدف قرار گرفت.

- مرکز فرماندهی و اطلاعات ارتش (IDF C4I HQ) و ساختمان عملیات ارش در پارک فناوری گاو-یام. این مراکز به دلیل مجاورت با بیمارستان سوروکا، باعث آسیب‌های ثانویه به این بیمارستان شدند.

- تلفات انسانی: پلیس اسرائیل اعلام کرد ۳ کشته و ۳۰ زخمی در اثر اصابت موشک‌ها در تل‌آویو گزارش شده است. بیمارستان‌های ایخیلوف، بیلینسون و شبا مجموعاً ۴۰ مجروح را پذیرفتند که یکی از آن‌ها در وضعیت وخیم بود.

۷ روز دوم حملات (۲۴ خرداد ۱۴۰۴)

- حملات به حیفا: رسانه‌های عبری گزارش دادند موشک‌های ایران مناطق مسکونی و تأسیسات انرژی در حیفا را هدف قرار دادند. پلیس اسرائیل تأیید کرد یک وسیله انفجاری در محله ای در شمال حیفا سقوط کرد و منجر به کشته شدن یک زن ۲۰ ساله و زخمی شدن ۱۴ نفر شد. همچنین، خسارات مالی گسترده به املاک وارد شد.

- آسیب به پالایشگاه حیفا: تصاویر منتشر شده در رسانه‌های اسرائیلی

نشان‌دهنده آتش‌سوزی گسترده در پالایشگاه نفت حیفا پس از اصابت موشک بود. به گفته شرکت نفت بازان اسرائیل، فعالیت این پالایشگاه متوقف شد.

۷ روز سوم و چهارم حملات (۲۵-۲۶ خرداد ۱۴۰۴)

- حملات به بئ‌ال‌سبع (شهر نقب): منابع عبری از اصابت مستقیم موشک‌های ایرانی به این منطقه خبر دادند. فیلم‌های منتشر شده در رسانه‌های اسرائیلی لحظه اصابت و تخریب زیرساخت‌های نظامی را نشان می‌داد.

- تشدید حملات به تل‌آویو: در موج نهم عملیات "وعده صادق ۳"، سپاه ایران از موشک‌های سجیل با برد ۲۰۰۰ کیلومتر استفاده کرد. ارتش اسرائیل اعتراف کرد حداقل ۳۰ موشک بالستیک دیگر به مرکز شهر اصابت کرده و موجب خرابی گسترده در مناطق مسکونی و نظامی شده است.

۷ واکنش‌های رسمی ارتش اسرائیل:

- تأیید نقاط ضعف دفاعی: سخنگوی ارتش اسرائیل در بیانیه‌ای اعلام کرد، سیستم دفاع ضد موشکی این کشور "بدون نقص نیست" و در برخی موارد پهبادهای و موشک‌ها از خطوط دفاعی عبور کرده‌اند. وی به شهروندان هشدار داد به پناهگاه‌ها پناه ببرند.

- سانسور اطلاعات: مقامات اسرائیلی با انتشار دستورالعمل‌های تهدیدآمیز، از شهروندان خواستند فیلم‌های اصابت موشک‌ها را منتشر نکنند. یکی از اخطارهای رسمی بیان می‌کرد: "اگر فیلمی منتشر کنید، نفر بعدی که مورد اصابت قرار می‌گیرد، خودتان هستید!"

۷ برآورد کلی خسارات بر اساس منابع عبری:

- تلفات انسانی: مجموع کشته‌شدگان اسرائیلی تا روز ششم جنگ

حداقل ۸ نفر (۵ نفر در تل آویو، ۱ نفر در حیفا و ۲ نفر در شمال) و زخمی‌ها ده‌ها نفر اعلام شده است.

- خسارات اقتصادی:

- توقف فعالیت پالایشگاه حیفا و بورس تل آویو.

- تخریب مراکز فرماندهی نظامی در تل آویو و آسیب به زیرساخت‌های انرژی در حیفا.

۷ تحلیل اثربخشی حملات پهبادی ایران:

با وجود ادعای رهگیری ۹۰٪ موشک‌ها توسط ارتش اسرائیل، منابع عبری نشان می‌دهند حملات ایران:

۱. تمرکز بر اهداف استراتژیک، مانند مراکز فرماندهی، تأسیسات انرژی و نمادهای اقتصادی را در اولویت قرار داده است.

۲. استفاده از موشک‌های هایپرسونیک (مانند سجیل) که رهگیری آن‌ها برای سیستم‌های دفاعی اسرائیل دشوار است.

۳. تأثیر روانی با ایجاد ترافیک فرار از تل آویو و حیفا به مناطق امن.

این گزارش مبتنی بر داده‌های منتشر شده در منابع رسمی عبری‌زبان است و هیچ تحلیل جانبدارانه‌ای در آن لحاظ نشده است.

منابع عبری مورد استناد:

۱. تایمز اسرائیل،

۲. کانال ۱۲ خبری اسرائیل،

۳. وبگاه رسمی ارتش اسرائیل (IDF)،

۴. رسانه‌های محلی حیفا،

۵. روزنامه‌های عبری زبان (یدیعوت آحارونوت و هاآرتز)

نابودی در یک روز

چرا نیروهای مسلح در همان روز اول، یکجا به همه مراکز رژیم اسرائیل حمله نکردند و همه چیزشان را نابود نکردند؟

احساسات برآمده از نفرت و خشم علیه رژیم جنایتکار اسرائیل در خور تحسین و قدردانی است و مردم عزیز باید این نفرت و خشم مقدس را تا نابودی کامل اسرائیل در خود نگهدارند، اما رهبری جنگ، موضوعی است که باید با عقلانیت، تدبیر، خویشتن‌داری بهنگام و حمله بهنگام همراه باشد. برخی از عللی که ما را الزام می‌کند تا در جنگ، با محاسبه و تدریجاً با دشمن برخورد کنیم، عبارت است از:

۱/ دفاع ما از ایران در برابر حمل اسرائیل ممکن است روزها و هفته‌ها ادامه پیدا کند. پس باید برای حوادث بعدی و سناریوهای مختلفی که ممکن است دشمن علیه ما بکار گیرد، آماده باشیم و همه توش و توانمان را یک جا مصرف نکنیم. تجربه نشان داده که دشمن صهیونیستی تنها در حملات هوایی و برق‌آسا موفقیت دارد اما در جنگ فرسایشی، بسیار آسیب‌پذیر است. فرسایشی شدن جنگ، موجب تحلیل رفتن نیروهای اجتماعی و توان

مقاومت دشمن می‌شود و موفقیت ما در این امر مستلزم، بکارگیری تدریجی توان نظامی است.

✓ ممکن است در ادامه جنگ، آمریکا و برخی کشورهای اروپایی به جنگ با ما وارد شوند و جبهه‌های دیگری علیه ما ایجاد شود. پس باید برای آن وضعیت‌ها هم آماده بود و همه ابعاد را در حمله و پاسخ به رژیم اسرائیل سنجید.

✓ اکنون فرصتی ارزشمند برای تنبیه رژیم جنایتکار اسرائیل در اختیار ما قرار گرفته است که باید با تصمیم‌های عقلانی و صحیح و حساب شده، از آن استفاده کنیم.

✓ در دفاع مشروع، رعایت اصل تناسب در ضربه زدن، بسیار مهم است. با توجه به اینکه رژیم در حمله نخست، بیش‌تر بر ترورهای هدفمند، حمله به تأسیسات هسته‌ای و پایگاه‌های نظامی کشور متمرکز بود، اگر ما از همان ابتدا در سطحی گسترده به مناطق غیر نظامی و زیرساخت‌هایی مانند پالایشگاه، نیروگاه برق آنان حمله می‌کردیم، افکار عمومی دنیا، که اکنون به نفع ما و به زیان دشمن است، ما را به دلیل نادیده گرفتن سطح تقابل و افزایش دامنه تنش، مقصر معرفی می‌کرد و فرصتی مناسب را برای رژیم جنایتکار ایجاد می‌کرد تا در سطحی گسترده‌تر به مردم غیرنظامی و زیرساخت‌های کشور حمله کند.

✓ هرچند رژیم جنایتکار صهیونیستی به حقوق بین‌المللی و اصول اخلاقی پایبندی ندارد و از هدف قرار دادن غیر نظامیان و مناطق مسکونی هیچگونه ابایی ندارد، اما قرار نیست ما نیز مانند آنان رفتار کنیم. اگر جمهوری اسلامی هم از روش ترور و هدف قرار دادن غیرنظامی برای فشار

بر دشمن استفاده کند، در آن صورت تفاوت ما با رژیم شرور صهیونی چه خواهد بود؟! جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصول ارزش‌های اسلامی و انسانی، خود را به رعایت حقوق بین‌الملل و اخلاق جنگی ملزم می‌داند. بی‌اعتنایی به اصول اخلاقی و حقوقی، چهره ایران و اسلام را در افکار عمومی جهان، خدشه‌دار می‌کند و ما را از موضع مظلومیت و دفاع به جایگاه ستمگری می‌نشانند.

✓ یقیناً فرماندهان نظامی، در مقایسه با دیگران، اطلاعات بیش‌تری از توش و توان کشور و نقاط ضعف دشمن دارند و در این راه، تجربه و دانش نیز به آنان کمک می‌کند تا برای جلوگیری از پیشروی دشمن و آسیب زدن به او، بهترین تصمیم‌ها را انتخاب کنند. بنابراین بهتر است به فرمانده کل قوا و فرماندهان نظامی کشور اعتماد کنیم و از روی ناآگاهی، عملکرد آنان را زیر سؤال نبریم. همانگونه که مقام معظم رهبری، فرمانده کل قوا، در پیام خودشان، خطاب به ملت ایران تصریح فرمودند: «رژیم خبیث و رذل صهیونی دچار خطا و غلطی بزرگ شد که عواقب آن او را بیچاره خواهد کرد. ملت بزرگ ایران مطمئن باشند که نیروهای مسلح به پشتیبانی آنها با قدرت عمل خواهد کرد و ضربه‌های سنگینی به این رژیم خواهد زد و این رژیم از این خباثت بزرگ، سالم خلاصی نخواهد یافت ... ملت و مسئولان ایران پشتیبان نیروهای مسلح هستند و جمهوری اسلامی به اذن الهی بر رژیم صهیونیستی فائق خواهد آمد ... مطمئن باشید در این زمینه هیچ کوتاهی نخواهد شد.»^۱

۱. پیام تلویزیونی خطاب به ملت ایران؛ ۲۳ خرداد ۱۴۰۴.